



بندها «اصول» مواد و تبصره های

قانون اساسی

حکومت رایستانی «پارلمانی» ایران .

بندها «اصول» مواد و تبصره‌های قانون اساسی حکومت رایستانی «پارلمانی» ایران .

۱. نهادهای نه‌گانه ساختار حکومت پارلمانی «رایستانی» :

«۱» پارلمان «رایستان» .

«۲» سنا .

«۳» مؤسسان «خبرگان» .

«۴» انجمن شهر .

«۵» شهردار .

«۶» پادشاه رایستانی - رئیس جمهور رایستانی «پارلمانی» .

«۷» انجمن بومی «ایالتی و ولایتی = محلی و منطقه‌ای» .

«۸» دیوان دادگری، دادرسی قضایی .

«۹» دولت رایستانی «پارلمانی» .

۲. رایستان «پارلمان»: در حکومت پارلمانی ایران، پارلمان یا مجلس «رایستان ایران» نامیده می‌شود و جایگاهی است که گزیدگان جامعه، پیرامون کارهای مملکت، به رایزنی می‌پردازند و پیرامون طرح و پدید آوردن و پیرایش و آرایش قانون، که برای تنظیم روابط اجتماعی است و سپس گزینش دولت و بررسی کارهای آن، به روش تذکر یا پرسش و یا استيضاح، کار خود را نشان می‌دهند و نیز به سامان دادن روابط مالی و مالیاتی می‌پردازند. همچنین، پارلمان «رایستان» که از بنیادهای قوای سه‌گانه است، با دیگر نهادهای حکومتی، روش کار خود را بر پایه قانون اساسی حکومت پارلمانی «رایستانی» قرار می‌دهد، چون بنیاد پارلمان از آن روی است، که پیش از آن، قانون اساسی، تدوین باشد. ماده ۱: «سوگند وفاداری هموندان نهادهای شماره ۱، ۲، ۳، ۶، ۹ در محل رایستان «پارلمان» و به خاک کشور و نیاکان و پایبندی

به قانون اساسی است» .

۳. دمکراسی لفظ و گویش است و همگان آن را در گفتار به کار می‌گیرند، در مفهوم جامعه شناسی آن، حکومت مردم است و چون مردم نمی‌توانند هر روز یک جا، گرد آیند، خواست‌ها و نیازهای خود را با دولت به میان آورند، مردم‌کوی و برزن از هر شهر، کسانی را که به خوبی می‌شناسند و از چگونگی آنان آگاهند و می‌دانند که هم آنان، با دشواری جامعه خود، پیوستگی دارند و در کاستن نیازهای اجتماعی کارا، هستند و نامزد نمایندگی رایستان «پارلمان» شده‌اند، به روش رأی از میان نامزدها، یک تن را به نمایندگی یا وکالت خویش، برمی‌گزینند تا از حق و حقوق و منافع آنان دفاع کند و نیز از لغزش سردمداران سیاست کشور پیشگیری نماید و حکومت و دولت را بر مدار خواست‌ها و نیازهای جامعه، راهنمایی و هدایت کند تا ساختار حکومت و دولت، بر مدار دمکراسی و مردم‌سالاری، در گردش شود. بدینسان، هرگاه قدرت اجتماعی شد و به جامعه واگذار گردید، دشواری در راه دمکراسی در میان نخواهد بود و گردش این دمکراسی و حکومت مردمی، از سوی نمایندگان جامعه، در رایستان «پارلمان» به سامان می‌رسد.

۴. از زمان آگاهی تاریخی از تاریخ مدون و نوشته، فرمان فرمانروایان را، قانون می‌گفتند که نانوشته بود و از اراده شخصی آنان مایه داشت. در ایران، از آغاز پدید آمدن مجلس مشروطه بدینسوی، بی‌قانونی‌های حکومتگران، به گونه قانون نوشته شد، زیرانمایندگان، برگزیدگان حکومت و دولت بودند و مجلس هم دولتی بود و ملت نداشت. بدینسان، مناسبات کرداری فرمانروا، ناشی از اراده و منش فردی آنان بود و مناسبات حکومت بادولت و حکومت و دولت با جامعه، وسیله ابزاری آنان به شمار می‌آمد که همگی در حکومت، متجلی می‌شد. از این روی، به حکومت رایستانی «پارلمانی» که حکومت جامعه یا حکومت مردم است و جامعه سالار می‌باشد، روی آور می‌شویم تا شایسته سالاری که هدف حکومت رایستانی «پارلمانی»

است، سامان یابد، زیرا حکومت رایستانی «پارلمانی» فرمانروایی ملت است که از سوی نمایندگان آن، که نماینده همه ملت ایران هستند، بر پای مؤسسان را اعلام می‌دارد و سپس با تصویب مؤسسان «خبرگان» که برگزیده جامعه می‌باشد، یکی از دو نوع حکومت «پادشاهی رایستانی یا جمهوری رایستانی=پارلمانی» گزیده و پذیرفته می‌گردد.

۵. سراسر داده‌ها و برنامه رایستان، به آگاهی جامعه خواهد رسید، مگر چگونگی و شرایط نظامی زمان جنگ و یا زمینه‌ای که سود و خیر، در داده‌های دیپلماسی کشور، با ممالک دیگر در میان باشد، آنگاه درصد شمار نمایندگان، می‌توانند از دبیرخانه رایستان با همراهی ریاست رایستان، درخواست جلسه یا نشستی پنهانی و مخفی را بدون تماشاچی یا روزنامه‌نگار بنمایند.

۶. پایه‌گزینش برای نمایندگان رایستان «پارلمان» گزینش مستقیم و همگانی و یک مرحله‌ای، با رأی بیشین و مخفی و پنهان است که دو دور پیوسته یا گسسته می‌توانند برگزیده شوند.

۷. هر دور رایستان از آغاز تا پایان دوره، چهار سال است و گزینش میان دوره‌ای در کار نخواهد بود.

۸. شرایط پذیرش نمایندگان رایستان: ماده ۱- ایرانی بودن خاندان تا دو دودمان. ماده ۲- نداشتن ملیت یا شهروندی بیگانگان و داشتن آخرین برگه اقامت معتبر با تاریخ پایان نیافته که در آن یک ملیت، آنهم ملیت ایرانی نوشته شده باشد. تبصره ۱: «زاده شدگان در ممالک بیگانه، که ملیت ایرانی دریافت کنند، دشواری نامنویسی ندارند زیرا، جا و مکان زاده شدن، بر پایه‌گزینش و اختیار نوزاد نیست.» ماده ۳- سن برای نامزدی رایستان به هنگام نامنویسی، کمتر از ۴۰ و بیشتر از ۷۵

سال نباشد. تبصره ۱: «سر سال نو، یکم فروردین، آغاز بهار، یک نوروز تا نوروز دیگر است». ماده ۴ - داشتن دانشنامه لیسانس، از دانشگاه‌های معتبر درون و برون کشور. تبصره ۱: [«لیسانس علوم اجتماعی و علوم انسانی به مفهوم عام و لیسانس هنر به مفهوم خاص» علوم اجتماعی: حقوق، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، اقتصاد، جمعیت‌شناسی، آمار، مردم‌شناسی، انسان‌شناسی، مدیریت و بازرگانی. علوم انسانی: تاریخ، ادبیات فارسی، زبان فارسی، جغرافیا، باستان‌شناسی و زبان‌شناسی. هنر: معماری، شهر سازی، عمران ملی و موسیقی]. ماده ۵ - نامزدها باید در زادگاه یا مکانی که از شش ماه پیشتر در آنجا ساکن بوده‌اند، نامنویسی کنند تا کار انجمن بومی «محلّی و منطقه‌ای = ایالتی و ولایتی» برای شناسایی آنان، دشوار نباشد و نیز مردم منطقه از او شناخت داشته باشند. ماده ۶ - زندگی در هر جای کشور یا بیرون از کشور، برای نامزدی که در زادگاه خود نامنویسی می‌کند، بازدارنده نامنویسی نیست. ماده ۷ - نامزدها شش ماه پیش از نامنویسی، باید کناره‌گیری و استعفا رسمی خود را از کار و پیشه دولتی که دارند به فرمانداری شهرستان خود بپسارند. «کناره‌گیری و استعفا باید از سوی وکیل دعاوی یا محضر رسمی باشد». ماده ۸ - گواهی تندرستی از پزشکی قانونی، دو ماه پیش از نامنویسی. ماده ۹ - نداشتن هیچگونه پیشینه نادرست اجتماعی. ماده ۱۰ - گواهی نداشتن پیشینه بزّه‌کاری سیاسی اجتماعی و پیشینه کیفری و جنحه، دو ماه پیش از نامنویسی، از دادگستری منطقه. ماده ۱۱ - نداشتن وابستگی مالی و سیاسی و سازمانی به بیگانگان. ماده ۱۲ - برگه پاکی از هرگونه اعتیاد، از مرکز بهداشت و درمان منطقه، که سیگار، پپ و غلیان را شامل نمی‌شود. ماده ۱۳ - گواهی سلامت روحی و روانی از مرکز روان‌درمانی منطقه، دو ماه پیش از نامنویسی.

۹. چگونگی گزینش: زمان و تاریخ آغاز و پایان نامنویسی درخواست‌کنندگان نامزدی رایستان «پارلمان» که یک ماه است از سوی وزارت کشور به فرمانداری‌ها بخشنامه می‌شود. نامزدها پیش از پایان نامنویسی، به فرمانداری مراجعه و

نامنویسی می‌کنند و رسید دریافت می‌دارند. فرمانداری پس از یک هفته، کارنامه و پرونده درخواست‌کننده را به انجمن بومی «محلّی و منطقه ای = ایالتی و ولایتی» می‌فرستد و نسخه‌ای از کارنامه و پرونده در فرمانداری باقی می‌ماند و پرونده بررسی صلاحیت، از سوی انجمن بومی که نسخه‌ای نیز در آنجا بایگانی می‌گردد، پس از یک ماه بررسی و تحقیق در انجمن بومی، به فرمانداری برگردانده می‌شود و فرمانداری زمان و تاریخ فعالیت و رقابت انتخاباتی و گزینش و نام نامزدها را برای دو ماه آگهی می‌دهد و آن دو ماه، زمان رقابت تبلیغاتی نامزدها است که روزنامه، رادیو و تلویزیون، بی‌آنکه گمان‌پردازی، ارزیابی یا نظرسنجی کنند، جایگاه تبلیغ برابر و مساوی و رقابت سالم نامزدها خواهد بود و فرمان گزینش برای رأی‌گیری در یک روز معین، به سراسر کشور آگهی می‌شود که فرمانداری‌ها و بخش‌داری‌ها، انجام آنرا بر دوش دارند و نامزد یا نامزدهای گزیده شده جامعه، از سوی وزارت کشور، کمتر از دو هفته به دبیرخانه رایستان «پارلمان» معرفی می‌شوند و رایستان «پارلمان» پیش از دو ماه تشکیل و برقرار می‌گردد و کمیسیون‌ها و کمیته‌های داخلی، کار خود را آغاز می‌کنند.

۱۰. پرونده یا مدارک لازم برای نامنویسی نامزد رایستان «پارلمان»: ۱- شش قطعه عکس ۶ در ۴ که بیش از دو ماه از تاریخ آن نگذشته باشد. ۲- اصل شناسنامه و پرونده یاد شده در اصل ۸ و ۱۳ ماده و ۳ تبصره آن، که درخواست‌کننده خود، کارنامه را به فرمانداری داده و نامنویسی می‌شود و رسید دریافت می‌کند و نسخه‌ای از همه کارنامه و پرونده، کپی برابر اصل گردیده و اصل به درخواست‌کننده برگردانده می‌شود و فرمانداری به اجرای آنچه که در اصل ۹ آمده است، می‌پردازد.

۱۱. از هر دویست هزار تن شمار کشور، یک تن نماینده رایستان «پارلمان» برگزیده می‌شود. شمار منطقه که دویست هزار تن باشد، اگر در دور بعدی، صد هزار تن و بیشتر بر آن افزوده شود، یک تن دیگر به نماینده رایستان در منطقه افزوده می‌گردد.

۱۲. پس از نتایج انتخابات که نامزدهای بیشین رأی، برگزیده شدند، فرمانداری، نام و پرونده آنان را تا پیش از یک هفته به وزارت کشور می فرستد و وزارت کشور، تا پیش از دو هفته نام و پرونده آنان را، به دبیرخانه رایستان می فرستد و نسخه ای در وزارت کشور می ماند. دبیرخانه رایستان پیش از پنج هفته، محل کار دفتر نمایندگان را تدارک می بیند و روز سپری شدن زمان کار رایستان پیشین، نمایندگان جدید، که به شمار نصف به اضافه یک باید باشند، کار خود را آغاز می کنند.

۱۳. وظیفه رایستان «پارلمان»: از آغاز کار، نمایندگان رایستان «پارلمان» چهار وظیفه اصلی و پایه ای دارند که بدین کار برگزیده شده اند: پدید آوردن، پیراستن، آراستن و پالایش قانون، سپس نظارت، تذکر و استیضاح دولت، ناشی از کار نادرست دولت و نه دخالت. آنگاه تصویب بودجه، وضع مالیه و مالیات و سرانجام رأی اعتماد یا بی اعتمادی برای گزینش دولت یا نپذیرفتن آن. ماده ۱: «نماینده نباید در کار قوه مجریه یا قضائیه بویژه در حوزه انتخابیه دخالت کند، با سه بار شکایت فرماندار و دو بار شکایت استاندار، به دیوان دادگری و رونوشت برای رایستان، مصونیت او باطل می گردد، نماینده می تواند تذکر خود را در رایستان به میان آورد، اگر یک پنجم نمایندگان با او هم رأی شدند، دشواری حوزه انتخابیه خود را به وزیر مربوط ابلاغ می کند، پس از سه نوبت ابلاغ و هر ابلاغ سه ماه اگر عمل نشد، مرحله تذکر و سپس استیضاح همان وزیر، رخ می گیرد».

۱۴. هر گاه رأی ممتنع نمایندگان، بیش از شمار مثبت و منفی بود، آن لایحه به سنا می رود که پیش از دو هفته سنا با آراء بیشین مثبت یا منفی، آنرا به رایستان می دهد. ماده ۱: «رأی گیری با گفتن آری، نه و بر خاستن و نشستن و نیز بلند کردن دست، یا انگشت نشانه، جایز نیست. رأی به روش پنهان، به گونه نوشته و امضاء در صندوق آراء که در برابر داوران است، ریخته می گردد و سپس شمارش می شود».

ماده ۲: «غیبت نماینده در رایستان بهنگام رأی گیری، ممتنع و بیهوده به شمار می آید و غیبت بیش از سه هفته غیرموجه او، گزینش نماینده دیگری را موجب خواهد شد، از این روی، رأی ممتنع یا غیبت نماینده، به شمار نمی آید».

۱۵. رایستان، پیوسته در کار است. با واگذاری اختیارات کتبی نماینده ای به نماینده دیگر، در زمان غیبت یا مرخصی، کار رایستان تعطیل نیست.

۱۶. زمان تعطیلی رایستان را نظامنامه داخلی رایستان تصویب می کند ولی بیش از یک ماه نباشد.

۱۷. به حرمت ارزش انسان، نصف به اضافه یک، برای رایستان و دیگر نهادها، رأی بیشین نامیده می شود و بر این پایه، تصویب، لایحه، طرح یا ایجاد قانون و گزینش، به رأی بیشین بستگی دارد. ماده ۱: «هنگامی که بیش از پنج وزیر به استیضاح کشیده شوند و دولت پاسخگو نباشد، دولت برکنار می شود، ولی شمار نمایندگان باید دو سوم آراء را داشته باشند».

۱۸. برای تصویب لوایح دولتی، رأی بیشین بسنده است و نیازی به تأیید سنا ندارد. ماده ۱: «رایستان = پارلمان، نمی تواند برای دولت، روش کار معین کند».

۱۹. کمیسیون قانون گذاری در رایستان «پارلمان» باید پدید آید، زیرا پاره ای از نمایندگان از چگونگی قانون گذاری بی آگاهند و این هشدار پیوسته ای است برای نهاد قانون گذاری کشور، که رایستان «پارلمان» از آن نباید دوری گزیند و دولت، نیز برای قانونی کردن لوایح، تصویب نامه و بودجه، همراه و مددکار رایستان است.

۲۰. پیرامون تعیین و نگاشتن بودجه مملکتی، از سوی ریاست دولت، معاون

مالی هر وزارتخانه «وزارت دارایی ۳ تن» ۲ تن اقتصاددان و حقوقدان مالی از سوی دانشگاه و ۲ تن دیوان محاسبات و خزانه داری کل، همراه هموندان کمیسیون بودجه رایستان «پارلمان» هستند، که به تصویب کمیسیون مالی رایستان «پارلمان» می‌رسانند و برای تعیین بودجه رایستان، ۳ تن از کارشناسان وزارت دارایی، همراهی می‌کنند.

۲۱. لایحه ای که دولت برای تصویب یک اصل قانونی یا ماده و تبصره آن، به رایستان می‌فرستد، ریاست رایستان، آن را بازگشایی و مطرح می‌سازد و میان نمایندگان به گونه نوشته پخش می‌کند و ریاست دولت یا وزیر پیشنهاد دهنده، باید در رایستان «پارلمان» باشد، تا برای توجیه آن لایحه، بتواند به کمیته و کمیسیون ویژه، آگاهی دهد، که پیش از یک ماه با رأی بیشین باید به تصویب برسد یا پذیرفته نگردد، اگر تصویب شد تا یک هفته پیش از آن، به دولت ابلاغ می‌شود و دولت پس از دو هفته، به اجرای آن قانون، آغاز می‌کند.

۲۲. طرح یا پیشنهادی که از سوی یک نماینده یا کمیسیون یا فراکسیون برای پدید آوردن قانون مطرح می‌شود و به میان می‌آورند، آنرا مصوبه رایستانی «پارلمانی» می‌نامند و از سوی پیشنهاد دهنده، میان نمایندگان به گونه نوشته پخش می‌شود و چهار سخنران از همان کمیسیون، در یک ساعت، پیرامون آن به سخنرانی می‌پردازند. واگذاری زمان، از سوی نماینده ای به نماینده دیگر، دشواری در میان ندارد و آن طرح یا پیشنهاد حداکثر، سه نوبت به هم رأی نیاز دارد که با رأی بیشین تصویب می‌شود و تا پیش از دو هفته به دولت، ابلاغ می‌گردد و دولت تا پیش از دو هفته، به اجرای آن، آغاز می‌کند.

۲۳. برای تصویب آیین نامه و نظامنامه رایستانی «پارلمانی» آراء بیشین لازم است و کاری است داخلی، که نمایندگان، آنرا سامان می‌دهند، زیرا نظامنامه و

آئین نامه داخلی رایستان، به هماهنگی و توافق همان دوره نمایندگان بستگی دارد.

۲۴. هموندی و عضویت در کمیته و کمیسیون، باید تخصصی باشد، در کمیته و کمیسیون، دانش آموختگی و نیز پیشینه کار و یا نوشته ای که به تصویب دانشگاه رسیده باشد، زمینه تخصصی خواهد بود که با رأی بیشین نمایندگان، برگزیده می شوند و هر دو سال یک بار، در سالگرد گشایش رایستان «پارلمان» گزینش نامزدهای جدید کمیته و کمیسیون، ابقاء و یا ماندگاری همان نمایندگان است.

۲۵. ریاست رایستان، از میان نمایندگان، به گونه داوخواهی، با رأی بیشین و برای دو سال خواهد بود که دو دور پیوسته می تواند برگزیده شود و پیش از آن، گزینش ریاست سنی رایستان «پارلمان» برای یک تا دو ماه است. نامزدها تا یک هفته پیش از رأی گیری، در دبیرخانه رایستان نامنویسی می کنند و رسید دریافت می دارند، نامزدها باید دانش آکادمیک حقوق یا جامعه شناسی را تا مرز تخصص داشته باشند. دو نایب رییس یکم و دوم که در نبودن و غیاب رییس رایستان، مدیریت دارند، می توانند با دانش نهایی آکادمیک و بدون تخصص، نامنویسی کنند، شش تن منشی باید، لیسانس به بالا، در ادبیات یا حقوق، باشند، کارپردازان باید هفت تن و در اقتصاد، حسابداری، مدیریت و یا بازرگانی، از لیسانس به بالا باشند. تهیه بودجه رایستان «پارلمان» نگاهبانی ساختمان و اموال و مؤسسات رایستان و استخدام کارکنان بر دوش آنان می باشد و امضاء حوالجات و چک و اسناد و هزینه رایستان از سوی آنان است و کمتر از چهار تن نباشند. از دیگر وظایف آنان، صورت مذاکرات و چاپ و پخش و خواندن لوایح و طرح ها و پیشنهادهایی است که باید، به آگاهی نمایندگان برسد و همچنین ترتیب پیشنهاد نمایندگان، از کارکرد آنان است. رؤسای کمیسیون ها و هموندان علی البدل در رشته ای که برگزیده می شوند باید دارای دانشنامه لیسانس در همان رشته کمیسیون باشند. ماده ۱: «گروه منشی و کارپردازی، در شمار هیئت رئیسه به شمار می آیند».

۲۶. چهار ماه پیش از پایان دوره چهار ساله رایستان برکار، از سوی وزارت کشور، گزینش نمایندگان دوره تازه آغاز می‌شود و جایگزینی دوره پیشین، با آغاز کار نمایندگان جدید، بی‌درنگ پیگیری می‌شود. ماده ۱: «کناره‌گیری و استعفای نماینده، همانروز، به آگاهی وزارت کشور می‌رسد تا در حوزه انتخابیه، گزینش برای جانشینی او، رخ گیرد».

۲۷. برگزینندگان، در هر جاکه باشند، باید از حوزه انتخابیه خود برگزینند و رأی مخفی و پنهان خود را، به صندوق بسپارند و شناسنامه آنان با مهر انتخابات وزارت کشور نشان شود و میزان سن آنها هم باید ۲۵ سال به بالا باشد.

۲۸. جلسه و نشست خصوصی، نیازی به رأی‌گیری ندارد و آن، به انگیزه مذاکره و گفتگو پیرامون مطالبی است که باید در جلسه علنی به میان آید و سپس نطق و سخنرانی، در دستور، مخالف و موافق باید معین و مشخص شود تا کار رأی‌گیری آسان گردد. ماده ۱: «نماینده ای که موجب اغتشاش و آشفتگی شود و به نماینده دولت اهانت کند، رییس رایستان بدو تذکر می‌دهد، در دوم بار، بدو هشدار و اخطار می‌دهد که یک نشست و جلسه از حضور او جلوگیری شود، در سوم بار، توبیخ است، که یک ماه از ورود او، در نشست‌ها پیشگیری می‌گردد و یک چهارم حقوق او، در یک ماه کم می‌شود».

۲۹. وام دادن یا وام گرفتن دولت از بیگانگان و نیز قرارداد پیمانکاری کارخانه‌ای که در آفرینش و ساختن آن دشواری وجود دارد و نیز ورود دارو و مواد شیمیایی و لوازم جراحی و بیمارستانی و قطعات یدکی موتورآلات و دیگر ابزار مکانیکی و فنی و افزار و آلات تسلیحاتی، با پیشنهاد دولت، باید به تصویب رایستان باشد.

۳۰. ساختن دانشگاه، بیمارستان، فرودگاه، راه آهن، راه شوسه و دیگر پروژه آبادانی، از سوی دولت، نیازی به تصویب رایستان ندارد و رایستان «پارلمان» نباید در اجرای آن دخالت کند، زیرا رایستان حق دخالت در داده های اجرایی را ندارد که تداخل قوا، پیش آید و آن وظیفه دولت است.

۳۱. فراکسیون: فراکسیون که بخش های گوناگونی می باشند، دسته و گروهی از نمایندگان رایستان «پارلمان» هستند که اندیشه ویژه ای دارند و با اکثریت و اقلیت و منفردین همخوانی ندارند و نمی توانند دولت یا یک وزیر خاص را به پرسش و استیضاح بکشانند ولی می توانند تذکر دهند، اگر توانستند یک سوم نمایندگان را با خود همداستان سازند، می توانند دولت یا یک وزیر خاص را، به پرسش فرا بخوانند و نیز می توانند در طرح ها، آراء بیشین را با خود همراه و به اندیشه بکشانند و قانونی را تصویب کنند.

۳۲. جبهه، حزب، انجمن، کانون، اتحادیه، سندیکا، صنف، که استقلال خواست و هدف و روش دارند، بیانگر آراء و اندیشه جامعه و نیز بازتاب دهنده خواست ها و نیاز جامعه هستند، باید، از سوی وزارت کشور، قانونی باشند و مرامنامه یا منشور آنان، دور از انگیزه جدایی خواهی و تجربه طلبی و وابستگی به بیگانگان و مذهب حکومتی باشد. آنان، می توانند دیدگاه مخالف یا نظرات اصلاحی خود را، پیرامون دولت یا لایحه و یا یک بند «اصل» ماده و تبصره قانونی، به یکی از فراکسیون ها یا کمیته ها بفرستند و نیز می توانند، از رایستان، درخواست استیضاح دولت یا یک وزیر را بنمایند، که پیش از دو هفته از سوی اکثریت کمیته ویژه، به آنها پاسخ داده شود، تا دیدگاه اجتماعی سیاسی میان نمایندگان رایستان، گسترده گردد و نمایندگان نیز از دیدگاه رهبران سیاسی جامعه، آگاهی یابند و دولت، روی به بهبود نهد و جامعه، در روند آسایش و رفاهیت و امنیت باشد.

«سِنَا - SÉNAT»

۳۳. سِنَا، که نمایندگان آنرا سِناتور خوانند، در همه جوامع، به مجلس بزرگان خوانده می‌شود. در این قانون اساسی حکومت رایستانی «پارلمانی» فلسفه وجودی سِنَا، به انگیزه جلوگیری از تصویب سریع و شتابزده و بی‌مطالعه قوانین و پیش‌گیری از احساسات تند و زود گذر رایستان «پارلمان» می‌باشد، که به انگیزه حفظ و نگهداری روح و تعادل قوانین پدید آمده است.

۳۴. از هر پانصد هزار تن شمار مردم کشور، یک تن سِناتور از سوی جامعه برگزیده می‌شود، با افزوده شدن شمار جمعیت میان ۷۵۰ هزار تا یک میلیون تن در یک شهرستان، ۲ تن سِناتور برگزیده می‌گردد.

۳۵. پایه‌گزینش برای سِنَا، گزینش مستقیم و همگانی و یک مرحله‌ای و رأی پنهان و مخفی است که سه دور پیوسته یا گسسته، می‌توانند برگزیده شوند.

۳۶. هر دور سِنَا، از آغاز تا پایان دوره، چهار سال است و برابر بند «اصل» ۷ گزینش میان دوره‌ای، در کار نخواهد بود.

۳۷. چگونگی و گزینش نماینده سِنَا: برابر بند «اصل» ۹ می‌باشد.

۳۸. پرونده یا مدارک لازم برای نامنویسی، برابر است با بند «اصل» ۱۰.

۳۹. گزینش ریاست سِنَا، برابر است با بند «اصل» ۲۵.

۴۰. پایان دوره سِنَا و گزینش دوره پس از آن، با بند «اصل» ۲۶ برابر است.

۴۱. شرایط پذیرش نمایندگی سنا، با بند «اصل» ۸ برابر است، که از بند «اصل» ۸، ماده ۳ و ۴ آنرا، در بر نمی گیرد.

۴۲. میزان سن، برای نامزدی سنا ۵۰ تا ۸۵ سال و نیز در همان اصل ۸ ماده ۴ پایه دانش آموختگی، دانشنامه فوق لیسانس است.

۴۳. شرایط برگزینندگان برابر بند «اصل» ۲۷ رایستان است ولی میزان سن، برای برگزینندگان از ۳۰ سال و بالاتر می باشد.

۴۴. دارندگان جایگاه سناتوری: دانشیار، استاد، مقدم الاساتید دانشگاه، در بخش های علوم اجتماعی، علوم انسانی، هنر و نیز دارندگان درجه دکتری در هر یک از آن رشته ها که در زمره محققان و پژوهندگان دانشگاهی به تصویب وزارت فرهنگ یا دانشگاه و نیز رؤسای دانشکده ها و دانشگاه ها در همه رشته ها و نیز وزیر، استاندار، فرماندار، سفیر، وزیر مختار، کنسول و کادر دیپلماتیک سفارتخانه های کبری، معاون و ریزان آنان، وکیل درجه اول دعاوی با بیش از ۲۵ سال پیشینه، دادرسان دادگستری که به درجه قاضی گری رسیده باشند، رییس کانون وکلا، رییس دادگاه، پزشک عمومی بیش از ۲۵ سال و جراح ۲۰ سال پیشینه، نمایندگی رایستان بیش از دو دور، امیر بازنشسته نیروی نظامی یا انتظامی، بازرگان بُنکدار، رییس رادیو تلویزیون دولتی با بیش از ۲۵ سال پیشینه، از کارمندی تا ریاست بیش از ۵ سال، رییس انجمن شهر بیش از ۳ دور، شهردار از درجه شش به بالا بیش از ۷ سال، دبیرکل جبهه، حزب، رییس انجمن، ریاست کانون، بیش از ۵ سال و ریاست یا سردبیر یا رییس هیئت مدیره روزنامه دولتی که مراحل گزارشگری، خبرنگاری را بیش از ۲۵ سال پیموده باشد، پیمانکاری و مقاطعه کاری بزرگ، با داشتن درجه فوق لیسانس فنی «مهندسی» که بیش از دو بیست تن از مهندسين، کارمندان، تکنسین ها و کارگران را مستمراً دهد، می توانند نامزد جایگاه سناتوری شوند. ماده ۱: «چگونگی

گزینش، همان است که گزینش رایستان «پارلمان».

۴۵. جایگاه نامنویسی: وزیر، سفیر، کنسول، دبیر یکم، وزیرمختار، کاردار، رایزن فرهنگی، معاون و مشاور آنان، رییس رادیو تلویزیون دولتی، دبیرکل جبهه، حزب، انجمن، کانون، سردبیر یا رییس هیئت مدیره روزنامه دولتی، از هر جای کشور می توانند نامزد جایگاه سناتوری شوند، بقیه در حوزه کار یازادگاه خویش، می توانند نامزد جایگاه سناتوری گردند.

۴۶. برای تأیید تصویبنامه ای که رایستان به سنا می فرستد، رأی بیشین سنا، بسنده است.

۴۷. وظیفه مهم سنا، تأیید و پذیرش قانون تصویب شده رایستان، یا پذیرفتن آن است که پس از دو هفته باید نتیجه را به رایستان برگرداند.

۴۸. دولت نمی تواند به سنا لایحه بدهد، دولت در اعتراض به استیضاح، می تواند تا پیش از دو هفته، به سنا گزارش دهد و سنا نتیجه را پس از دو هفته، به رایستان بفرستد و آن، ابقاء و ماندگاری یا برکناری وزیر یا دولت، با رأی بیشین سنا خواهد بود، که ماده یک از بند «اصل» ۱۷ را در برمی گیرد.

۴۹. تشخیص و تمیز درستی و نادرستی قوانین موضوعه، حق اساسی و پایه ای و اصلی سنا است.

۵۰. هیچ قانونی را، سنا پدید نمی آورد، مگر پس از تصویب رایستان «پارلمان» که به تأیید سنا برسد.

مؤسسان «خبرگان» .

۵۱. مجلس مؤسسان که در پاره ای جوامع به مفهوم خبرگان، در برخی ممالک، مجلس ویژه و در گروهی از کشورهای غربی «کنوانسیون = عهدنامه، پیمان نامه» خوانده می‌شود. در این قانون اساسی حکومت رايستاني «پارلمانی» خبرگان نام دارد و آن، گروهی از گزیدگان، از سوی جامعه هستند که دارندگان دانش اجتماعی و تجربه می‌باشند و به انگیزه دگرگونی یا پیرایش یا افزودن یا زدودن یک یا چند بند «اصل» قانون اساسی و همراهی و همکاری رايستان «پارلمان» و سنا، سامان می‌یابد و پدید آوردن آن، با لایحه ای از سوی دولت، به رايستان است که بر پایه رأی بیشین آن، تصویب و سپس با تأیید رأی بیشین سنا است.

۵۲. وظیفه خبرگان «مؤسسان»: مهمترین وظیفه خبرگان «مؤسسان» یکم که بالاترین رسالت تاریخی، از پس سده هاتلخکامی اجتماعی سیاسی جامعه که بر باور بالاترین آرزو و خواست ملی می‌باشد، بر پایه رأی بیشین، برگزیننده یکی از دونوع نظام حکومتی «پادشاهی رايستاني یا جمهوری رايستاني» که در گفتار فرانسه آن، به پارلمانی تعبیر می‌شود و نیز دیگر وظیفه خبرگان، آرایش و پیرایش و تصویب بندها «اصول» این قانون اساسی حکومت رايستاني «پارلمانی» است، که پس از آن، خبرگان یکم، بر چیده و ملغی خواهد شد. ماده ۱: «خبرگان یکم، پس از تشکیل انجمن بومی «ایالتی و ولایتی = محلی و منطقه ای» پیش از سنا و رايستان خواهد بود که برای تعیین نوع حکومت، پس از حکومت جمهوری اسلامی است» .

۵۳. شمار خبرگان «مؤسسان» به اندازه شمار نسبی رايستان و سنا است، به همین روی، از هر ۴۰۰ هزار تن شمار کشور، یک تن به عنوان نماینده خبرگان «مؤسسان» با رأی مستقیم و همگانی و یک مرحله ای، با رأی مخفی و پنهان، از سوی جامعه، برای دو دور پیوسته یا گسسته برگزیده می‌شوند .

۵۴. میزان سن، برای نامنویسی نمایندگان خبرگان «مؤسسان» از ۵۰ تا ۸۵ سال است.

۵۵. خبرگان «مؤسسان» پس از پایان برنامه و کار خود، که میان یک تا دو سال است، منحل و برچیده می‌شود.

۵۶. چگونگی درخواست نامنویسی برای نامزدی نمایندگان خبرگان «مؤسسان» همان است که در، بند «اصل» ۹ آمده است.

۵۷. شرایط و چگونگی نامزدی خبرگان «مؤسسان» برابر است با بند «اصل» ۸ که ماده ۳ را در بر نمی‌گیرد و میزان سن ۵۰ تا ۸۵ سال می‌باشد.

۵۸. سن برگزینندگان: ۳۰ سال به بالا است که در همه جا، می‌توانند به نامزد باور خویش، رأی دهند و شناسنامه آنان، باید به مهر انتخابات وزارت کشور، نشان شود.

۵۹. پدید آمدن خبرگان یکم «مؤسسان» که شرایط تاریخی سرنوشت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور را، بدو سپرده است، مردم، نخبگان و خبرگانی را که از کوی و برزن شهر خود می‌شناسند، با رأی بیشین بر می‌گزینند، تا آنان برای گزینش نوع حکومت، پادشاهی رایستانی یا جمهوری رایستانی «پارلمانی» یکی از آن دو را، با رأی بیشین برگزینند و در این گزینش است که جامعه در آسودگی خاطر و اندیشه است، زیرا توده عام که حکومت را در انواع نمی‌شناسد، به نمایندگان خوشنام، درستکار و آگاه خود، واگذار کرده است و از تقلب، نادرستی، تبلیغ نابجا و گزافه‌گویی، که پیوسته در گزینش همگانی روی می‌دهد، نیز پیشگیری می‌شود و از سویی شمار رأی خبرگان، روشن و مشخص است که نمی‌توان آن را دزدید، یا عوض کرد و گزینش هم با آگاهی رخ گرفته است. بدینسان، برای پیشگیری از هر گونه

نابکاری و کوتاه کردن نفوذ بیگانگان و دست نشاندهگان داخلی آنان و نیز، جلوگیری از فریبکاری و عوام فریبی ناشی از فراندوم، که زیانبخشی جبران ناپذیر اجتماعی است، خبرگان «مؤسسان» یکم، تعیین نوع حکومت می‌کند، که به انگیزه‌گزینش از میان چهار نوع نظام پادشاهی و نه نوع حکومت جمهوری، با رأی بیشین، یکی از دو نهاد، پادشاهی رایستانی و یا جمهوری رایستانی «پارلمانی» خواهد بود .
ماده ۱: «شرایط و ضوابط و چگونگی خبرگان «مؤسسان» دوم و پس از آن، همان است که برای خبرگان «مؤسسان» یکم، از بند «اصل» ۵۱ تا پایان بند «اصل» ۵۹ آمده است.»

پادشاهی رایستانی، جمهوری رایستانی «پارلمانی» .

۶۰. پادشاهی رایستانی «پارلمانی» نهادی است سنتی و سمبلیک، به انگیزه پیوند با تاریخ و فرهنگ ملی، بانگش به ارزش‌های ملی، سنتی، تاریخی و فرهنگی که از هزاره‌های دور، مایه دارد و این از آغاز گردهم آیی مردم به گونه جامعه به گرد یکدیگر در روشی زورمندانه بر جایگاه ریاست، تکیه زده و رفته رفته به سروری مطلق دست یازیده، که به نظام پادشاهی تک سروری و خودکامگی انجامیده است، که سر دودمان را، برای دست یازی به جایگاه فرمانروایی، به کمترین ویژگی نیکوی انسانی، نیازی نبوده است. از این روی، دست یازی به جایگاه پادشاهی به هر شیوه و روش و با هر منش، چه پست و چه بالا، بوده است، چون: جنگ و گریز، خون‌ریزی، دسیسه و فتنه، غارت، ویرانگری، با هر ویژگی شخصیتی و با هر منش مانند: مهربانی و خشونت، فرزند و برادرکشی، بخشندگی و مال اندوزی و چپاول، شرافت و فرومایگی، میهن خواهی و بی تفاوتی از داده‌های میهنی، تعادل شخصیت و یا گرفتاری از دشواری‌های روحی و روانی که بسیاری از پادشاهان گرفتار آن بوده، بر جایگاه پادشاهی تکیه زده اند و بر این روش، هرگز هم، تضمینی بر پیمان و سوگند پادشاهان و وفاداری و ماندگاری در آن پیمان و سوگند نداشته اند.

بدینسان، برای پیشگیری از سپردن سرنوشت جامعه که خوشبختی و تیره بختی آن، به منش نیک یا بد یک تن سپرده نگردد و برای پیشگیری از وحشت فاجعه تک سروری خودکامه، گزینش نظام پادشاهی، به هدف ثبات و استواری رژیم، بر پایه روند رایستانی «پارلمانی» خواهد بود، که فرمانروایی پادشاهی رایستانی، نامیده می‌شود، و با رأی بیشین خبرگان «مؤسسان» از میان چهار نوع حکومت پادشاهی، پس از گزینش نوع و شکل نظام حکومتی، رایستانی «پارلمانی» بدینسان خواهد بود: با بررسی پیشینه نامزدها از سوی انجمن بومی «ایالتی و ولایتی = محلی و منطقه ای» و رأی مستقیم محلی و ناحیه ای، از میان نامزدهای برگزیده شده با آزمون و آنگاه از سوی رایستان «پارلمان» و سنا، با رأی بیشین، پادشاه

رایستانی «پارلمانی» برگزیده می‌شود.

۶۱. جمهوری رایستانی «پارلمانی» نهادی است سمبلیک، در نماد ملی، همسان و مترادف با تحول جهانی در شوند دمکراسی و جامعه سالاری در سیرت عام و همگانی، که به انگیزه نگاهبانی از نظام دمکراسی رایستانی «پارلمانی» با بیشین رأی خبرگان «مؤسسان» از میان نه نوع حکومت جمهوری، با گزینش نوع و نظام حکومتی، به هدف ثبات و استواری رژیم، بر پایه روند رایستانی «پارلمانی» خواهد بود و فرمانروایی جمهوری رایستانی، نامیده می‌شود، که با بررسی پیشینه نامزدها از سوی انجمن بومی «ایالتی و ولایتی = محلی و منطقه ای» و رأی مستقیم محلی و ناحیه‌ای، از میان نامزد های برگزیده شده با آزمودن و آزمون و سپس از سوی رایستان «پارلمان» و سنا، با رأی بیشین، رییس جمهور رایستانی «پارلمانی» برگزیده می‌شود.

۶۲. حدود و اختیار: هر یک از دونهاد پادشاهی رایستانی و جمهوری رایستانی «پارلمانی» که تعیین یکی از آن دو نظام، با رأی بیشین خبرگان «مؤسسان» خواهد بود و پادشاه رایستانی یا رییس جمهور رایستانی که نماد نوع نظام یکی از آن دو نهاداست، در روش کار و چگونگی دولت، رایستان، سنا، قوای سه گانه «مقننه، مجریه، قضائیه» و نیز نیروی سه گانه نظامی «زمینی، دریایی، هوایی» و نیروی انتظامی «ژاندارمری، شهربانی» و همچنین دین و مذهب و نیز مسائل اداری، حقوقی و مالی کشور، حق دخالت ندارند، مگر آنچه راکه مراحل تشریفاتی قانون، معین کرده است، ولی می‌توانند نظرات اصلاحی خود را پیش از پایان هر ماه، به رایستان «پارلمان» گزارش دهند و نسخه ای نیز برای دولت بفرستند و رایستان پیش از سه هفته پاسخ دهد.

۶۳. ویژگی پادشاه رایستانی = رییس جمهور رایستانی: ماده ۱- ایرانی بودن

خاندان تا دو دودمان. ماده ۲- نداشتن ملیت یا شهروندی بیگانگان، با داشتن آخرین برکه اقامت معتبر با تاریخ پایان نیافته که در آن یک ملیت، آن هم ملیت ایرانی نوشته شده باشد. تبصره ۱: «زاده شدگان در ممالک بیگانه، که ملیت ایرانی دریافت کنند، دشواری نامنویسی ندارند، زیرا مکان زاده شدن بر پایه گزینش و اختیار نوزاد نیست». ماده ۳- سن برای هر یک از دو نهاد، ۵۰ تا ۸۰ سال است. ماده ۴- داشتن دانشنامه فوق لیسانس و بالاتر در علوم اجتماعی و نیز علوم انسانی به مفهوم عام، از دانشگاه معتبر داخلی و خارجی. ماده ۵- نامزدها، در مکانی که نامنویسی می کنند، اگر زادگاه نباشد، شش ماه پیش از نامنویسی ساکن بوده باشند، تا کار انجمن بومی «محلی و منطقه ای - ایالتی و ولایتی» برای بررسی پیشینه او، هموار باشد. ماده ۶- زندگی در هر جای کشور یا بیرون از کشور، برای نامزدی که در زادگاه خود نامنویسی می کند، بازدارنده نامنویسی نیست. ماده ۷- گواهی تندرستی از پزشکی قانونی محل، دو ماه پیش از نامنویسی. ماده ۸- گواهی پاکی از هر گونه اعتیاد افیونی از مرکز بهداشت و درمان منطقه، دو ماه پیش از نامنویسی و بکار نبستن و مصرف نکردن قرص آرامش بخش، که سیگار، پپ و غلیان در برگیرنده اعتیاد نیستند. ماده ۹- نداشتن هیچگونه پیشینه نادرست اجتماعی. ماده ۱۰- گواهی نداشتن پیشینه بزّهکاری اجتماعی، از دادگستری منطقه. ماده ۱۱- گواهی سلامت روحی و روانی از مرکز روان درمانی منطقه، دو ماه پیش از نامنویسی. ماده ۱۲- داشتن یک کتاب پژوهشی به تأیید دانشگاه معتبر یا ثبت کتابخانه ملی یا مراجع آکادمیک خارجی. ماده ۱۳- نداشتن وابستگی مالی و سیاسی و سازمانی، به بیگانگان. ماده ۱۴- افزوده بر مواد سیزده گانه کمی، داده های کیفی، باید از ویژگی های روشن این جایگاه، به تأیید انجمن بومی محل نامنویسی باشد، ویژگی هایی چون: شجاعت، راستگویی، وفاداری بر پیمان، میهن دوستی، آگاهی نسبی از فرهنگ ملی و تاریخی ایران و جهان، وفادار و متعهد، پیوسته با هنجار اجتماعی و فرهنگی ایران، سخاوتمندی، متانت، وقار، فروتنی، تنزه اخلاقی، آلوده نبودن به قمار و مسکرات، بیگانه با حسادت، چونان پدر یا مادر خانواده کشوری،

برکنار بودن از آز و شره مال اندوزی، دور بودن از تلون مزاج و فاصله داشتن از تزلزل شخصیت و سست عنصری. از سویی، چون این دو جایگاه، نماد فرهنگی، تاریخی و اجتماعی است، در گزینش مرحله دوم، که از سوی رایستان است، کارنامه آنان باید کاری ارزشمند، در خور و شایسته نشان دهد.

۶۴. چگونگی گزینش در نهاد پادشاهی رایستانی و ریاست جمهوری رایستانی «پارلمانی»: زمان و تاریخ آغاز و پایان نامنویسی درخواست کنندگان جایگاه یکی از این دو نهاد که خبرگان «مؤسسان» آن را برگزیده است، از سوی وزارت کشور، به سراسر فرمانداری‌ها بخشنامه و آگهی خواهد شد. نامزدها یک ماه زمان دارند تا به فرمانداری مراجعه و نامنویسی کنند و رسید دریافت دارند. فرمانداری از روز پایان نامنویسی تا یک هفته کارنامه و پرونده درخواست کنندگان را به انجمن بومی «ایالتی و ولایتی = محلی منطقه ای» می فرستد و نسخه ای از کارنامه و پرونده در فرمانداری می ماند و پس از بررسی یک ماهه، پرونده را به همراه نتیجه بررسی صلاحیت، به فرمانداری بر می گرداند و نسخه ای را، هم انجمن بومی، در بایگانی خود نگه می دارد و سپس فرمانداری، زمان و تاریخ فعالیت و رقابت انتخاباتی و گزینش و نام نامزدها را برای دو ماه که تاریخ آن از سوی وزارت کشور آگهی شده است، آگاهی می دهد و آن دو ماه، زمان رقابت تبلیغاتی نامزدها است که روزنامه، رادیو و تلویزیون، بی آنکه آگهی گمانه زنی، ارزیابی یا نظرسنجی کنند، در هر شهر و مکان و جایگاه، با برقراری شرایط تبلیغ مساوی و برابر و رقابت سالم نامزدها، از سوی وزارت کشور، فرمان گزینش سراسری، برای رأی گیری در یک روز معین، آگهی می شود که فرمانداری‌ها و بخشداری‌ها انجام آن را بر دوش دارند و از هر یک میلیون تن شمار کشور، یک تن با رأی بیشین و مستقیم، برگزیده می شود، پس از دو هفته وزارت کشور، نام برگزیدگان را به رایستان می فرستد و پس از یک ماه از همه پذیرفته شدگان یک آزمایش رقابتی به میزان و حد دیپلم دبیرستان، به گونه نوشتن، انجام می گیرد که پرسش‌ها از سوی دانشگاه تهران و همکاری وزارت فرهنگ، در محل رایستان یا

دانشگاه تهران، خواهد بود، که این آزمایش به انگیزه پیشگیری از جو احساسی تبلیغ نابجا و احساسات تند و گاه هیجانی و یا سوی و جهت گیری پاره ای از نمایندگان رایستان است. تبصره ۱: «آزمون پیرامون فرهنگ ملی، شناخت جامعه، ادبیات فارسی، تاریخ ایران و جهان، جغرافیا، علوم سیاسی، آگاهی همگانی، اقتصاد و هنر می باشد». تبصره ۲: «۳ تن از دارندگان بالاترین نمره، برگزیده می شوند و پس از دو هفته، از سوی نمایندگان رایستان، میان آن ۳ تن، یک تن، با رأی بیشین و غیرمستقیم، برگزیده می شود که این گونه گزینش، ۳ مرحله را پیموده است».

۶۵. واخواهی و یا اعتراض، از سوی یک یا دو تن از گزیدگان نهایی جایگاه پادشاهی رایستانی یا ریاست جمهوری رایستانی، پیش از دو هفته، به سنا داده می شود، سنا پیش از یک ماه، بررسی و با رأی بیشین، پادشاه یا رییس جمهور رایستانی را برمی گزیند.

۶۶. پرونده یا مدارک لازم برای نامنویسی نامزد جایگاه پادشاه رایستانی یا رییس جمهور رایستانی «پارلمانی»: ۱- عکس شش قطعه ۶ در ۴ از تازه ترین آن، به تاریخ دو ماه پیش از نامنویسی. ۲- اصل شناسنامه و مدارک یاد شده در اصل ۶۳ و ۱۴ ماده آن، که درخواست کننده خود، آنها را به فرمانداری داده، نامنویسی می شود و رسید دریافت می کند، نسخه ای هم، از همه مدارک، کپی برابر اصل گردیده و اصل به درخواست کننده برمی گردد و فرمانداری و بخشداری به اجرای گزینش آنچه که در، بند «اصل» ۶۴ آمده است، می پردازد.

۶۷. برکناری پادشاه رایستانی یا رییس جمهور رایستانی «پارلمانی»: پادشاه رایستانی یا رییس جمهور رایستانی «پارلمانی» با کارکرد و رفتار وارونه اخلاق و ناسازگار با هنجار اجتماعی یا بند و بست سیاسی و مالی با بیگانگان یا لغزش سیاسی یا آشکار گشتن نابهنجاری روحی و روانی، با پیشنهاد دولت و تصویب رایستان که

رأی بیشین را در بردارد و نیز با تأیید سنا، پادشاه رایستانی یا رییس جمهور رایستانی، برکنار می‌شود و گزینش پادشاه رایستانی یا رییس جمهور رایستانی جدید، با ابلاغ رایستان به دولت، آغاز می‌گردد که آغاز و انجام گزینش از سوی وزارت کشور، بیش از ۳ ماه نباید باشد.

۶۸. گزینش پادشاه رایستانی برای هفت سال و رییس جمهور رایستانی، پنج سال است و گزینش برای این جایگاه، دو دور پیوسته یا گسسته هموار می‌باشد. بر پایه ساختار جامعه شناسی ایران، هر کس در جایگاه بالا دوره اش بسر آید، در نظرگاه جامعه، پایگاه او، از دست می‌رود و با آنکه، پادشاه یا رییس جمهور، در نظام رایستانی «پارلمانی» نماد نظام به شمار می‌رود، بانگرش به زمان، نهادی است سمبلیک و فاقد قدرت اجرایی و کارایی.

۶۹. فراخوانی و مناسبات فرهنگی اجتماعی با سران یا دارندگان جایگاه فرهنگی کشورهای بیگانه، از سوی دربار، یا دفتر ریاست جمهوری، با هماهنگی وزارت خارجه و وزارت کشور و وزارت فرهنگ خواهد بود.

۷۰. گزینش وزیر دربار، از سوی پادشاه رایستانی «پارلمانی» است که در شمار هیئت دولت به شمار می‌آید. برکناری وزیر دربار، با رایستان خواهد بود، اگر وزیر دربار و وزیر دربار پس از او که به وزارت می‌رسد، استیضاح شوند، به مفهوم آنست که دو بار، استیضاح روی داده است و گزینش بار سوم وزیر دربار، از پادشاه گرفته می‌شود و به دولت واگذار می‌گردد.

۷۱. دربار، شامل شاه و ملکه، فرزندان، خانواده و بستگان «پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله و فرزندان آنان» خواهد بود. ماده ۱: «بودجه دربار و کارکنان آن، از سوی دولت، به رایستان پیشنهاد می‌گردد».

۷۲. خانواده و بستگان پادشاه، هیچ گونه کار و پیشه دولتی نخواهند داشت تا جایی برای اعمال نفوذ و سوء استفاده نباشد، پس از پایان زمان جایگاه پادشاه، به کار و پیشه خود برمی گردند و مانند دیگر مردم جامعه، آزادی کار و پیشه خواهند داشت، به زمان تکیه پادشاه بر تاج و تخت، پیشه پزشکی، وکالت دعاوی، تدریس دانشگاه، برای خاندان او، دشواری ندارد.

۷۳. گزینش ریاست دفتر، مشاوران، رایزنان، دستیاران، منشی و دیگر کارکنان ریاست جمهوری رایستانی «پارلمانی» از سوی رییس جمهور خواهد بود که در شمار کارکنان دولت به شمار می آیند و برکناری آنان نیز از سوی رییس جمهور خواهد بود و آنگاه دولت موظف به واگذاری کار و پیشه، به آنان است.

۷۴. همسر و فرزندان، برادران و خواهران رییس جمهور تا پایان دوره ریاست جمهوری وی، در کار و پیشه دولتی نخواهند بود تا مانند خانواده پادشاه، جایی برای اعمال نفوذ و سوء استفاده فراهم نباشد. پیشه پزشکی، تدریس دانشگاه و وکالت دعاوی به زمان بر کار بودن رییس جمهور، برای آنان آزاد است.

۷۵. با پیشنهاد دولت و تصویب رایستان «پارلمان» و تأیید سنا، اعلام جنگ و صلح، با پادشاه رایستانی یا رییس جمهور رایستانی است. دولت، نیروی رزمی، تجهیزات نظامی و پشتیبانی رزمی را فراهم می آورد.

۷۶. تشریفات گشایش نهادهای فرهنگی، سنتی، ملی و پروژه های صنعتی، با پادشاه رایستانی یا رییس جمهور رایستانی می باشد. نداشتن آمادگی پادشاه یا رییس جمهور، برای انجام تشریفات، واگذاری اختیار، به وزارت دربار یا رییس دفتر رییس جمهور یا مشاوران و دستیاران آنان است، که در استان با استاندار و در شهرستان، با فرماندار می باشد. مزایای بازنشستگی هر دو جایگاه برای آنان و

خانواده، تا پایان زندگی است، که از سوی دولت، به رایستان پیشنهاد می‌شود.

۷۷. با پیشنهاد دولت، کارشکنی‌های پادشاه و دربار و یا رییس جمهور، که نمودی از فتنه، آشوب و دسیسه و باند بازی و یا پیش زمینه کودتا باشد یا لغزشی زیانبخش میهنی در دولت پدید آورند، از سوی دولت، لایحه برکناری پادشاه یا رییس جمهور، با رأی بیشین رایستان، برای تأیید به سنا می‌رود و پس از دو هفته با تأیید سنا، شاه یا رییس جمهور، برکنار می‌شود و پس از یک هفته اعلام گزینش پادشاه رایستانی یا رییس جمهور رایستانی، از سوی وزارت کشور، آغاز می‌شود و نتیجه گزینش پس از سه ماه آگهی می‌گردد.

انجمن بومی «ایالتی و ولایتی = محلی منطقه ای» .

۷۸. انجمن بومی «ایالتی و ولایتی = محلی منطقه ای»: همه مردم کشور، هرگز از یک تن، در گوشه ای از کشور، شناخت آگاهانه و درست و یا هم نسبی، ندارند و در گزینش همگانی نیز تبلیغ دروغین، گزافه‌گویی، تقلب، کژی و یک سویه نگری ناشی از باندبازی، شناخت نادرستی، به جامعه می دهد. از این روی، گزینش باید بومی باشد و همچنین بنیاد نهاد انجمن بومی، به انگیزه پیشگیری از، زیانباری جدایی خواهانه فدرالیزم قومی، در همه شهرستان های کشور، پا برجا می شود و آن، ترکیبی است از فرهیختگان بومی، که از چگونگی مردم زاد و بوم خود آگاهند .

انگیزه شکل گیری این نهاد آنست: که پیشینه و کارنامه نامزد نهادهای حکومت رایستانی «پارلمانی» را آنچنانکه بوده و هست، بررسی و هویت روشن آنان را که از غربال آلودگی ها پالایش و پرویزن شده اند، تأیید صلاحیت کنند تا فرمانروایی، ملی گردد و چون محلی و منطقه ای هستند، بر روال ساترایی و خشتَره پاونی، پی ریزی می شوند و با فدراتیو ملی و همگانی، همسانی می یابند و از ناکارآمدی تمرکز پیشگیری می کنند و عدم تمرکز را به جای تمرکز می نشانند. بدینسان، به انگیزه پیشگیری از یکسویه بودن بلندگویان آزادی کُش، بیدادگری های ابزار ارتباطی و جلوگیری از رخنه یابی دارندگان زر و جایگاه و نیز بازدارندگی نفوذ افراد کلیدی، پیش از گزینش همگانی، از سوی این انجمن است، تا نامزد نهادها ارزیابی شوند و این ارزیابی، بررسی پیشینه و کارنامه نامزد نهادها است، انجمن ها هم که بومی همان منطقه هستند، کار کمیسیون بررسی و تحقیق انتخابات را انجام می دهند. گام نخست انجمن بومی، ارزیابی آخرین دانشنامه تحصیلی نامزد هر نهاد با هماهنگی وزارت فرهنگ است، تا از ورود فریبکاران در نهادهای نه گانه پیشگیری گردد. فلسفه وجودی انجمن بومی، افزوده بر شناخت درست و آگاهانه از نامزد نهادها، آنست که از هزینه سرسام آور گزینش نامزد نهادها، که در هر گزینش، بیش از بودجه چند استان بزرگ به هدر می رود، پیشگیری می کند. بر این پایه، فرماندار که

ریاست عالییه شهرستان را، دارد، سرپرست یا کارکنان اداره‌هایی را که با جامعه در پیوند بیشتر هستند و نیز چند تن از افراد خوشنام و درستکار شهرستان را فرا می‌خواند و یا تنی چند دارنده شرایط، خود داو خواه می‌شوند، تا مهمترین نهاد حکومت رایستانی را، که انجمن بومی است، سامان دهند.

۷۹. چگونگی ترکیب هموندان و اعضاء انجمن بومی: اداره فرهنگ و دانشگاه دو تن در علوم اجتماعی و علوم انسانی، اداره آمار و سجل احوال یک تن، روانشناس یک تن، پست یک تن، دارایی یک تن، دادرسان قضایی یک تن، وکیل دعاوی یک تن، انجمن شهر یک تن، شهرداری یک تن، کسبه خرده پا دو تن، بازرگان یا بُنکدار یک تن، افراد درستکار و خوش نام دو تن، محضر رسمی یک تن، ثبت اسناد و املاک یک تن، جامعه هنری «موسیقی - سینما و تئاتر» دو تن، روزنامه نگار یک تن، کشاورز یک تن، دامدار یک تن، مهندس معمار یا ساختمان یک تن، کارگر یک تن، حوزه‌های نفت و گاز یک تن، که همگی از گروه داوران خواهند بود. ماده ۱: «یک تن رییس، دو منشی، دو عضو علی‌البدل، دو تن خزانه‌دار یا حسابدار، دو تن بایگان که نظامنامه داخلی انجمن، ترکیب هموندان را، سامان می‌دهد و فرماندار، ریاست دادگاه و فرهنگ یا دانشگاه، بر آن نظارت دارند». ماده ۲: «شمار هموندان انجمن، به حسب شمار شهرستان از هر پانصد هزار تن، یک گروه افزوده خواهد شد».

۸۰. وظیفه و کارکرد انجمن بومی، پیرامون بررسی نامزد دیگر نهادها: نامنویسی نامزد نهادهای حکومت رایستانی «پارلمانی» در فرمانداری باید باشد تا با انجمن بومی در ارتباط و در پیوند نباشند که موجباتی از اعمال نفوذ فراهم گردد. نامزدها، خود به فرمانداری رفته و پرونده خویش را به فرمانداری داده و نامنویسی می‌کنند و رسید دریافت می‌دارند، فرمانداری نسخه‌ای از پرونده را کپی برابر اصل کرده و اصل آن را به نامزد برمی‌گرداند. یک هفته پس از پایان نامنویسی، کارنامه نامزدهای هر نهاد، به انجمن بومی فرستاده می‌شود، نسخه‌ای از آن را هم، فرمانداری در

بایگانی خود نگه می‌دارد. انجمن بومی پس از بررسی یک ماهه، نام تأیید صلاحیت شدگان را، به فرمانداری می‌فرستد که باید به امضاء رییس و همه هموندان انجمن و مهر آن باشد و سپس به تأیید فرماندار برسد و نام پذیرفته نشدگان در پوشه دیگری و همزمان فرستاده می‌گردد و نسخه‌ای در انجمن، نگهداری می‌شود. ماده ۱: «انجمن بومی در تشکیل و بنیاد نهاد دیوان دادگری دخالتی ندارد، زیرا دیوان دادگری، نهادی است تخصصی، در ترکیبی از قضات و وکلای دعاوی، که مراحل قضاوت و وکالت را، بر پایه ضوابط حقوقی پیموده‌اند».

۸۱. رسیدگی به کار انجمن بومی: بیرون شدن کار انجمن از درستی و راستی و پایمال کردن حق یک نامزد، با طرح دادخواست نامزد ناخشنود، پیش از یک ماه به دیوان دادگری همان منطقه است، رسیدگی پیش از دو هفته پس از دریافت دادخواست، از سوی دیوان دادگری، احقاق حق نامزد را برآورده می‌سازد، که پادافره هموند یا هموندان انجمن بومی را تا، کیفر جزا، پی‌آمد دارد.

۸۲. آغاز و انجام کار انجمن بومی، دو سال است، که پیوسته پیش از گزینش هر نهاد، کار خود را آغاز می‌کند، هموندان انجمن بومی، می‌توانند برای یک دوره دو ساله دیگر کار خود را ادامه دهند، کارکنان دولتی در انجمن بومی، با نگهداشت جایگاه پیشه، منتقل خدمتی هستند و گروه دیگر که پیشه دولتی ندارند، حقوق و مزایای خود را برابر یک بخشدار با پیشینه‌ای ده ساله دریافت می‌کنند. ماده ۱: «هموندان انجمن بومی، مصونیت حقوقی، اداری، سیاسی دارند، مگر به زمان بزهکاری».

۸۳. شرایط و چگونگی هموندی در انجمن بومی: «۱» نباید در هیچ جبهه، حزب، انجمن، سندیکا، صنف، کانون و اتحادیه، هموند باشند. تبصره ۱: «کناره‌گیری، استعفای رسمی به شمار می‌آید، که شش ماه پیش از هموندی در انجمن بومی خواهد بود». «۲» دانش آموختگی، پس از سیکل یکم دبیرستان به بالا. ماده ۱: «دارندگان

لیسانس علوم اجتماعی و سپس علوم انسانی و بالاتر، بر دیگر دانش آموختگان، برتری دارند». «۳» نداشتن ملیت یا شهروندی بیگانگان، برای بیرون شدگان و بیرون رفتگان از کشور، داشتن آخرین برگه اقامت معتبر با تاریخ پایان نیافته که در آن یک ملیت و آنهم ایرانی نوشته باشد. ماده ۱: «زاده شدگان بیرون از کشور، که ملیت ایرانی دریافت کنند، می توانند هموندی انجمن بومی را دارا شوند». «۴» سن و سال هموندان انجمن بومی، از ۵۰ تا ۸۵ سال است. «۵» گواهی تندرستی از پزشکی قانونی پیش از هموندی در انجمن بومی. «۶» گواهی پاکی از هر گونه وابستگی اعتیاد افیونی، از مرکز بهداشت و درمان منطقه و مصرف نکردن قرص آرامش بخش دو ماه پیش از نامنویسی، که سیگار، پپ و غلیان را شامل نمی شود. «۷» نداشتن هیچ گونه پیشینه نادرست اجتماعی. «۸» گواهی نداشتن پیشینه بزّهکاری اجتماعی از دادگستری منطقه. «۹» گواهی سلامت روحی و روانی از مرکز روانی منطقه، دو ماه پیش از نامنویسی. «۱۰» به درستی کردار، پاکی اخلاق، دادگری و انصاف نامور بودن، در جامعه زیست بومی خود.

۸۴. هموند انجمن بومی، نمی تواند برگزیند و یا برگزیده شود، مگر شش ماه پیش از نامنویسی برای آن نهاد، که از هموندی در انجمن، کناره گیری کرده باشد.

۸۵. پیاده شدن روند ساتراپی و خشتَره پاونی «ایالتی و ولایتی» که محلی و منطقه ای هستند، به انگیزه عدم تمرکز به جای تمرکز و همسانی با فدراتیو، زیر نگرش حکومت مرکزی به گونه فدرالیزم متمرکز، در اجرای قوانین نهادهای قانونگزاری، اجرایی و قضایی.

۸۶- گزینش یک مرحله ای مستقیم و همگانی، با رأی پنهانی و مخفی، که از سوی کمیسیون بررسی و تحقیق انجمن بومی، ارزیابی شده اند، نیازی به صدور صلاحیت، برای نامزد همه نهادها از سوی کمیسیون بررسی و تحقیق را ندارند، زیرا

انجمن بومی که شناخت بیشتری از نامزدهای منطقه خود دارند، بررسی لازم را انجام داده اند و نیازی به صدور صلاحیت از سوی کمیسیون بررسی و تحقیق نهاد دیگری را ندارند و گزیدگان در هر نهاد، که گزیدگان مردم هستند، نباید برای یکدیگر، بویژه رایستان که امین و مورد اعتماد و باور آنان و وکیل مردم می باشند، دستگاه های آگاهی، بررسی و اطلاعاتی داشته باشند که بی باوری در جامعه گسترش یابد، زیرا انگیزه نخست و هدف نهایی حکومت رایستانی «پارلمانی» گسترش اخلاق نیک است در جامعه. از این روی، پس از بررسی و تحقیق از سوی انجمن بومی، پیرامون نامزد نهادها که براین پایه بنیاد گشته است، نیازی به صدور صلاحیت از سوی دیگر نهادها نیست، زیرا انجمن بومی، افزوده بر شناخت نامزدها که بومی شهر و دیار خود هستند، برای بررسی پرونده و کارنامه نامزد نهادها، جای ابهام و پیچیدگی نمی گذارد و رأی همگانی مردم هم، سخن پایانی را گفته است. تبصره ۱: «تأیید صلاحیت نامزد نهادها، از سوی انجمن بومی، با رأی اعتماد که از سوی رایستان = پارلمان، برای هیئت دولت صادر می شود، تفاوت دارد».

«انجمن شهر» .

۸۷. انجمن شهر، ترکیبی است از گزیدگان مردم شهر، که کارهای اجتماعی، فرهنگی، خدماتی، آبادانی، اقتصادی، بودجه، هزینه و پاکی شهر را، که از سوی شهرداری انجام می‌گیرد، بر آن نظارت دارد و بازبینی و بررسی می‌کند.

۸۸. چگونگی گزینش هموندی در انجمن شهر: پس از آگهی فرمانداری، برای نامنویسی هموندی انجمن شهر، دو هفته ای که برای نامنویسی زمان معین شده است، نامزدهای انجمن شهر، پرونده خود را به فرمانداری برده و نامنویسی می‌کنند و فرمانداری پیش از یک هفته، پرونده را برای بررسی صلاحیت به انجمن بومی، می‌فرستد و انجمن بومی، پس از بررسی و تحقیق یک ماهه، نام پذیرفته شدگان را به همراه نسخه‌ای از پرونده آنان، به فرمانداری برمی‌گرداند و پس از یک ماه از تاریخ آگهی، در روزنامه‌های محلی و دیگر ابزار ارتباطی شهر، گزینش برای هموندی انجمن شهر، آغاز می‌شود که به گونه رأی مستقیم و یک مرحله‌ای است و از هر پنجاه هزار تن شمار مردم شهر، یک تن به هموندی انجمن شهر افزوده می‌گردد. گزینش در شهرهایی که شمار بیش از یک میلیون تن دارد، رأی گیری به گونه ناحیه‌ای و تقسیم بندی منطقه ای است. شمار شهرهایی که به پنجاه هزار تن نمی‌رسد، هموندان انجمن شهر، پنج تن خواهد بود. شمار شهرهایی که افزون بر پنجاه هزار تن هستند، تعداد و شمار هموندان انجمن شهر، از هفت تن و بیشتر آغاز می‌شود. ماده ۱: «ابلاغ هموندان انجمن شهر، به امضاء فرماندار است».

۸۹. زمان و دوره انجمن شهر، دو سال است که برای سه دور پیوسته یا گسسته می‌توانند برگزیده شوند.

۹۰. هموندان انجمن شهر، به حسب کارایی یا تخصص، کمیسیون های

گوناه‌گونی را تشکیل می‌دهند و کار شهرداری را در تخصص خود بررسی می‌کنند. اعتبارنامه آنان از سوی رییس انجمن شهر است، که در شهرستان به تأیید فرماندار و در مرکز استان، استاندار و در پایتخت از سوی وزیر کشور، خواهد بود.

۹۱. هموندان انجمن شهر، باید تحصیل پایانی دبیرستان را داشته باشند.

۹۲. هموندی گروه انجمن شهر در جبهه، حزب، سندیکا، انجمن، کانون، صنف، اتحادیه، بازرانده هموندی آنان در انجمن شهر نیست.

۹۳. چگونگی و شرایط هموندان انجمن شهر: «۱» نداشتن ملیت یا شهروندی بیگانگان و برای بیرون شدگان و بیرون رفتگان از کشور، داشتن آخرین برگه اقامت معتبر با تاریخ پایان نیافته که در آن یک ملیت، آنهم ملیت ایرانی نوشته شده باشد. ماده ۱: «زاده شدگان بیرون از کشور که ملیت ایرانی دریافت کنند، می‌توانند هموندی انجمن شهر را دارا شوند». «۲» سن و سال هموندان انجمن شهر از ۵۰ تا ۸۰ سال است. «۳» گواهی تندرستی از پزشکی قانونی پیش از نامنویسی. «۴» گواهی پاکی از هر گونه اعتیاد افیونی، از مرکز بهداشت و درمان منطقه و دوری از مصرف قرص آرامش بخش، دو ماه پیش از نامنویسی. «سیگار، پپ و غلیان، در برگیرنده این ممنوعیت نیست». «۵» نداشتن هیچگونه پیشینه نادرست اجتماعی. «۶» گواهی نداشتن پیشینه بزّه‌کاری اجتماعی از دادگستری منطقه. «۷» گواهی سلامت روحی و روانی از مرکز روان درمانی منطقه، دو ماه پیش از نامنویسی. «۸» درستکار، آگاه، نامور به درستی روش و منش، دادگری و انصاف، در کوی و برزن محل آراء و مکان زندگی.

۹۴. حقوق و مزایای هموندان انجمن شهر، از سوی شهرداری پرداخت می‌شود.

۹۵. هموندان انجمن شهر، می توانند از کارکنان انتقالی اداره یا سازمان‌های دولتی و خصوصی با نگهداشت کار و پیشه خود و دریافت مزایا از همان اداره یا سازمان باشند.

۹۶. وظیفه انجمن شهر: ۱- ابلاغ فرمان شهرداران نواحی. ۲- نظارت و بررسی بر کار شهرداران. ۳- برکناری شهرداران بابتشین رأی، به پیشنهاد رییس انجمن و تأیید فرماندار.

۹۷. انجمن شهر تازه، می تواند شهردار پیشین یا شهرداران پیش از او را برگزیند.

«شهرداری» .

۹۸. شهرداری از سازمان های وابسته وزارت کشور و نهادی است اجتماعی، که ریاست آن با شهردار است و مجری برنامه های انجمن شهر می باشد. وظیفه اش، پروانه بنیادهای شهری به درخواست کنندگان، عمران و آبادی شهر، پاک نگه داشتن شهر، تعیین محدوده شهری، بازرسی ساختمان سازی بر پایه بررسی انجمن مهندسين معماری، خیابان بندی کوی و برزن، گذرگاه، چهارراه، میدان، جدول بندی، پُل سازی و آسفالت، آبراهه، آب رو، آبریزگاه، گنداب رو، روشنایی شهر، منبع آب و انرژی شهر، آتش نشانی، پارک، پارک جنگلی، درختکاری، گلکاری، گردشگاه، تماشاخانه، سینما، تئاتر، جایگاه بازی و تفریح کودکان، ورزشگاه، باشگاه ورزشی، زورخانه، کتابخانه ملی، جایگاه سخنرانی، پرورشگاه، نوانخانه، توانبخشی، مرده شوی خانه. بررسی تابلوی مغازه، شرکت، دفتر، نام گذاری خیابان، میدان و بنای یادبود «با همکاری شورای دانشگاه، فرهنگستان ملی و وزارت فرهنگ» پاک نگه داشتن شهر، بازبینی هتل، مسافرخانه، آرایشگاه، گرمابه و کوره پزخانه، نظارت بر قیمت مواد خوراکی، نانوايي و رستوران، بر پایه بهداشت . بررسی وسیله آمد و رفت همگانی، مانند اتوبوس، تراموا، قطار . همکاری و همیاری با بنیادهای خیریه و همه بنیادهای رفاهی شهر . ماده ۱: «به انگیزه پایداری ارج هنر ملی و پیشگیری از سودجویی سیاسی، نام استان، شهر، بخش، دهستان، دهکده، میدان، فرودگاه، بنای یادبود، خیابان، کوی و برزن، باغ، رودخانه، آفراس =قنات، تالار اجتماعات، سالن نمایش و... به نام نخستین و آغازین آن، برگردانده می شود، که از سوی فرهنگستان ملی و انجمن آثار ملی، به دولت و شهرداری، ابلاغ می شود». تبصره ۱: «گزارش هفتگی شهرداری، به انجمن شهر، الزامی است» .

۹۹. بودجه شهرداری از درآمد و هزینه مالیات شهر است که اداره دارایی آنرا برآورد و دریافت می کند و حقوق و مزایای شهردار و کارکنان شهرداری با بودجه

شهرداری، پرداخت می‌گردد.

۱۰۰. شرایط و چگونگی شهردار: تا درجه شش به میزان دیپلم دبیرستان و از درجه شش به بالا، لیسانس از دانشگاه معتبر درون یا برون کشور، در هنر به مفهوم عام «معماری، شهرسازی و عمران ملی» سپس رشته های علوم اجتماعی و علوم انسانی و فنی مهندسی در شمار دوم جای دارند. ماده ۲: «میزان سن، برای شهرداران نواحی از ۴۰ تا ۸۰ و شهرداران مرکزی از ۴۵ تا ۸۰ می‌باشد».

۱۰۱. درجه بندی شهرداری: شهرداری به حسب شمار مردم شهر، از درجه سه تا دوازده، درجه بندی می‌شود. از شمار پنج هزار تن به بالا، ساکنان یک شهر، دارای شهرداری خواهد بود. شهرهایی که شمار بیش از پانصد هزار تن باشند به نواحی شهرداری بخش بندی می‌شوند و هر بخش یک شهردار خواهد داشت که یک شهردار مرکزی، شهرداران نواحی شهر را در همکاری به یکدیگر پیوند می‌دهد.

۱۰۲. پیشنهاد شهردار برای انجام پروژه یا طرح، پس از تصویب انجمن شهر، آزادی کار و عمل او را فراهم می‌کند.

۱۰۳. گزینش شهردار: نامزدها پس از نامنویسی در فرمانداری و گسیل پرونده آنان به انجمن بومی، بررسی صلاحیت می‌شوند. نام پذیرفته شدگان پس از گسیل به فرمانداری، برای مردم شهر آگهی می‌شود و سپس گزینش در یک روز معین انجام می‌گیرد. شهرداران نواحی با گزینش مستقیم و یک مرحله ای از سوی مردم همان ناحیه، برگزیده می‌شوند، شهرداران مرکزی انتصابی هستند که در شهرستان با پیشنهاد رییس انجمن و تأیید فرماندار، در مرکز استان از سوی استاندار و در پایتخت از سوی وزیر کشور برگزیده می‌شود.

۱۰۴. برکناری شهردار: زمان کار شهردار، مانند دولت، نامحدود است و به کارکرد

او و به خرسندی یا ناخرسندی انجمن شهر بستگی دارد، برکناری شهردار نواحی با رأی بیشین انجمن شهر، ناشی از ناخرسندی انجمن شهر و تأیید فرماندار است، برکناری شهردار در مرکز استان، با رأی بیشین از ناخرسندی انجمن شهر و تأیید استاندار و برکناری شهردار مرکزی «پایتخت» با رأی بیشین ناشی از ناخرسندی انجمن شهر و پیشنهاد استاندار مرکزی، به تأیید وزیر کشور می‌باشد.

«دیوان دادگری» .

۱۰۵. دیوان دادگری ترکیبی است از دانش آموختگان حقوق، از لیسانس به بالا، در دانشگاه های معتبر داخل و خارج . وکلای دعاوی بیش از ۲۰ سال پیشینه و یا قضاوت بیش از ده سال، استادیار حقوق ده سال، دانشیار حقوق پنج سال، استاد حقوق یک سال، که در مرکز هر استان و نیز در پایتخت دایر و پا برجا است، که به انگیزه بر پایی و یکسانی داد و مهر، که در مفهوم حقوقی و گاه سیاست، بدان عدالت گویند، دیوان دادگری برقرار می شود .

۱۰۶. وظیفه دیوان دادگری: رسیدگی به دادخواهی مردم، در برابر جور و ستم مقامات کشوری و کارکنان سازمانهای دولتی و نیروی انتظامی است، که در برکناری یا کیفر لغزشکاران و متخلفین اقدام می کند. ماده ۱: «پیرامون نیروی انتظامی با همکاری فرمانداری در شهرستان و تأیید استاندار خواهد بود که در پایتخت، با همکاری استانداری مرکزی و تأیید وزارت کشور می باشد» .

۱۰۷. دادخواهی پیش از سه ماه، پس از دادنامه، باید انجام گرفته باشد .

۱۰۸. گزینش هموندان دیوان دادگری، بر پایه فرهنگ لائیسیته، بی آنکه جنسیت به میان آید، برای چهار سال، در دو دور پیوسته یا گسسته، آزاد است و در زمان داشتن پیشینه قضاوت در دیوان دادگری، نمی توانند پیشه دیگری داشته باشند .

«دادرسی قضایی» .

۱۰۹. گزینش ریاست دیوان عالی کشور و نیز دادستان کل کشور: پس از نامنویسی قضات و وکلای دعاوی و حقوقدانان که از سوی شورای عالی قضایی در قوه قضائیه بررسی و تأیید صلاحیت شده‌اند، رأی‌گیری در یک روز معین در سراسر کشور، برای گزینش آندو، با رأی بیشین قضات و وکلای دعاوی و حقوقدانان، انجام می‌گیرد. زمان و دوره ریاست دیوان عالی و دادستان کل کشور، چهار سال است. ماده ۱: «نامزدها، از وکلای دعاوی با ۲۰ سال پیشینه، قضات ۱۰ سال، استادان دانشگاه یک سال، که مراحل مربی‌گری، استاد یاری تا دانشیاری را پیموده و نیز حقوقدانانی که پیشینه قضاوت و وکالت نداشته‌اند، باید یک کتاب دانشگاهی پس از دوره دکتری داشته باشند» .

۱۱۰. کانون وکلا، که از ارکان ملی است، گزینش ریاست آن در چهار بخش کشور، پس از نامنویسی نامزدها است که از سوی کانون، تأیید صلاحیت شده‌اند و با رأی بیشین وکلای حوزه کانون، برای چهار سال برگزیده می‌شوند که دو دور پیوسته یا گسسته، جایگاه ریاست کانون وکلا، هموار است. ماده ۱: «کاستی مالی کانون وکلا را دولت مددکار است» .

۱۱۱. بر پایه بند «اصل» ۱۰۸ مراحل بازپرسی، دادیاری، ریاست دادرسی «جنحه، جزا، جنایی... قاضی، ریاست دادگاه، ریاست دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور» پیشه‌ای است تخصصی، که به سال‌های خدمت و نیز درجه دانش حقوق بستگی می‌یابد. بدینسان، گزینش قاضی و دیگر دادرسان قضایی، نباید بر پایه گزینش غیر تخصصی و ناآگاهانه جامعه باشد که پیوسته با احساسات تند و هیجانی همراه است و نیز گزینش دولتی، که بی‌گمان زیر مهمیز سیاست است، باید از آن دور باشد و این دو روش نادرست در پاره‌ای کشورهای پارلمانی هم روی می‌دهد. از این

روی، جایگاه قاضی و دیگر دادرسان قضایی بر مسند قضاوت، بر پایه دانش حقوق است. ماده ۱: «همگی دادرسان قضایی، از آغاز نوجوانی تا پایان جایگاه قضاوت، نباید به هیچ دسته، گروه، صنف، فرقه، مرام و مسلک سیاسی، حزبی و مذهبی وابسته باشد». تبصره ۱: «دادستان = مدعی العموم، که نماینده دولت است، باید مراحل بازپرسی، دادیاری و ریاست شعبه را گذرانده باشد و حق قضاوت ندارد. تنها در آغاز و انجام قضاوت، آفند یا بی رأی و نظر، به متهم است و سرانجام، ادعانامه و کیفرخواست، درخواست، در خواست می کند».

۱۱۲. قاضی و دیگر دادرسان قضایی را، نمی توان بدون رضایت وی، از محل کار خویش به جای دیگری انتقال داد و یا از منصب و جایگاه قضاوت، به پیشه دیگری تغییر داد. تبصره ۱: «از سوی هیچ مقامی، دادگاه منحل و برچیده نمی شود». تبصره ۲: «بازپرس، استقلال رأی دارد و ناخرسندی دادخواه از رأی، تا بالاترین دادگاه، واخواهی و استیناف، هموار است».

۱۱۳. وکیل دعاوی، نباید پرونده موکل را تا پایان آن، در جایی بازگو کند و همدستی وکیل مدافع به زیان موکل، لغو پروانه وکیل و محاکمه او را پی آمد دارد. بدینسان که دادخواه، واخواهی و شکایت خود را، پیرامون وکیل، به دیوان دادگری محل خود می فرستد و تا یک ماه اگر خرسندی دادخواه فراهم نیامد، پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده می شود و پیش از دو ماه، باید پاسخ دریافت کند.

۱۱۴. لیسانسیه های حقوق دانشگاه تهران، که کارآموزان قضایی و کارآموزان وکالت دعاوی هستند، یک سال کارآموزی در یکی از بخش های دادگستری و یک سال در دفتر یکی از وکلای دعاوی، با پیشینه ۲۰ سال، کارآموزی خواهند داشت، لیسانسیه های حقوق دیگر دانشگاه های کشور، باید شش ماه بیشتر کارآموزی داشته باشند.

۱۱۵. هر ساله پنج درصد از موکلین، برای هر وکیل، وکالت تسخیری یا دولتی، باید باشد. تبصره ۱: «نهاد پادشاهی یا ریاست جمهوری و نیز همه سازمان‌های دولتی، افزوده بر نیروی نظامی و انتظامی و نیز نهاد انجمن شهر و شهرداری، در گزینش وکیل دعاوی برای پیشبردکارهای حقوقی سازمان خود، آزاد هستند».

۱۱۶. ایجاد و بنیاد سازمان بازرسی کشور که دولتی است، به گونه ای رابط و پیوندگر مردم و دستگاه‌های دولتی به شمار می‌آید، که ریاست آن، در پایتخت و بخش‌های آن، در مرکز استانها خواهد بود و در همه شهرهای کشور، اداره و دفتری خواهد داشت که یک هفته پس از دریافت در خواست ناشی از نیازهای فرهنگی، اجتماعی، عمرانی، اقتصادی، درخواست را، به اداره ای که باید می‌فرستد و نسخه ای به استانداری می‌سپارد، که یک ماه پس از تاریخ دریافت درخواست، باید رسیدگی شود.

دولت در حکومت رایستانی «پارلمانی» .

۱۱۷. دولت در حکومت رایستانی «پارلمانی» که در برگیرنده و نماینده نهادهای نُه گانه آن است، با تکیه به ارزش های ملی، تاریخی و سنتی بر پایه هویت ملی، ملیت خواهی، ناسیونالیزم ملی، منافع ملی و همگانی، روح دادگری و دموکراسی، پابرجا است، که انجمن بومی، افزوده بر بررسی شرایط لازم صلاحیت آنان، باید صلاحیت دانش و آگاهی نامزدها را در مملکتداری تأیید کند و سپس در مرحله دوم، رایستان «پارلمان» شایسته ترین را، در صلاحیت مملکتداری برگزیند، که دولتی است برخاسته از سیاستمداران سنتی و تکنوکرات، تا هدف بنیادین در حکومت رایستانی «پارلمانی» که شایسته سالاری است، رخ گرفته باشد .

۱۱۸. هدف: دولت در حکومت رایستانی «پارلمانی» که سرپرست قوه مجریه است، نگاهبان و پایدارنده امنیت ملی، نگاهبان جان و مال مردم، آزادی، منافع ملی و همگانی، رفاهیت و آسایش جامعه می باشد. از این روی، دولت، نگاهبان و گسترش دهنده ارزش های ملی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، علمی، اقتصادی، تجاری، نظامی، انتظامی، صنعتی، کشاورزی، دامداری، باغبانی، عمران و آبادانی و رفاهی و برقرارکننده یازده هدف بزرگ: نگاهبانی از جان و مال مردم، حرمت و ارزش انسانی، امنیت، آزادی، دموکراسی، دادگری، رفاهیت «بهداشت، کار، خانه» نگاهبانی منافع ملی و همگانی، فرهنگ ملی، آسایش جامعه و همراهی با قوه مقننه برای قانونی کردن لوایح پیشنهادی و اجرای آن و همکاری با قوه قضائیه می باشد .

۱۱۹. گزینش دولت رایستانی «پارلمانی»: داوطلبان و داوخواهان از هر گروه و دسته سیاسی و جبهه و حزب و منفردین، پس از تأیید صلاحیت از سوی انجمن بومی، بر پایه رأی بیشین رایستان «پارلمان» برگزیده جامعه، خواهد بود و برکناری آن، نیز با رأی بیشین از سوی رایستان «پارلمان» با تأیید سنا می باشد. ماده ۱: «برکناری

دولت برکار و جانشینی دولت جدید از سوی رایستان است و نباید موجبی از گرفتاری مردم و هرز زمان و تشنج و کشمکش و هرج و مرج و هزینه اقتصادی باشد و این نمونه گزینش روال طبیعی، اداری و اجتماعی، در حکومت رایستانی = پارلمانی است، که از هزینه بیهوده و دسته بندی و ستمکاری در گزینش، پیشگیری می‌کند، زیرا کار دولت رایستانی، تا زمان برکناری، به خرسندی یا ناخرسندی رایستان، پیوسته خواهد بود. .

۱۲۰. چگونگی گزینش ریاست دولت «نُخست وزیر»: پس از ابلاغ رایستان «پارلمان» به دولت، وزارت کشور، زمان نامنویسی داوخواهان و داوطلبان ریاست دولت را، کمتر از سه روز به فرمانداران، برای یک ماه آگهی می‌دهد، داوطلبان و داوخواهان، از میان دبیرکل یا هموندان معرفی شده از سوی جبهه، حزب، ریاست انجمن و کانون و منفردین پیش از یک ماه، به فرمانداری شهرستان خود، مراجعه و نامنویسی می‌کنند و رسید دریافت می‌دارند، فرمانداری چهار نسخه از پرونده را برابر اصل نموده و اصل آنرا به درخواست کننده بر می‌گرداند و پیش از یک هفته، نسخه ای از کارنامه و پرونده آنان را به انجمن بومی «ایالتی و ولایتی = محلی و منطقه ای» می‌فرستد تا صلاحیت آنان بررسی شود. پرونده تأیید صلاحیت شدگان به پیوست صورتجلسه ای به امضا همه هموندان انجمن، پیش از یک ماه از سوی انجمن بومی، به فرمانداری برگردانده می‌شود و فرمانداری، پیش از یک هفته، کارنامه تکمیلی داوطلبان تأیید صلاحیت شده را به وزارت کشور می‌فرستد و پس از یک هفته از گرد آوردن کارنامه‌ها در وزارت کشور، به دبیرخانه رایستان «پارلمان» سپرده می‌شود، که پس از دو ماه بررسی، از میان داوخواهان و داوطلبان تأیید صلاحیت شده از سوی انجمن بومی، رایستان «پارلمان» یک تن را با رأی بیشین، به نام ریاست دولت «نُخست وزیر» بر می‌گزیند و بدینسان، دولت را، رایستانی «پارلمانی» گویند. اگر یک یا دو تن از نامزدها، کمتر از ۳ رأی با نُخست وزیر برگزیده شده اختلاف داشته باشند و چنانچه واخواهی و اعتراض، در میان باشد، پیش از دو

هفته، اعتراض و درخواست را به سنا می دهند و سنا پس از یک ماه بررسی، یک تن از آنان را با رأی بیشین، با نگرش به، بند «اصل» ۱۷ به نام ریاست دولت «نُخست وزیر» به رایستان «پارلمان» معرفی می کند، که کمتر از یک هفته پس از تصویب سنا، فرمان او، از سوی رایستان «پارلمان» خواهد بود و نُخست وزیر در رایستان «سوگند» خویش را بر پایه ماده یک، از بند «اصل» ۲ و نیز وفاداری و پایبندی به بند «اصل» ۱۱۸ یاد می کند و منشور لوح رأی اعتماد و اعتبارنامه خود را، از سوی پیرسال ترین نماینده، دریافت می دارد .

۱۲۱. ریاست دولت، در جایگاه دبیرکلی جبهه، حزب، ریاست انجمن، مدیرعامل، سندیکا و هر سازمان سیاسی، اجتماعی دیگری، باید تا هفته نُخست زمامداری، از جایگاه دبیرکلی، مستعفی شود که هموندی او با سازمان، پابرجا خواهد بود. ماده ۱: «این بند «اصل» وزیر رانیز شامل می شود» .

۱۲۲. هیئت دولت: وزیران و رییس دولت را، هیئت دولت گویند که گروه دولت هم نامیده می شوند، رییس دولت که همان نُخست وزیر است، مسوول قوه مجریه می باشد. رییس دولت، باید پیش از دو ماه، وزرای برگزیده خویش را به رایستان «پارلمان» معرفی کند، رایستان نیز پیش از دو ماه با رأی بیشین، برای هر وزیر تأیید صلاحیت می کند و به آنان رأی اعتماد می دهد و سپس وزیران، اعتبارنامه دریافت می کنند و دولت، کار خود را آغاز می کند، اگر ریاست دولت پیش از دو ماه کابینه خود را، به رایستان معرفی نکرده باشد، دولت بر نیامده بر افتاده و مستعجل خواهد شد، اگر یک یا چند وزیر پیشنهادی رد صلاحیت شد، ریاست دولت برای معرفی وزیر یا وزیران تازه، یک ماه دیگر مهلت و زمان نیاز دارد .

۱۲۳. چگونگی دولت: دولت قدرت سیاسی و اجرایی را که مسوول آن می باشد، بدست می گیرد و تا رایستان «پارلمان» از او خرسنداست، به کار خود ادامه می دهد

و آن هنگام که زمان رایستان هم به سرآید، دولت همچنان قوام است و به کار خویش ادامه می‌دهد و با فرا آمدن رایستان تازه، دولت، همچنان پا بر جا است، ولی باید از رایستان تازه، رأی اعتماد دریافت کند. از این روی، زمان در زمامداری دولت، نامحدود و ادامه‌کار دولت، از یک روز تا چند دور رایستان «پارلمان» خواهد بود که بر پایه ماده ۱ بند «اصل» ۱۱۹ به اراده نمایندگان جامعه «رایستان» با رأی بیشین، بستگی دارد.

۱۲۴. ترکیب دولت: دولت می‌تواند، دولت ائتلافی از جبهه، حزب، سازمان، سندیکا، انجمن‌های همگون و منفردین باشد و یا، یک دولت یکدست. ماده ۱: «معرفی نامزد حزبی، کاری است درون سازمانی».

۱۲۵. استیضاح: استیضاح همان بازپرسی در مفهوم حقوقی است که به زمان ناخرسندی رایستان از دولت است و بر پایه موضوع رسمی نامه، یک سوم از نمایندگان، می‌توانند دولت را برای پاسخگویی فرا بخوانند و پرسش از سوی کمیسیون ویژه یا یک نماینده در جلسه علنی و نه در کمیسیون، به میان آید که سه مرحله و جایگاه دارد، نخست: یادآوری و تذکر است که معاون رایستانی «پارلمانی» نخست وزیر یا معاون رایستانی همان وزیر، دشواری را از میان برمی‌دارد، اگر خرسندی رایستان پدید نگشت، پس از دو هفته، مرحله دوم که پرسش است به میان می‌آید، و دولت رأی و نظر خود را به رایستان پاسخ می‌دهد، اگر رایستان پاسخ پرسش‌ها را پذیرا نگشت، پس از یک ماه مرحله سوم که استیضاح است به میان می‌آید، فراخوانندگان که ریاست دولت یا چند وزیر است، پس از سه هفته و کمتر از یک ماه در سه گفتگو، اگر از پس پرسش بر آمدند، از رایستان رأی اعتماد دریافت می‌کنند، اگر یک وزیر به استیضاح کشانده شد و پاسخگو نبود، همان وزیر برکنار می‌شود، اگر بیش از پنج وزیر، به استیضاح کشانده شوند و پاسخگو نباشند، دولت با دو سوم رأی، از شمار همه نمایندگان رایستان «پارلمان» برکنار می‌شود و آنگاه، به

زمانی که واخواهی و اعتراض ریاست دولت، در برابر رایستان «پارلمان» در میان باشد، تا دو هفته واخواهی و اعتراض را به سنا می‌دهد و سنا با یک ماه بررسی، با دو سوم رأی، دولت را برکار و یا برکنار می‌کند. ماده ۱: «گزینهش دولت برکنار شده از سوی رایستان «پارلمان» بعدی با رأی بیشین، هموار و مجازاست» .

۱۲۶. در برکناری یک یا پنج وزیر از سوی رایستان «پارلمان» رییس دولت، می‌بایست پیش از سه هفته جانشین آنان را برای رأی اعتماد، به رایستان «پارلمان» معرفی کند و رایستان باید پیش از دو هفته پذیرش یا پس زدن آن نامزد یا نامزدهای وزارت را، به دولت اعلام کند. ماده ۱: «چنانچه برای ریاست دولت، گزینهش وزیر پیش از سه هفته هموار نباشد، رییس دولت می‌تواند برای دو ماه بی‌آنکه به رأی اعتماد نیاز باشد، سرپرست وزارتخانه برگزیند» .

۱۲۷. رایستان «پارلمان» برای دولت برکنار شده دو ماه زمان می‌گذارد تا وزارت کشور همان دولت، انجام کار گزینهش دولت دیگری را با همکاری انجمن‌های بومی و آگهی به رادیو، تلویزیون و روزنامه فراهم آورد .

۱۲۸. دولت تازه، می‌تواند از وزرای پیشین، برای وزارت، برگزیند .

۱۲۹. هر گاه دولت، بر پایه کار شکنی بیهوده و بی پایه، یا دسته‌بندی و باندبازی رایستان «پارلمان» رویاروی شد، رییس دولت، می‌تواند لایحه‌ای به سنا دهد و خواستار برچیدن رایستان «پارلمان» شود، سنا پیش از سی روز، با رأی بیشین، نتیجه را به دولت آگاهی می‌دهد. همراهی سنا با رایستان، برکناری دولت را پی‌آمد دارد و گزینهش دولت دیگر، رخ می‌گیرد ولی همراهی سنا با دولت، دولت، بر کار و برقوام خواهد ماند و آگهی وزارت کشور به فرمانداری‌ها، گزینهش رایستان «پارلمان» جدید را به دنبال دارد و نمایندگان دیگری به رایستان «پارلمان» راه

می‌یابند.

۱۳۰. دولت، در زمان سه ماه، گزینش رایستان «پارلمان» تازه را برگزار می‌کند، که نمایندگان رایستان «پارلمان» بر چیده شده برای آن دور، نمی‌توانند، نامزد شوند.

۱۳۱. دولت، افزوده بر خدمتگزاری بی‌چون و چرای جامعه و ترقی و پیشرفت و سربلندی مردم در همه زمینه‌های هست زیستی و نگاهبانی پیوسته کشور، بر پایه بندها «اصول» ۱۱۷ و ۱۱۸، وظیفه نگاهبانی و مصونیت جان و مال نمایندگان و هموندان همه نهادهای حکومت رایستانی «پارلمانی» را، همانند جان و مال دیگر مردم کشور، بردوش دارد. مگر به زمان رویداد جرم و جنایت و زیانکاری میهنی از سوی آنان، که دیگر مصونیت پارلمانی، سیاسی و... نخواهند داشت. از این روی، مصونیت رایستانی «پارلمانی» و سیاسی نمایندگان رایستان، سنا و مؤسسان «خبرگان» از بازرسی و بازپرسی قضایی بدانان، پیشگیری نمی‌کند.

۱۳۲. شرایط گزینش ریاست دولت «نخست وزیر»: ماده ۱- ایرانی بودن خاندان تا دو دودمان. ماده ۲- نداشتن ملیت یا شهروندی بیگانگان با داشتن آخرین برکه اقامت معتبر با تاریخ پایان نیافته که در آن یک ملیت، آنهم ملیت ایرانی نوشته شده باشد. تبصره ۱: «زاده شدگان در سرزمین و ممالک بیگانه، که ملیت ایرانی دریافت کنند، دشواری نامنویسی ندارند، زیرا جای و مکان زاده شدن، بر پایه گزینش و اختیار نوزاد نیست». ماده ۳- سن برای نامزدی ریاست دولت، از ۴۵ تا ۸۰ سال است. ماده ۴- داشتن دانشنامه فوق لیسانس به بالا، به مفهوم عام علوم اجتماعی، از دانشگاه معتبر داخلی یا خارجی. ماده ۵- نامزدها باید در زادگاه یا جا و مکانی از کشور، که از شش ماه پیش از نامنویسی، در آنجا ساکن بوده‌اند، نامنویسی کنند، تا کار انجمن بومی برای شناسایی آنان دشوار نباشد. ماده ۶- زندگی در هر جای کشور یا بیرون از کشور، برای نامزدی که در زادگاه خود نامنویسی می‌کند،

بازدارنده نامنویسی نیست. ماده ۷- نامزدها شش ماه پیش از نامنویسی، باید کناره‌گیری و استعفای رسمی خود را ازکار و پیشه دولتی که دارند، به فرمانداری شهرستان خود، تحویل داده باشند. «کناره‌گیری و استعفا، باید از سوی وکیل دعاوی یا محضر رسمی باشد». ماده ۸- گواهی تندرستی از پزشکی قانونی، دو ماه پیش از نامنویسی. ماده ۹- داشتن یک کتاب پژوهشی به تأیید نهادهای آکادمیک کشور، یا ثبت کتابخانه ملی یا نهادهای آکادمیک خارجی. ماده ۱۰- نداشتن هیچگونه پیشینه نادرست اجتماعی. ماده ۱۱- گواهی نداشتن پیشینه بزّهکاری اجتماعی، از دادگستری منطقه. ماده ۱۲- نداشتن وابستگی مالی و سیاسی و سازمانی به بیگانگان. ماده ۱۳- برکه پاکی از هر گونه اعتیاد از مرکز بهداشت و درمان منطقه، دو ماه پیش از نامنویسی، بی آنکه سیگار، پپ و غلیان، در برگیرنده اعتیاد باشد. ماده ۱۴- گواهی سلامت روحی و روانی از مرکز روان درمانی منطقه، دو ماه پیش از نامنویسی.

۱۳۳. پرونده یا مدارک لازم برای جایگاه ریاست دولت: «۱» عکس ۶ در ۴، شش قطعه، کمتر از دو ماه به زمان نامنویسی. «۲» اصل آخرین کارنامه دانش آموختگی و تحصیلی. «۳» شناسنامه. برای بیرون شدگان و بیرون رفتگان از کشور، یا اصل برکه اقامت با تاریخ معتبر، که ملیت ایرانی نوشته شده باشد. «۴» برای دارندگان پیشه و کار دولتی، برکه کناره‌گیری و استعفای رسمی، شش ماه پیش از نامنویسی. «۵» گواهی تندرستی از پزشکی قانونی، کمتر از دو ماه به زمان نامنویسی. «۶» چاپ نوشته یک کتاب پژوهشی به تأیید دانشگاه یا ثبت کتابخانه ملی یا نهادهای آکادمیک خارجی. «۷» گواهی نداشتن پیشینه کیفری و بزّهکاری از دادگاه منطقه، کمتر از دو ماه به زمان نامنویسی. «۸» گواهی پاکی از اعتیاد از مرکز بهداشت و درمان منطقه، دو ماه پیش از نامنویسی. «۹» گواهی سلامت روحی و روانی از مرکز روان درمانی منطقه، دو ماه پیش از نامنویسی.

۱۳۴. پذیرش جغرافیایی: برای نامنویسی خواهندگی جایگاه ریاست دولت، دارندگان شرایط، باید در زادگاه یا محل و جایگاه و پیشه خود، نامنویسی کنند تا کار انجمن بومی برای بررسی صلاحیت آنان، دشوار نباشد. تبصره ۱: «خواهندگان جایگاه ریاست دولت که پیشه و شغل دولتی دارند، باید شش ماه پیش از نامنویسی، کناره گیری و استعفا کرده باشند».

۱۳۵. شرایط گزینش وزیر: گزینش وزیر با ۱۴ ماده و دو تبصره گزینش ریاست دولت، همسان است. دانش آموختگی، در جایگاه وزارت، باید تخصصی و بر پایه ضابطه باشد. بدینسان، گزینش وزیر از سوی رییس دولت، برای هر وزارتخانه باید بر پایه تخصص وزیر، برای همان وزارتخانه باشد.

۱۳۶. چگونگی گزینش وزیر: رییس دولت با همراهی و هم رأی مشاوران خود، وزیر هر وزارتخانه را برمیگزیند و برای پذیرش و رأی اعتماد، او را به رایستان «پارلمان» معرفی می‌کند.

۱۳۷. برکناری وزیر: برکناری وزیر به دو روش خواهد بود. روش یکم: آنکه لغزش نخست او را، رایستان «پارلمان» تذکر می‌دهد، لغزش دوم را، رایستان «پارلمان» از او پرسش می‌کند، لغزش سوم وزیر، موجب آنست که رایستان «پارلمان» او را استیضاح کند، اگر وزیر پاسخ درستی نداشت، با رأی بیشین برکنار می‌شود. روش دوم: وزیر از سوی رییس دولت برکنار می‌شود و رییس دولت، باید دلیل را برای رایستان «پارلمان» روشن کند، اگر رایستان «پارلمان» با رییس دولت هم رأی نشان داد، وزیر با رأی بیشین برکنار می‌شود. این دسته وزیران پایه ای هستند، مانند: دادگستری، دارایی، جنگ، فرهنگ، کشور و خارجه. لغزش دوم بار وزیر، برکناری او را از سوی ریاست دولت، بی اراده رایستان «پارلمان» هموار می‌سازد، و وزیرانی را در بر می‌گیرد، که پایه ای نیستند.

۱۳۸. دولت برکار، که برکنار شود، از سوی رایستان «پارلمان» مجری برقراری دولت تازه است و چگونگی اجرا، برای گزینش و برقراری دولت تازه از سوی دولت برکنار شده، همان است که در، بند «اصل» ۱۲۰ آمده است، که در این میان، دولت برکنار شده، وظیفه انجام گزینش دولت تازه را تا گسیل کارنامه نامزدها به رایستان دارد. تبصره ۱: «از زمان برکناری دولت برکار، تا زمان روی کار آمدن دولت تازه و به جای آوردن سوگند نخست وزیر، دولت پیشین، برکار و مسوول است و همه روند آن، قانونی و ضمانت اجرایی دارد و نیز باید دولت تازه را، از چگونگی و روند کار، آگاهی دهد» .

۱۳۹. کسانی که در نهادهای نه گانه حکومت رایستانی «پارلمانی» نمی توانند برگزینند یا برگزیده شوند: ماده ۱- شاه و ملکه و خاندان سلطنت «مادر، پدر، فرزندان، عمه، خاله، دایی، عمو و فرزندان آنان» به انگیزه پیشگیری از دنباله روی گروهی از مردم جامعه از آنان. ماده ۲- رئیس جمهور، رئیس دولت، وزیر، استاندار، فرماندار، بخشدار، سفیر، وزیرمختار، کاردار، کنسول، معاونان و همسران آنان و دیگر خاندان، بر پایه ماده یک از همین بند «اصل». ماده ۳- سراسر نیروی نظامی «زمینی، دریایی، هوایی» سربازان و نیروی انتظامی «ژاندارمری، شهربانی» به هدف پیشگیری از انگیزه پشتیبانی از گروه یا فرد سیاسی. ماده ۴- وابستگان مالی و سیاسی به بیگانگان. ماده ۵- بزّهکاران اجتماعی. ماده ۶- دارندگان هرگونه پیشینه اعتیاد. ماده ۷- دارندگان پیشینه روحی و روانی .

۱۴۰. وزیر، مسوول وزارتخانه خویش است و در برابر دیگر وزیران و نیز در کارهایی که به تصویب وزیران می رسد، مسوول می باشد و همچنین، در برابر رئیس دولت، پاسخگو است و رئیس دولت مسوول آنان و همگی در برابر رایستان، پاسخگو هستند .

۱۴۱. وزیر، نباید دستور رییس دولت «نُخست وزیر» را که نوشته نباشد، دست‌آویز قرار دهد و پاسخگو نگردد و همچنین، نشست هر هفته وزیران، به ریاست نُخست وزیر و گزارش هفتگی وزیر، در مسوولیت وزارتخانه خود، به رییس دولت، الزامی است.

۱۴۲. دولت، مددکار قوه مقننه است. تبصره ۱: «دولت از آن روی، در قوه مقننه همراه رایستان «پارلمان» است که در لوایح، تصویب‌نامه و بودجه، نقش یکم را دارد و نیز مجری قوه مقننه، قوه قضاییه و احکام قضایی، می‌باشد».

۱۴۳. نُخست وزیر و دولت او، نماینده قوه مجریه است و مجری قانون، که برابر بند «اصل» ۱۴۲. همراه و مددکار قوه مقننه می‌باشد و در رویداد ضد امنیتی، دولت است که اقدام می‌کند. تبصره ۱: «افراد نمی‌توانند به نام قانون، مجری قانون باشند و انتقام‌گیری شخصی نمایند».

۱۴۴. وزارت دادگستری، شورای عالی قضایی، دیوان دادگری و دادستان کل کشور، نماینده قوه قضائیه می‌باشند. ژاندارمری، پلیس، ضابط و مددکار آنان است. تبصره ۱: «وزارت دادگستری در شمار هیئت دولت است و رابط شورای عالی قضایی و دیوان دادگری و دادستان کل کشور، می‌باشد».

۱۴۵. سه قوه مقننه، مجریه، و قضائیه از هم جدا و مستقل هستند و مددکار یکدیگر می‌باشند. مقننه قانون و فرمان کلی را بیان می‌کند، قضائیه احکام و جزئیات را از آن قانون و فرمان کلی استخراج می‌سازد و مجریه بر پایه تبصره ۱، بند «اصل» ۱۴۲، همراه مقننه و مددکار قضائیه است و احکام و فرمان را جاری می‌کند، که ریاست دولت، رابط و پیوندگر هر سه قوه، به شمار می‌آید.

۱۴۶. برابر بند «اصل» ۱۴۵ یک نفر نباید، مسوول یا رییس قوای سه گانه باشد. هر قوه یک نماینده دارد که نماینده هر یک از آن سه نهاد است و براین روش، جدایی قوای سه گانه از یکدیگر است که، از دیکتاتوری پیشگیری می شود.

۱۴۷. گزینش یا جابجایی استاندار و فرماندار از سوی وزیر کشور، به تأیید رییس دولت می باشد و نیازی به رأی اعتماد رایستان «پارلمان» نیست.

۱۴۸. چگونگی نظام وظیفه، با وزارت کشور است و از سوی آن وزارتخانه، ژاندارمری مجری آن است.

۱۴۹. لایحه ای که دولت به رایستان «پارلمان» می دهد و تصویب می شود، اگر در اجرای آن از سوی دولت، کاستی روی نماید، دولت در آن زمینه استیضاح نمی شود، زیرا دولت پیش بینی و زمان بندی کار خود را دارد.

۱۵۰. لایحه به امضاء نخست وزیر، برای رایستان «پارلمان» فرستاده می شود که زمان تصویب، یک ماه است، اگر به تصویب نرسید، پیش از دو هفته، به سنا فرستاده می شود و سنا تا دو هفته اگر تصویب کرد، لایحه، قانونی می شود. ابلاغ به دولت، از سوی رایستان «پارلمان» است که باید پیش از دو هفته باشد و دولت پیش از دو هفته به اجرای آن، آغاز می کند و اگر آن لایحه به تصویب سنا نرسید، بیهوده شمرده می شود.

۱۵۱. دولت تازه نمی تواند لوایح تصویب شده و همچنین قرارداد دولت های پیشین را با اشخاص یا دولت های بیگانه یا شرکت ها و بنگاه ها ملغی کند که برای مردم گرفتاری پدید آید، مگر با لایحه پیشنهادی همان دولت تازه و تصویب رایستان «پارلمان».

۱۵۲. دولت، در صدور و اجرای بخشنامه آزاد است که نسخه ای به رایستان «پارلمان» تسلیم می‌کند و نیازی به تصویب رایستان ندارد، اگر رایستان آن را، لایحه تلقی کند، پیش از یک ماه، باید دولت را از آن آگاه سازد، تا دولت بخشنامه را متوقف کند.

۱۵۳. آیین نامه در هیئت دولت، به تصویب می‌رسد. دولت پس از آن، می‌تواند آن را ملغی کند و لغزش یا خطای آن را، رایستان «پارلمان» تذکر دهد، ولی به استیضاح نمی‌کشانند.

۱۵۴. بودجه دربار یا بودجه تشکیلات ریاست جمهوری و بودجه ارتش، در حکومت پادشاهی رایستانی یا جمهوری رایستانی «پارلمانی» از سوی دولت، به رایستان پیشنهاد می‌شود.

۱۵۵. تقسیمات کشوری در مفهوم جغرافیای سیاسی، از سوی وزارت کشور و همکاری وزارت فرهنگ و انجمن بومی، به تصویب رایستان «پارلمان» است.

۱۵۶. وزارت جنگ نماینده دولت در ارتش و مسوول آن است و تعیین فرماندهان با نگرش به ضابطه، به پیشنهاد وزارت جنگ و تصویب شورای نه نفره به ریاست نخست وزیر، خواهد بود، و بنیاد ارتش، بر پدافند مرزهای کشور و نگاهبانی از استقلال ملی است که نباید در سیاست و امنیت داخلی کشور، دخالت کند.

۱۵۷. شورای نه نفره ارتش به ریاست نخست وزیر، ترکیبی است از چهار نماینده دولت «وزارت جنگ، کشور، دارایی، صنایع و معادن» و همچنین، رایستان، سنا، دربار یا ریاست جمهوری، دانشگاه جنگ و ستاد ارتش. که برای دو سال برگزیده می‌شوند و یک دور دیگر پیوسته یا گسسته نیز می‌توانند این جایگاه را، داشته باشند. ماده ۱: «فرماندهی نیروهای سه گانه که ریاست ستاد ارتش است از سوی وزارت

جنگ، معرفی و به تأیید شورای می‌رسد». ماده ۲: «فرمانده هر یک از نیروهای سه‌گانه، از سوی ریاست ستاد ارتش معرفی و به تأیید وزارت جنگ می‌رسد». ماده ۳: «در استان، فرمانده سپاه یا لشکر یا پادگان هر یک از نیروهای سه‌گانه، از سوی هر یک از فرماندهان نیروی سه‌گانه خود، برای تأیید به ریاست ستاد ارتش، معرفی می‌شوند و با شورای استان که استاندار در رأس آن است، همکاری می‌کنند، که برای دو سال برگزیده می‌شوند و برای دو سال دیگر، گزینش دوباره آنان نیز هموار است». تبصره ۱: «گروه‌بان دوم و گروه‌بان یکم، در نیروی نظامی یا انتظامی، پس از دریافت دیپلم دبیرستان، درجه افسری را از ستوان سومی و ستوان دومی، آغاز می‌کنند، که به آموزش در دانشکده افسری نیازی ندارند، زیرا پیش از آن، آموزش دیده‌اند».

۱۵۸. نیروی انتظامی که ژاندارمری و شهربانی است و امنیت داخلی کشور که امنیت ملی نامیده می‌شود، بر دوش آنان است و از سازمانهای وابسته وزارت کشور می‌باشد، بی‌آنکه سازمان جاسوسی و سری برپا گردد. تعیین فرماندهان، با نگرش به ضابطه و روش، از سوی همان وزارتخانه خواهد بود که در استان، زیر نظر استاندار و در شهرستان، فرماندار و در بخش، بخشدار بر ژاندارمری و شهربانی نظارت دارند و فرماندهان انتظامی، گزارش روزانه یا هفتگی را، به مقامات کشوری در بخش، شهرستان و استان، می‌دهند. تبصره ۱: «افزودن یا کاستن شمار این نیرو، با وزارت کشور است، که با پدید آمدن ناگهانی دشواری امنیت، راه حل حقوقی، به شورای امنیت ملی سپرده می‌شود و ریاست دولت، فرمان آن را به وزیرکشور، واگذار می‌کند».

۱۵۹. اجرای گزینش و انتخابات در همه نهادهای حکومت رایستانی «پادشاهی - جمهوری» از سوی وزارت کشور می‌باشد، که بررسی صلاحیت، از سوی انجمن بومی خواهد بود.

۱۶۰. گزینش استاندار با پیشنهاد وزیر کشور و تأیید نخست وزیر، گزینش فرماندار با پیشنهاد استاندار و تأیید وزیر کشور، سفیر از سوی وزیر خارجه به تأیید نخست وزیر، کنسول و وزیرمختار و کاردار از سوی سفیر به تأیید وزیر خارجه. مدیران کل در وزارتخانه ها، از سوی معاون وزیر در هر بخش ویژه خود، به تأیید وزیر و مدیران کل در استان ها، از سوی معاون اداری هر وزارتخانه و تأیید استاندار، در استان خواهد بود. رییس یا سرپرست اداره در وزارتخانه، از سوی مدیران کل یا معاونان مدیرکل در همان وزارتخانه و گزینش رییس یا سرپرست اداره در شهرستان، با هماهنگی مدیرکل همان اداره در استان، به تأیید فرماندار، در شهرستان است. ماده ۱- گزینش بخشدار، بر پایه روش کار امور اداری و استخدامی کشور است. ماده ۲- گزینش استاندار و فرماندار، از گردونه انجمن بومی، بیرون است و نباید بومی باشند، تا بر پایه ساختار جامعه شناسی ایران، حب و دوستی زادگاه، یا بغض و دشمنی بر بیرون از زادگاه، روی ننماید، تا پیوند فرهنگی میان سراسر کشور باشد و پایه فدرالیسم بر فرهنگ قومی و قبیله ای، بنیان نهاده نگردد و چون این دو مقام و جایگاه، سیاسی هستند، مقام بالاتر، در برابر رایستان «پارلمان» پاسخگو است. تبصره ۱: «جایگاه استانداری، بر سه پایه است: فارس، خوزستان، آذربایجان خاوری، تهران، خراسان و اصفهان، با نگرش به ارج چند سده تاریخی، فرهنگی، سنتی و چگونگی روند تاریخی جغرافیایی، استان های پایه یک و دیگر استان ها، پایه دوم و سوم خواهند بود، که آنان و فرمانداران و بخشداران و کادر وزارت خارجه، مصونیت سیاسی دارند».

۱۶۱. معاونان نخست وزیر، از سوی او، برای تأیید صلاحیت و رأی اعتماد به رایستان «پارلمان» معرفی می شوند و با رأی بیشین رایستان که رأی اعتماد نامیده می شود، آغاز به کار می کنند. گزینش معاونان هر وزیر از سوی همان وزیر، با تأیید نخست وزیر و یا تأیید معاونان نخست وزیر، در زمینه اختصاصی آنان خواهد بود، که بی نیاز از رأی اعتماد رایستان می باشند و مانند وزیران، مصونیت سیاسی دارند.

۱۶۲. ریاست دولت، وزیران، استانداران، فرمانداران، سفرا، وزرای مختار، کاردار، کنسول، فرماندهان نظامی، انتظامی، همچنین رایستان «پارلمان» و سنا، در گزینش رایزنان و مشاوران خود، که باید از پنجاه سال به بالا تا هر زمان توانایی کار، آزاد هستند و نیازی به رأی اعتماد رایستان «پارلمان» برای گزینش آنان ندارند. تبصره ۱: «مشاور می تواند، همزمان دارای پیشه استادی دانشگاه، وکالت دعاوی و پژوهشگری باشد». ماده ۱: «هیئت دولت و همه سازمانهای وابسته، اندیشه سیاسی و هدف ریاست دولت را، بازتاب می دهند». تبصره ۱: «نشان دولتی، برای هر دسته و گروه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و دیگر مردم جامعه، با رایزنی مقدم الاساتید دانشگاه و ریاست انجمن فرهنگستان ملی، از سوی ریاست دولت، خواهد بود».

« رِفِرَانْدُومِ رَافَرَنْدُومِ » .

۱۶۳. رِفِرَانْدُومِ، واژه‌ای است فرانسه، که مفهوم آن، همه‌پرسی است و نخستین بار در سوئیس به کار گرفته شد، و این همه‌پرسی، پرسشی است که تنها به یک گزینه پاسخ داده می‌شود و جامعه با یک پاسخ آری یا نه، ابزار گزینش نوع حکومت می‌شود، که با دو پرسش آمرانه حکومتی «آری - نه» و یک پاسخ ناچاری، هدف برگزارکنندگان را، که به گونه‌ای، رِفِرَانْدُومِ شخصی از پیش آماده برنامه ریزی شده و گاه، به فرمان بیگانگان است، پیاده می‌کند.

بدین روی، حکومت برکار، که وزارت کشور همان حکومت، برگزارکننده آن است، رِفِرَانْدُومِ را، به جامعه تحمیل می‌کند و چون در هیچیک از ممالک جهان، توده جامعه جز دانش آموختگان علوم اجتماعی، آنهم نسبی و نیز جز پاره‌ای از مردم، به حسب روحیه کاوشگری یا علاقه شخصی، از شناخت و چگونگی انواع حکومت، آگاهی ندارند و بسیاری نیز خواندن و نوشتن نمی‌دانند، رِفِرَانْدُومِ، فریب جامعه به شمار می‌رود، که به گونه‌ای، دمکراسی غیر لیبرال می‌باشد و زیانبخشی ملی پی‌آمد آنست، که باید از این فریب و زیان کاری بزرگ پیشگیری کرد، زیرا در گزینش همگانی، در پاره‌ای از بخش‌های گزینشی، پیوسته قلب و نادرستی روی می‌دهد، که برگزاری رِفِرَانْدُومِ، بی اعتباری نمایندگان جامعه «رایستان = پارلمان، سنا، مؤسسان = خبرگان» به شمار می‌آید. بدینسان، نیازی به هدف آندسته از سیاست‌بازان عوام فریب، بویژه گروهی که تابعی از فرایند بیگانگان هستند، نمی‌باشد و جامعه که با آزادی و اختیار، نمایندگان خویش را، برای رایستان، سنا و مؤسسان برگزیده است، همان نمایندگان پاسخگو هستند. بر این روش، از هرج و مرج و تنش اجتماعی ناشی از رِفِرَانْدُومِ، جلوگیری می‌شود و از فریب جامعه، با گزافه‌گویی و تبلیغ نادرست و دروغین، که سیاست‌بازان، بویژه گروه سرسپرده بیگانه، بدان دامن می‌زنند، پیشگیری می‌گردد. بر پایه داده‌های حقوقی، خواهندگان رِفِرَانْدُومِ می‌توانند یک سوم از شمار آخرین رأی دهندگان رایستان «پارلمان» را، به خواستاری رِفِرَانْدُومِ وادار

نمایند. از این روی، جامعه نباید، ابزار کار و آلت فعل سیاست بازان و سرسپردگان بیگانه، بویژه برای هدفی بزرگ، چون نوع حکومت قرار گیرد، زیرا نمایندگان برگزیده و منتخب و خبرگان جامعه که مؤسسان «خبرگان» هستند، با آزادی و اختیار و آگاهی، نوع حکومت را که عالی ترین و برترین شکل آن، با محتوی دموکراسی بشری، یعنی رایستانی «پارلمانی» است، چه پادشاهی رایستانی و چه جمهوری رایستانی «پارلمانی» برمی‌گزینند.

۱۶۴. بودجه تبلیغاتی از راه نادرست، برای هر نامزد گزینشی در نهادهای حکومت رایستانی «پارلمانی» پیشگیری از گزینش نامزد را در پی دارد. ماده ۱: «بررسی از سوی وزارت کشور و وزارت دادگستری و انجمن بومی خواهد بود».

۱۶۵. ابزار دولتی برای هر نامزد تأیید صلاحیت شده انجمن بومی، در نهادهای حکومت رایستانی «پارلمانی» یکسان است تا نامزد ثروتمند با افراد کلیدی زد و بند مالی نکند. از این روی، زمان بندی در رادیو تلویزیون و صفحه بندی روزنامه های محلی، بی آنکه گمان پردازی یا نظرسنجی کنند، برای همه نامزدها، باید یکسان باشد، تا شایستگان در جایگاه قرار گیرند. تبصره ۱: «آگهی و تبلیغ نامزد هر یک از نهادها ۲۴ ساعت پیش از گزینش، پایان می‌گیرد و نام برنده در هر نهاد گزینشی، پیش از ۴۸ ساعت، از سوی وزارت کشور آگهی می‌شود».

۱۶۶. اسناد و پرونده نادرست و جعلی هر یک از نامزد نهادهای حکومت رایستانی «پارلمانی» او را از گزینش، باز می‌دارد و اگر تا شش ماه، پس از گزینش، نادرستی پرونده روی نماید، نامزد برنده و برگزیده شده از جایگاه برکنار می‌گردد و پادافره کیفری دارد و گزینش نامزد دیگری، پس از دو هفته آغاز می‌شود. ماده ۱: «نامزد هر یک از نهادها که با فریب دادن جامعه، خود را در درجه دانش و جایگاه علمی، سیاسی، اجتماعی و پست و مقام بالاتر از آنچه بوده، نشان دهد و

احساس هیجانی جامعه را در زمان انتخابات بفریید و آنچنانکه رایج شده است، به پرداخت رشوه به برگزینندگان پردازد و حق نامزد دیگری را پایمال کند، بویژه آنکه به مدد کامپیوتر و سایت های اینترنتی، با همه توان کاربردی، که هموار راهی از تقلب، نادرستی و فریبکاری، در شوند تباهی اخلاق و مرگ اخلاق، گشوده است، به ابزاری بدل گشته است، که به فرمان سیاست بازان، با اجرای تبهکاران اخلاق، به انگیزه تهمت زدن و ناسزاگویی به مردان و زنان شرافتمند، که در سلک رقبا هستند. انجمن بومی و فرمانداری در هفته نخست، ادعای نامزد را در گفتار تبلیغی و اسناد، برابر اصل نموده تا کارنامه ای روشن از نامزد، در دست باشد. از آن روی، در کارنامه، که بازنگری پیش آید و نادرستی روی نماید، نامزد برای همیشه از نامنویسی در نهادهای حکومت رایستانی «پارلمانی» محروم و باز داشته می شود و دادگاه کیفری، اینگونه فریبکاران جامعه را، کیفر می دهد.

۱۶۷. آراء صندوق رأی از روی تقلب و نادرستی، باطل می گردد و با آگاهی فرمانداری از همان روز و یک ماه پس از آن، در همان حوزه دوباره رأی گیری می شود. ماده ۱: «از سوی برگزینندگان، نوشتن نام مستعار، یا غیر حقیقی در پسوند یا پیشوند نام انتخاب شوندگان و نیز، نام دیگری یا القابی افزوده شود و یا هر نام که با شناسنامه داوخواه یا نامزد هماهنگ نباشد، برای نامزد هر یک از نهادهای حکومت رایستانی «پارلمانی» رأی باطل و بیهوده به شمار می رود». ماده ۲: «برای پیشگیری از هرج و مرج، فرماندار یا رییس کمیسیون بررسی انتخابات هر نهاد، نام تأیید صلاحیت شدگان را آگاهی می کند».

۱۶۸. نماینده رایستان «پارلمان»، سنا، مؤسسان «خبرگان» به زمان نمایندگی، نمی تواند نامزد جایگاه نهاد دیگری شود مگر آنکه پیش از پایان سال یکم، کناره گیری رسمی کرده باشد.

۱۶۹. هر یک از نمایندگان رایستان «پارلمان» سنا، مؤسسان «خبرگان» تا یک سال مانده به پایان نمایندگی، اگر کناره‌گیری نمایند، وزارت کشور، باید گزینش برای جانشینی همان نماینده را، پیش از دو ماه، برای باقیمانده دوران نمایندگی حوزه انتخابیه، که همان بخش گزینشی است، برگزار کند.

۱۷۰. رأی تمایل برای گزینش ریاست دولت یا یک وزیر و دیگر نهادها، از سوی رایستان «پارلمان» مجاز نیست، بدینسان، از باندبازی، دسته‌بندی و احساسات تند و هیجانی، پیشگیری می‌شود و از سویی، به صلاحیت انجمن بومی، در همه ایالات و ولایات «استان‌ها و شهرستان‌ها» آسیب نمی‌رساند. از این روی، باندبازی، خودرأیی و دیکتاتوری، نباید در رایستان «پارلمان» نهادینه شود.

۱۷۱. هیچ گزینشی برای هیچ نهادی در زمان جنگ با بیگانگان، انجام نمی‌گیرد ولی در زمان آتش‌بس، گزینش رخ می‌گیرد. ماده ۱: «رأی‌گیری برای هر نهاد، در یک روز تعطیلی و سراسری، خواهد بود».

۱۷۲. ساختار مالی بر پایه اقتصاد آزاد «لیبرالیسم، سوسیالیسم» زیر نگرش دولت است که در آن سوی رشد اقتصادی، حق و حقوق کارگر، خرده‌پا، کشاورز، دامدار و هر مولد دیگر، محترم به شمار می‌آید و اقتصاد کشور، پویا خواهد شد.

۱۷۳. بر پایه بند «اصل» ۲۰، اقتصاد دانان، حقوقدانان مالی و تجارت، با معرفی ۲ تن از آنان، از سوی دانشگاه، به همراه وزارت دارایی و دیوان محاسبات، قوانین مالی را به تصویب رایستان «پارلمان» می‌رسانند. ماده ۱: «پس از گرد آوردن هر ماهه در آمد دولت در خزانه داری کل، دیوان محاسبات، هزینه سالانه دولت را، که دولت پیشنهاد کرده است، بررسی و حسابرسی می‌کند و به کمیسیون مالی رایستان = پارلمان، گزارش می‌دهد، زیرا دیوان محاسبات، زیر نظر رایستان = پارلمان است و وزارت

دارایی، بر خزانه داری کل نظارت دارد، که پرداخت حقوق کارکنان کشوری و لشکری را، به بانک واریز می‌کند» .

۱۷۴. دولت، پشتیبان مالکیت خصوصی است، زیرا بازار رقابت را گسترش می‌دهد و آفرینندگی پدید می‌آورد و کار و پیشه رونق می‌یابد و پشتیبانی دولت از سرمایه‌گذاری داخلی رخ می‌گیرد و سرمایه‌گذاری بیرون از کشور، کاستی می‌یابد .

۱۷۵. چنگ اندازی رایستان «پارلمان» و دولت بر دارایی مردم، به هیچ روی مجاز نیست، رایستان و دولت نباید دارایی کسی را مصادره کنند. ماده ۱: «لغزش مالی، پس از حکم دادگاه حقوقی، روشن و آشکار می‌شود» .

۱۷۶. پیدایش و اکتشاف نفت و گاز و معدن در زمین مالک، از آغاز کشف، ۲ درصد از بهره‌برداری، از آن دارنده زمین است و یا تا شعاع نیم کیلومتری چهار سوی زمین، به قیمت دادگرانه از مالک خریداری می‌شود. ماده ۱: «در پیدایش و اکتشاف نفت، استخراج، تولید، تصفیه و پالایش، بهره‌برداری و فروش از سوی دولت است» .
 ماده ۲: «اکتشاف گاز، طلا، مس، ذغال سنگ و... نیز از سوی دولت است که تا شعاع یکصد متری زمین از مالک خریداری و یا، ۲ درصد از بهره‌برداری و فروش، به مالک داده می‌شود» .
 ماده ۳: «پیدایش آثار باستانی که شکوه و برّ ارزش ملی از آنست، تا شعاع ۲۵۰ متری برای پنج سال، دخل و تصرف مالک در زمین، قدغن است که دولت باید برابر پنج سال استفاده زمین، به مالک پرداخت کند، که پس از پنج سال، زمین به مالک برگردانده می‌شود» .
 ماده ۴: «گذر راه آهن و جاده‌گذری موتورآلات و دکل برق، در تمام درازای راه به پهنای ۵۰ متر دو سوی جاده، باید دولت به قیمت دادگرانه، به دارنده زمین پرداخت کند» .
 ماده ۵: «زمین، باغ، قنات و ساختمان موقوفه، از روند نذور بیرون می‌آیند و ملی می‌شوند، که در این زمینه اراده رایستان، ملاک خواهد بود» .

۱۷۷. کارفرمایان و مدیران شرکت های غیردولتی در برابر استخدام و به کار گماردن هر کارگر به انگیزه رفع بیکاری و تولید کار، مالیات آنها، به حسب و اندازه ۱۰ درصد دستمزد کارگر، کاهش می یابد.

۱۷۸. کارگران به حسب درجه تخصص، سال های کار و میزان دستمزد ماهانه ۲ درصد، در فرآورده تولیدی کارخانه و شرکت ها، سهم و بهره ور خواهند بود زیرا، کارگر مالک و دارنده نیروی تولید خویش است.

۱۷۹. تأمین و تضمین امنیت شغلی و پیشه کارگران از سوی وزارت کار، در هماهنگی با سندیکای کارگری. ماده ۱: «دو برابر مزد، برای کارکنان پاکسازی شهر، آتش نشانی، آمبولانس، معدنچیان به ویژه ذغال سنگ و نیز، شب کاران».

۱۸۰. تنگدستان و قشر کم درآمد، معافیت مالیاتی خواهند داشت و تهیدستان تا کاریابی، از کمک مالی دولت و بهره وری از بیمه رایگان، که همگانی است، برخوردار خواهند بود. تبصره ۱: «زدودن فرهنگ کوپنی، جیره بندی سهمیه و یارانه، که به گونه ای از صدقه، تنبلی، سستی و خواری ارزش انسانی و گسترش خرافه در فرهنگ جامعه، جلوه گر شده است».

۱۸۱. بر پایه بندهای «اصول» ۲۰ و ۱۷۳، برای تعیین بودجه سالانه دولت، معاونت مالی نخست وزیری، معاونان مالی وزارتخانه ها، ۳ تن از کارشناسان مالی وزارت دارایی، ۲ تن از دیوان محاسبات، ۲ تن از خزانه داری کل و ۲ تن اقتصاددان، حقوقدان مالی و تجارت دانشگاه، دخل و خرج مملکت را با قوانین مالی و تجاری، ارزیابی و بررسی می کنند و بودجه سالانه دولت را، پس از تایید ریاست دولت، در نیمه نخست اسفند، به تصویب کمیسیون مالی رایستان «پارلمان» می رسانند. تبصره ۱: «از سوی ریاست دولت، معاونت مالی نخست وزیری، ۳ تن از کارشناسان

مالی وزارت دارایی، با هماهنگی کمیته مالی رایستان «پارلمان» درآمد، بودجه و هزینه سری دولت را، جداگانه بررسی می‌کنند، که تنها کمیته مالی و ریاست رایستان، از آن آگاه است و از سوی ریاست دولت، پیرامون جنبه سیاسی و امنیتی، هزینه می‌گردد، بی‌آنکه به رایستان پاسخ داده شود».

۱۸۲. مالیات بردرآمد برای کارکنان دولت یک درصد و برای مالکان، سرمایه‌داران، بُنکداران، دارندگان کارخانه و شرکت‌ها ۲ درصد خواهد بود، که نیروهای مسلح «نظامی، انتظامی» را در بر نمی‌گیرد.

۱۸۳. قرارداد سیاسی، مالی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی با بیگانگان از سوی دولت، باید به تصویب رایستان «پارلمان» برسد و به امضاء طرف قرارداد و وزیر پذیرای قرارداد «تخصصی وزارتخانه» باشد، قرارداد دیپلماسی پنهان و نظامی با بیگانگان، باید به تصویب کمیته و کمیسیون ویژه آن قرارداد و پیمان و وزیر طرف قرارداد برسد و هر نوع قرارداد بازرگانی و مالی با شرکت‌ها، سرمایه‌داران داخلی و کارخانه‌داران، باید به تأیید وزارتخانه مربوط برسد. ماده ۱: «سرمایه‌داران نمی‌توانند به گونه مستقیم با کمپانی، شرکت‌ها، کارخانه‌ها و دولت‌های بیگانه، قرارداد داشته باشند. پروانه وزارت دارایی و وزارتخانه‌ای که کار سرمایه‌دار، یا شرکت و کارخانه بیگانه، بدان پیوستگی می‌یابد و نیز وزارت خارجه، قرارداد را قانونی می‌سازد». ماده ۲: «هنگامی که کشور، در جنگ با کشور دیگری است، دولت می‌تواند با شرکت‌ها و دولت‌های دیگر، قرارداد برقرار کند و سرمایه‌داران نیز برای بستن قرارداد، که دولت موافقت کند، دشواری ندارند». تبصره ۱: «فروش ماسه، شن، سنگ، گل و خاک و نیز قلمه نهال درخت به بیگانگان، قدغن است».

۱۸۴. بر پایه بند «اصل» ۱۷۹ پدید آوردن پیشه و کار برای همگان، بر پایه آگاهی در آن زمینه و از میان برداشتن بیکاری و نیز جایگزینی ضابطه و تخصص، با

پیمودن مراحل در زمینه پیشه و شغل، به جای رابطه که پیشه و شغل باید با دانشی که آموزش داده شده هماهنگ باشد، تا پیشه و شغل، با دانش فراآموخته، تناسب و هماهنگی بیابد.

۱۸۵. افراد، پیشه و شغل خود را، خود بر پایه ضابطه بر می‌گزینند و پیشه و شغل باید، بر پایه آموزش و پیشینه‌ای باشد که آموزش دیده شده است و نه آموزش دیگری.

۱۸۶. ادامه کار تا زمان درخواست بازنشستگی از سوی شاغل، هموار است تا ارزش انسانی بازده خود را داشته باشد و روح زندگی زنده بماند، بویژه پیشه‌ای که با اندیشه و حس، زنده است چون: قضاوت، وکالت دعاوی، تدریس در دانشگاه، نویسندگی، پزشکی، مشاورت و رایزنی وزارتخانه و سازمان‌های دولتی، موسیقی، آهنگسازی، مهندسی معمار، شهرسازی، مجسمه سازی، نقاشی، تئاتر، سینما، طراح هنری و دیگر پیشه‌ای که با اندیشه و احساس، پیوستگی می‌یابد، که مرزی از سن و سال، برای آغاز و پایان اینگونه پیشه‌ها، نخواهد بود.

۱۸۷. پرداخت هزینه نسبی زندگی شهروندان از کار افتاده و توان خواهان «نابینا، ناشنوا، گنگ» و نیز بیوه زنان و سالمندانی که پیشه‌ای ندارند. ماده ۱: «مددکاری پیرسالان را، دولت هزینه می‌کند. از این روی، خانه سالمندان، نباید بر پا شود که گسست عاطفی رخ نماید و پیوند خانوادگی روی به روند ماشینی نهد و پیرسالان، هم احساس بیهودگی، در جدایی از خانواده و اندوه جانکاه مرگ نمایند».

۱۸۸. همیاری مالی بازرگانان و دارندگان دارایی به بنیادهای فرهنگی و اجتماعی غیر انتفاعی، که در پایان هر سال، دو برابر آن، کاهش مالیاتی برای کمک‌رسانان، به انگیزه دلگرم ساختن و تشویق آنان، به بالا بردن بینش اجتماعی و

فرهنگ ملی است .

۱۸۹. گسترش روند کشاورزی و دامداری در کوتاه زمان، تارسیدن به خودکفایی کشور، بدون کمترین نیاز وارد کردن فرآورده های دامی و محصولات کشاورزی که پیش از پنج سال نخست حکومت رایستانی «پارلمانی» این بی نیازی رخ گیرد و نیز فراهم آوردن ابزار فنی آن و ابزار رساندن شتابان و سریع فرآورده ها به بازار، تا مرز صدور به خارج، که صادرات بر پایه نفت و گاز، تک محصولی و تک پایه ای نباشد .

۱۹۰. آزادسازی کوچ روی ایلی، در بیلاق و قشلاق، به انگیزه ماندگاری نهاد سنتی ایلی، در پیوستگی بانمود و مظاهر طبیعت و نیز بیرون آمدن از رخوت و سستی و رها شدن از یک جا نشینی و برون رفت از تخته قاپوی مردم ده، آبادی و روستا و ماندگاری دلاوری و سلحشوری ایلات و عشایر و نیز، یابش علف چر مناسب و چراگاه خرم و خوش، به انگیزه پرورش دام، برای خودکفایی فرآورده های دامی، مانند گوشت، لبنیات، چرم، پشم و همچنین واگذاری زمان، برای دهکده ها در، رویش علوفه تازه . تبصره ۱: «کمک مالی دولت، در رونق دامداری و گسترش آن و نیز واکسینه کردن هر ساله دام، یکسال در میان، از سوی دولت». تبصره ۲: «سوزاندن و زیان رساندن به باغ و مزرعه باغداران و علوفه زار دامداران و غله و کشتزار، یا خانه و کاشانه کسی، بالاترین تاوان سنگین جنایی، به همراه پرداخت خسارت را دارد» .

۱۹۱. دور نگاهداشتن از آلودگی محیط زیست چون: گندآب رو، خاکروبه، زباله، آلودگی رودخانه، آفراس «کاریز = قنات» تالاب بندر انزلی «غازیان» دریاچه ارومیه، حاشیه خلیج فارس، کرانه دریاچه خزر، دریاچه هامون، هلمند، مرداب گاوخونی، دریاچه نیریز، جز موریان، سابوری در جنوب خاوری، شادگان خرمشهر، زریوار مریوان و... دود و گازوئیل ماشین آلات و کارخانه و وسایل نقلیه موتوری، وظیفه ای است در پاک نگاهداشتن آن. لایروبی سه سال یک بار کاریز و قنات، برای

پاکسازی و روان گشتن بیشتر آب و پیشگیری از هرز آب رودخانه و چشمه سار، به روش سدسازی و مرمت پنج سال یک بار، همه ۴۰ تالاب و آبگیر و نیز آبیاری منظم کشتزار کم آب، بی آب، دیمه و نیز برپایی پالایشگاه آب آشامیدنی، از سوی وزارت کشاورزی. ماده ۱: «برگرداندن و انحراف مسیر جغرافیای طبیعی رودخانه، از سوی هر نهاد، اگر به روش سدسازی هم باشد و یا از سوی افراد، ممنوع است». تبصره ۱: «چشمه که از قلل کوه سرازیر می شود و بهترین و سالم ترین آب نوشین و گوارا می باشد، سرچشمه آن ثابت و پایا است و نباید لایروبی شود، زیرا تند آب، با لایروبی، آب بیز می گردد، که پی آمد آن، خشک شدن چشمه و جنگل کوهی و گل و گیاه پیرامونی آن و نیز گریختن دام کوهی از آنجا است. تغییر مسیر آن، پس از ۵۰ متر از تند آب و سیلاب سرچشمه، برای آبیاری کشاورزی و دام اهلی، دشواری ندارد». ماده ۲: «دریاچه، رودخانه، آفراس «کاریز = قنات» چشمه، تالاب، آبگیر، مُرداب، برکه و حوض، نباید سمپاشی شوند و یا آلوده به مایه و مواد شیمیایی گردند. هرگاه به باتلاق، آبگند و لجنزار بدل شوند، لایروبی باید، از سوی دولت باشد، که به مرگ پرندگان و دام کوهی و خشکاندن درختان و بوته زار کناره های آن، نینجامد».

۱۹۲. بنیاد سازمان جنگلبانی و شکاربانی، برای نگاهبانی پی گیر جنگل، بیشه و نی زار، که سرمایه ملی است و بیشتر شدن نسل دام کوهی، پرندگان دشت، کوه، جنگل، ساحل و همکاری دولت به کشاورزانی که زمین کوهپایه ای دارند، به انگیزه کشت درختان میوه به گونه دیمه. ماده ۱: «به انگیزه پیشگیری از بریدن و قطع بی رویه بلوط و دیگر درختان بارور جنگلی و کوهپایه ای و درختان خود روی دشت، مانند «کنار، درختچه رَمَلِک، درخت تاگ، بیشه و نی زار» و درختچه خوشبو و بارور «مُورد» و... گازرسانی سراسری از نخستین دهکده مرزی چهارسوی کشور، تا پایتخت». تبصره ۱: «تغییر مسیر و انحراف آبرسانی باغ و بوستان، که به خشکاندن و از میان بردن آن، انجامیده شود و نیز قطع، بریدن، خشکاندن و یا سوزندان هر درخت بارور میوه یابی بر، از سوی هر نهاد یا شخص، از راه دشمنی با مالک، بالاترین

پادآفره و کیفر سنگین جنایی، برابر با، کشتن دیگری است، به همراه پرداخت خسارت، برابر بند «اصل» ۱۹۰، تبصره ۲.»

۱۹۳. ساختار کشور از مونتاژ به صنعتی و پدید آوردن زمینه سرمایه گذاری سرمایه گذاران داخلی و خارجی و پشتیبانی بی چون و چرای دولت از سرمایه گذاران داخلی و کاستن ۱۰ درصد معافیت مالی، از سرمایه گذاری، به انگیزه کاستن واردات.

۱۹۴. به انگیزه پیشگیری از تلفات انسانی، آلودگی هوا، آمد و شد فراوان، تردد کند و پیچیده و نیز پیشگیری از افزون شدن ابزار رونده مسافر و زیادی هزینه سوخت، بنیاد راه آهن چهارسوی کشور، از شمال خاوری تا جنوب باختری، از شمال باختری تا جنوب خاوری و از شمال تا جنوب، از خاور تا باختر با «اس.ان.ث. اف.» میان شهری با ترن و درون شهری با مترو، از کارهای ده ساله نخست دولت رایستانی «پارلمانی» است.

۱۹۵. پیشنهاد جابجایی پایتخت: انبوهی شمار جمعیت که چندین برابر گنجایش مساحت آن است، نقب های فراوان، ساختمان های چند طبقه، خطر زلزله، سیل، آتش سوزی، دشواری تردد و آمد و شد، آلودگی کامل هوا، در پی آمد سوخت کارخانه ها، پراکندگی ذرات سرب سوخته، ناشی از فرسودگی موتورآلات و ماشین، آبراهه، گنداب رو، بی رویگی بافت شهری، دشواری زندگی، تنگی خلق و خوی ساکنان شهر، کاستی روال بهداشت. پیشنهادی است برای انتقال و جابجایی پایتخت، به یکی از نقاط میانی کشور و ماندگاری تهران بزرگ، به شهری تجاری و دیپلماتیک از سفارتخانه ها که نمایندگی برای کشورهای متبوعه خود هستند و نیز شهری دانشگاهی باشد و پایتخت جدید، شهری در بخش سیاسی، با ترکیب هیئت دولت، رایستان «پارلمان»، سنا، دربار شاهنشاهی یا کاخ ریاست جمهوری «رایستانی» و نیز کنسولگری ها در بخش فرهنگی گردد که در درازای زمان، از گستردگی بی رویه

تهران پیشگیری شود و پایتخت جدید بر پایه تصویب رایستان «پارلمان» با قدغن بودن آپارتمان سازی، مکانی برای زیست مناسب و آب و هوای مساعد و نیز جای میانی کشور، مانند: دلیجان، آباده و ... باشد.

۱۹۶. افزوده بر سهمیه بودجه برای وزارتخانه ها، هزینه ۲ درصد برای آموزش، یک و نیم درصد برای بهداشت، یک درصد راه سازی کشور و یک درصد باز خرید میراث تاریخی پراکنده در کشورهای بیگانه که شکوه و برّفر تاریخ از آنست.

۱۹۷. دلگرم ساختن و تشویق پزشکان در تمایل بیشتر به پذیرش بیمه همگانی رایگان و پرداخت برابر یک پنجم هر بار مراجعه و ویزیت، برای پزشک از سوی وزارت بهداشتی، به انگیزه پذیرش بیمه رایگان بیمار و خدمات بهداشتی. تبصره ۱: «بر پایی درمانگاه و داروخانه دولتی با آمادگی گروه پزشکی در مرکز هر دهستان، که وزارت بهداشتی باید بادرخواست انتقال هر یک از هموندان، پس از یک سال کار، موافقت و همراهی کند».

۱۹۸. «دبیرخانه آراء و اندیشه جامعه»: ذوق ابتکار، حس اختراع در دل مردم باید نیرو گیرد و مردان و زنان لایق وشایسته و کاردان در میدان باشند و دولت باید همراه و یاور و مشوق آنان در زمینه مادی و معنوی گردد. از این روی، به انگیزه همراه شدن جامعه با حکومت و دولت «دبیرخانه آراء و اندیشه جامعه» در همه شهرهای ایران، بنیاد خواهد شد تا مردم آراء و اندیشه و نظرات انتقادی و اصلاحی و راهنمایانه خود را به آنجا دهند و شورای شهرستان به ریاست فرماندار که هر ماه با ترکیب رؤسای دوایر دولتی شهرستان تشکیل می شود، بدان پاسخ دهد. اگر پیشنهادات بالاتر از محدوده و قلمرو کار شهرستان و استان بود، به دبیرخانه آراء و اندیشه پایتخت فرستاده می شود، در نشست هیئت وزیران که هفتگی است آن نظر و رأی، اگر به تصویب رسید، در اصلاح و بهبود کار دولت، به کار گرفته می شود و به نام

پیشنهاد دهنده آن اندیشه و ایده در فرمانداری، ثبت و کوچه یا خیابان زادگاه، به نام او نامگذاری می‌گردد و اگر اندیشه در مناسبات کشور بود، در انجمن آثار ملی، به نام او نوشته می‌شود.

۱۹۹. برابری حقوق شهروندی جامعه، با نگرش به کرامت و ارزش انسانی، بی‌آنکه جنسیت، دین و مذهب، دودمان خانوادگی، جایگاه سیاسی، اندیشه، ایدئولوژی، دارایی و ناداری به میان آید. تجلی شخصیت و دستیابی به جایگاه، بر پایه ضابطه در زمینه آفرینندگی فردی، در رشته‌ای که پایه و مایه دانش، آگاهی و کارایی فرد است. از این روی، دولت رایستانی باید، این حالت کیفی را به کمی و از قوه به فعل در آورد و قدرت مالی و اجرایی را، پشتیبان آن سازد تا سلامت اجتماعی در پرتوجلوه‌گری شخصیت، تجلی شخصیت روی نماید و منش عناصر ایرانی گسترده گردد.

۲۰۰. آزادی اندیشه و باور، مکان زندگی، گزینش کار و پیشه، پوشش، رفتار و هنجار اجتماعی، گفتار، انتقاد، نوشتن و گزینش نام، بی‌آنکه دولت یا گروه یاکسی در زندگی فردی و خانوادگی کسی دخالت کند و به ارج و اعتبار و ارزش و منش افراد، آسیب رساند. ماده ۱: «پیشگیری از گزند فرد بر فرد و نیز برانگیختن یا وادار کردن کسی در هتک حرمت افراد، پادافره سنگین جزایی دارد، که رسیدگی از سوی سازمان‌های قضایی و محاکم دادگستری است و پیشگیری از گزند دولت بر فرد، از سوی دیوان دادگری است».

۲۰۱. برای جلوگیری از آلودگی و تباهی اخلاق اجتماعی و پیشگیری از بی‌باوری در جامعه، به انگیزه ماندگاری ارج و جایگاه دانش و پاسداری و حرمت‌گزاری رنج دانش‌آموختگی، افراد، به همان عنوان کارنامه خود خطاب و نامیده می‌شوند و نه عنوان کاذب و نادرست در آفرینش شخصیت‌های کاذب و دروغین. نیز پیشگیری از عنوان نابجا و القاب و انساب بی‌هوده که موجب سودجویی بی‌هنران و

پدید آوردن فاصله طبقاتی و زمینه هیجانات اجتماعی و گاه انقلابی می‌شود. کاربست عنوان نابجا که رنج انسانی دیگران را بی‌ارج می‌سازد و موجب آفرینندگی شخصیت‌های کاذب، از سوی ابزار ارتباطی می‌شود، تاوان حقوقی شغلی برای به‌کار گیرنده و برنامه‌گزار، دارد.

۲۰۲. نام مستعار، که کاربرد آن خلل و ناراستی و کارهای خلاف است، به کلی ممنوع می‌باشد. ضمانت اجرای قانونی آن، دو سال پیشگیری از پیشرفت و ارتقاء شغلی و نیز شش ماه بازداشت کاری است. ماده ۱: «آن دسته از شاعران، که دیوان شعر داشته باشند، در تخلص شاعرانه خود، آزاد هستند».

۲۰۳. برابر بند «اصل» ۱۴۰، همه عناصر اجتماعی، بویژه سردمداران حکومت و دولت، در برابر کار خود مسوول هستند، تنها کودکان تا ۱۴ سالگی و نیز دیوانگان از مسوولیت مبرا هستند، آن هم با کنترل و بازبینی و مراقبت و نگاهبانی از تربیت و رفتار آنان.

۲۰۴. الگو و مدل‌پذیری و بُن‌مایه آوری آزاد است، کپی و تصویر برداری از هر اثر هنری و تصرف و نیز بازخوانی آواز، شبیه‌خوانی و اثر هنری دیگری را با کار خود پیوند زدن، به کلی قدغن است، مگر با رضایت و خرسندی نوشته محضری آفریننده و یا تصویب وزارت فرهنگ. نیز به هیچ روی نمی‌توان آفرینش کسی را مانند: کتاب، تئوری اندیشه، اختراع، آواز، آهنگسازی، نوازندگی، سخنرانی و ... در زمان زندگی یا پس از مرگ آفریننده، با دگرگونی و تغییر هم باشد، کپی و تصویر برداری کرد، زیرا ارزش آفرینندگی پیشین‌کاستی می‌گیرد و از یاد و خاطره می‌رود و آفریننده به فراموشی سپرده می‌گردد و پیوند با گذشته، گسسته می‌گردد و از سوی آفرینندگی و خلاقیت رخ نمی‌گیرد و اخلاق اجتماعی به تباهی رانده می‌شود، از این روی، یادآفره متهم، جاعل، ناشر و بلندگو، تاوانی سنگین و کیفری است.

۲۰۵. برچیدن هر نوع اثر و نشان بوروکراتیک، کاغذ بازی اداری و پیشگیری از سرگردانی ارباب رجوع، به انگیزه راه اندازی کار مردم در کوتاه زمان و کاستن از شمار وزارتخانه‌ها و حذف وزارتخانه‌های بیهوده و کم کردن از عریض و طویل بودن آنان، که راه کار عملی پیشگیری از گسترش بوروکراتیک و کاغذبازی، پیشگیری از تمرکز در پایتخت است. بدینسان، هر وزارتخانه، نیز یک نماینده با نام مدیر کل در استان دارد، که از سوی استاندار با هماهنگی همان وزارتخانه، برگزیده می شود.

۲۰۶. به ارجح کرامت انسان و در امان بودن زندگی خصوصی مردم، کارگذاری ابزار ارتباطی پنهان، مانند دوربین مخفی، کشیک پنهان، ابزار و اسباب شنود در خانه یا محل کار کسی یا جای گذر یک فرد خاص، به کلی قدغن است. کارگذاری یکی از آن ابزار در شمار جرم جنایی است. طراح، فراهم آورنده ابزار و کارگذار، هر کدام یک جرم جنایی دارند. پیشگیری از این کار، از سوی دولت، به سلامت اخلاق جامعه کمک می کند و به جامعه، امنیت و آسودگی می رساند، زیرا نخستین گام دولت، برابر بند «اصل» ۱۱۸، ایجاد امنیت و آسودگی جامعه می باشد.

۲۰۷. پیشگیری از پدید آوردن سازمان های جاسوسی، اطلاعات دولتی و سازمان امنیت. ماده ۱: «تفتیش و کاویدن عقیده و باور دینی، مرام ایدئولوژیکی و مسلک سیاسی هر یک از عناصر جامعه، از سوی هر مقامی و هر شخصی، ممنوع و قدغن است که در دادرسی قضایی نیز قدغن می باشد.» تبصره ۱: «به انگیزه از میان برداشتن فرهنگ جاسوسی و در آسوده بودن زندگانی جامعه، گزارش کسی به زیان دیگر کسی، بدون امضاء و همه مشخصات شناسنامه ای، بیهوده است و از سوی نهاد گیرنده رسیدگی به گزارش، مشخصات گزارش دهنده، با شناسنامه او، برابر خواهد شد.» تبصره ۲: «بازبینی نامه و دخل و تصرف بسته های چاپاری «پستی» تاوان سنگین جزایی دارد.»

۲۰۸. امنیت ملی کشور که گام نخست دولت است با شهربانی و ژاندارمری است که وزارت کشور، نماینده ریاست دولت می‌باشد، بی‌آنکه کمترین دخالتی در زندگی خصوصی کسی، از سوی دولت و یا فرد بر فرد، پدید آید و بر پایه بند «اصل» ۲۰۷ بی‌آنکه دولت، سازمان اطلاعات و امنیت برپا کند. امنیت شهر بردوش پلیس و امنیت ده، دهکده، آبادی، روستا، ایلات و عشایر و مرزها، بر دوش ژاندارمری است که ضابط و مددکار دادگستری هستند و بند «اصل» ۱۵۸ با آن همسان، خواهد بود.

۲۰۹. بنیاد سازمان ضد تروریزم ملی، بین المللی، آدم ربایی، اسید پاشی، تیغ زنی و مبارزه پی‌گیر دولت در این راه، که وزارت کشور و وزارت خارجه و دادرسان قضایی، در پیگرد آنان، وظیفه قانونی دارند. در محاکمه تروریست، رباینده، اسیدپاش، تیغ زن و شمار زیاد آنان، از جرم آنها نمی‌کاهد. طراح، فرمانده، عامل، فرمانبر، جرم یکسان دارند و محکومیت یک تن از آنان، محکومیت جنایی همگی گروه است، که هر نفر، یک مجرم شمرده می‌شود و جرم، سرشکن نمی‌گردد.

۲۱۰. خلع سلاح همگانی از سوی وزارت جنگ و وزارت کشور، انجام می‌شود و بر پایه نیاز کسی، به داشتن اسلحه، پروانه ویژه از سوی وزارت کشور، داده خواهد شد. تبصره ۱: «همراه داشتن اسلحه سردکشنده، جرم جنایی به شمار می‌رود».

۲۱۱. دادگاه نظامی وجود ندارد، مگر زمان جنگ با بیگانگان. لغزش نظامیان «نیروی سه گانه نظامی و نیروی دو گانه انتظامی» در زمان صلح و آرامش، به دیوان دادگری واگذار می‌شود.

۲۱۲. برقراری و لغو حکومت نظامی از سوی دولت، به تصویب رایستان «پارلمان» و فرمان تشریفاتی پادشاه رایستانی یا رییس جمهور رایستانی «پارلمانی».

۲۱۳. اعتراف از متهم با تنبیه بدنی و شکنجه، به هیچ روی مجاز نیست، مگر برای تروریست، نارنجک انداز و بمب گذار، در زمان انجام آن. از این روی، شکنجه‌گر، مجرم جنایی یا جزایی، به شمار می‌آید.

۲۱۴. بر پایه بند «اصل» ۲۱۳ پلیس و ژاندارم، به هنگام دستگیری متهم و سپس، در بازداشتگاه، نباید کمترین گزند، آسیب و شکنجه‌ای روا دارد. ماده ۱: «نگاهداری متهم در بازداشتگاه تا رسیدن به دفتر دادسرا، نباید بیش از ۱۲ ساعت باشد و پیش از آن، باید از او تفهیم اتهام شود». تبصره ۱: «متهم با معرفی وکیل دعاوی، می‌تواند پاسخگوی پلیس و ژاندارم نباشد و تا پایان بازداشت موقت، برگه بازجویی امضاء نکند و اگر وکیل نداشته باشد، پیش از پایان بازداشت موقت، می‌تواند درخواست وکیل تسخیری نماید».

۲۱۵. کمترین آزار، پیرامون زندانی روا نیست. شکنجه‌گر، به میزان شکنجه، تاوان جرم دارد و برای زندانی، همه ابزار زندگی فراهم است که نگاهبانی و مسوولیت آن، با قوه مجریه می‌باشد و زندانی، تنها از زندگی درخانه و جامعه محروم و بازداشته است و پیشه و شغل ندارد، تا بدانجا که، با گرو گذاردن پایندانی یا ضمانت، هر فصل یکبار برای سه روز به مرخصی می‌رود و کمتر از پنج سال زندانی، اگر از پس کنکور برآید، می‌تواند به دانشگاه برود و به زندان برگردد.

۲۱۶. به هنگام آزادی زندانی از زندان، نیازی به پایندانی و ضمانت یا سپردن سند و گرو گذاشتن دارایی «منقول و غیرمنقول» نیست. به ارج قانون و قاضی، حکم قاضی برای آزادی زندانی، بسنده است، که پس از آزادی، بزّه‌کار اجتماعی، به شمار نمی‌آید.

۲۱۷. اعدام در هر زمینه‌ای ممنوع است، مگر قتل عمد به هر شیوه، که طراح،

فرمانده، سازمان دهنده و مجری، هر کدام یک قاتل به شمار می‌روند و نیز تجاوز به عنف، زندانی ابد خواهد بود. تبصره ۱: «مرگ ناشی از زندان سیاسی در زمان حکومت جمهوری اسلامی، از نخستین فرمان احضاریه و فراخوانی متهم به دادگاه، همه مزایای او، از آخرین جایگاه پیشه و شغل تا بیست سال بازنشستگی، برای باز ماندگان برقرار است». تبصره ۲: «دانشجوی زندانی سیاسی حکومت جمهوری اسلامی، جایگاه پیشه و شغل او و نیز پیگیری دانش او، با برشمردن سال‌های زندانی، گروه و پایه پیشه و کار وی، به شمار می‌آید».

۲۱۸. کمیسیون حقوقی یا قضایی رایستان «پارلمان» به همراه نماینده وزارت کشور، هر هفته می‌توانند از سلول‌ها و بندهای زندان، بازدید کنند و همچنین دانشجوی حقوق، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روان‌شناسی، مدیریت و کارآموز قضایی «قضاوت و وکالت» دانشجوی پزشکی و بهداشت، در بخش بهداشتی، تا چهار واحد درسی باید از زندان، کلانتری و پاسگاه ژاندارمری، بازدید کند و گزارش دهد.

۲۱۹. دارالتأدیب برای زندانی کردن نوجوانان زیر ۱۸ سال، وجود نخواهد داشت، با رخداد جرم، در پرورشگاه ویژه خواهند بود و نباید از کشور بیرون روند، زیرا پس از ۱۸ سالگی، محاکمه دادگاهی دارند.

۲۲۰. به درشتی و عنف، نمی‌توان به خانه و کاشانه و باغ و مزرعه و ملک کسی وارد شد، دفاع از سوی مالک جایز است. ماده ۱: «دولت برابر بندهای «اصول» ۱۱۸ و ۲۰۸ نگاهبان جان و مال مردم است و قانون پادافره و کیفر، برای متجاوز دارد».

۲۲۱. تجاوز به درشتی و عنف، جرم جنایی به شمار می‌رود. ماده ۱: «زن و شوهر و دوست دختر و پسر را شامل نمی‌شود و نباید بهانه‌ای به دست بهانه‌گیران بدهد و تفاهم زندگی را نامتعادل سازد». ماده ۲: «تجاوز به کودک کمتر از ۱۸ سال، با فریب

یازور، برابر است با کشتن دیگری» .

۲۲۲. کار اداری پنج روز در هفته و پاره ای سازمان و دستگاه های خدماتی دولتی و غیر دولتی، پنج روز و نیم است، زمان کار در روز هشت ساعت و برای کارهای فنی، هفت ساعت خواهد بود که یک ساعت ناهار را، در برمی گیرد . تبصره ۱: «بیمارستان، ژاندارمری، پلیس، آتش نشانی و دیگر سازمان های خدماتی، شبانه روزی هستند» .

۲۲۳. مرخصی استحقاقی زنان باردار، یک ماه پیش از زایمان و چهار ماه پس از زایمان و بر پایی شیرخوارگاه و مهدکودک در محل کار و نیز ترک محل کار، یک ساعت پیش از پایان کار روزانه و همچنین برای زنان دارنده همسر یا فرزند، با بر شمردن حقوق و مزایا، که دارندگان پدر و مادر پیرسال، نیز مشمول این قانون از ساعت کار روزانه هستند.

۲۲۴. تیمار و نگهداری کودکان بی سرپرست تا ۲۰ سالگی و پرداخت یک سال هزینه زندگی آنان، پس از خدمت سربازی، به انگیزه کاریابی. تبصره ۱: «پیشگیری از کار کودکان، تا ۱۶ سالگی و نیز جلوگیری از کار بدنی آنان تا ۱۸ سالگی» .

۲۲۵. بهره مندی فرزندان زیر ۲۲ سال از مزایای اجتماعی نسبی برای خانواده هایی که نان آور خانواده، زندانی یا از کار افتاده، ناپدید گشته و یا در گذشته اند .

۲۲۶. در پاسداشت ارج و حرمت پدافند و دفاع دلاورانه از میهن، در جنگ با عراق، از زمان رخداد، تا ۲۲ سالگی خردسال ترین فرزند سلحشوران جان از کف داده «شهیدان» ناپدید شدگان، در اسارت مردگان، معلولین، آسیب دیدگان جنگ، شیمیایی شدگان و موجدی ها، پرداخت هزینه به حسب سن و سال و درجه و مقام آنان .

ماده ۱: «برقراری مزایای زندگی برای فرزندان و همسر اعدام شدگان و زندانی شدگان سیاسی، در جمهوری اسلامی، از زمان اعدام و زندانی سیاسی نان آور خانواده تا ۲۲ سالگی خردسال ترین فرزند».

۲۲۷. پرداخت هزینه زندگی تا بازنشستگی و مزایای بازنشستگی سرگردانان اسیر شده در پایگاه شمال بغداد که نتوانستند پیشه و حرفه ای بیاموزند و نیز کشته شدگان و گمشدگان زمان جنگ با عراق و همچنین ناپدید شدگان در زندان جمهوری اسلامی و گمشدگان بیرون از زندان، با پرداخت هزینه زندگی و مددکاری مالی برای یک نسل فرزندان آنان، تا پایان درس و کاریابی. تبصره ۱: «ناپدید شدگان نیروی رزمی و مرزبانان، از آغاز تأیید شدن و آزادی، همه مزایای آنان برقرار است و ترفیع آنان، تا سن بازنشستگی خواهد بود، که مزایای آنان، ده سال پس از بازنشستگی، به بازماندگان نیز پرداخت می شود».

۲۲۸. اختصاص سه درصد از بودجه کشور، در هر سال، تا بازسازی کامل شهرها و بخش ها و روستاهای جنگ زده در حکومت اسلامی و نیز، مین روبی و پاکسازی، به زمان پیش از جنگ.

۲۲۹. هموار کردن دشواری مرزی با کشورهای همسایه، با نگهداشت مرزهای جغرافیایی پیش از انقلاب، با هماهنگی سازمان ملل متحد.

۲۳۰. پیوند و مناسبات دوستانه در داده های حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی و نظامی با همه کشورهای جهان، بویژه رابطه مودت آمیز و همکاری با کشورهای منطقه و خاورمیانه، دور از آپارتید "APARTHEID" و هر گونه ایدئولوژی آرمان گرایانه، ایده آلیستی، مذهبی، رنگ و نژاد، در چارچوب استقلال و حاکمیت ملی و جغرافیایی و گشایش سفارتخانه ها که استوارنامه سفیران و وزیران

مختار کشورها، با نخست وزیر «رییس دولت» خواهد بود.

۲۳۱. اقامت و ماندگاری اتباع بیگانه در کشور، با مسوولیت وزارت کشور، و هماهنگی وزارت خارجه است، به گونه پناهنده سیاسی یا ماندگاری عادی و موقت، تابعی است از قوانین و مقررات کشور، در مناسبات شهروندی جامعه، با برخورداری از مزایای بهداشتی و آموزشی و دیگر مزایای اجتماعی.

۲۳۲. اقامت نمایندگان بیگانه در کشور، با مسوولیت وزارت خارجه است و در کشورهای بیگانه، نیز کارکنان سفارت با مسوولیت وزارت خارجه و کنسولگری‌ها، از سوی وزارت خارجه با هماهنگی وزارت کشور، نمایندگی فرهنگی با هماهنگی وزارت فرهنگ، نمایندگی نظامی با هماهنگی وزارت جنگ و وزارت کشور، نمایندگی اتاق بازرگانی با وزارت دارایی، سیاحان و جهانگردان با هماهنگی وزارت اطلاعات است که همگی با وزارت خارجه، هماهنگی می‌کنند و اقامت و ماندگاری اتباع بیگانگان با مسوولیت وزارت کشور و همکاری وزارت خارجه است. ماده ۱: «سفیر و کادر سفارتخانه، ویژه وزارت خارجه است که همگی کارکنان برون مرز در هر کشور، زیر نظر سفیر، در همان کشور می‌باشد».

۲۳۳. امنیت و نگاهبانی جان و مال بیگانگان در کشور، با وزارت کشور است و نیز بر پایه قرارداد، امنیت و نگاهبانی جان و مال نمایندگان دولت، در کشورهای بیگانه، با دولت آن کشورها است. ماده ۱: «نمایندگان سیاسی، مصونیت دیپلماتیک دارند، که این مصونیت دیپلماتیک، پیشگیرنده بازرسی و بازپرسی از مجرم نیست».

۲۳۴. به انگیزه زدودن فرهنگ استعماری کاپیتولاسیون در دو دوره حکومتی پیش از انقلاب، آرغیدن و مناقشه میان هر یک از عناصر جامعه، با بیگانگان در هر جایگاه، در محاکم قضایی، مانند شهروندان ایرانی به شمار می‌روند.

۲۳۵. بیگانگانی که ملیت ایرانی دریافت کرده اند، می توانند برگزینند ولی نمی توانند برگزیده شوند، در دو نهاد انجمن شهر و شهرداری، دشواری نامزد ندارند، در دیگر نهادهای حکومت رایستانی «پارلمانی» تا دو نسل نمی توانند نامزد شوند. ماده ۱: «همسر گزینی بیگانگان، دارندگی ملیت ایرانی را، برای آنان هموار می سازد».

۲۳۶. آموزش و آموزشگاه اتباع بیگانه برای فرزندان آنان، به مقررات وزارت فرهنگ کشور متبوع خود، بستگی دارد.

۲۳۷. آموزش دهندگان نظامی خارجی، باید تنها در بخش آموزش فنی باشند و نیز از هر کشور مورد قرارداد، بیش از بیست نفر نباشد و هیچ مستشار دیگری از بیگانگان، نباید در نیروی نظامی و انتظامی باشد.

۲۳۸. هیچ قشون و دسته نظامی بیگانه، نمی تواند از خاک کشور گذر کند، یا در نقطه ای جای گیرد. گذر هواپیمای نظامی بیگانه از کشور و کشتی جنگی یا تجاری بیگانه از آب های کشور، با پذیرش و موافقت دولت است.

۲۳۹. ورود اجناس کارکنان سفارتخانه ها و کنسولگری ها، بهره مند از معافیت گمرکی است ولی مانع بازرسی از سوی کارکنان فرودگاه و مرزبانان آبی یا خشکی، نخواهد بود.

۲۴۰. ویزا، روادید و کارت اقامت برای همگان، در یک کشور بیگانه الزامی و اجباری است که امری عادی و طبیعی به شمار می رود و نیز پناهندگی سیاسی در شرایط نامساعد کشور، برای پاره ای از افراد الزامی است، ولی تابعیت برای زندگی در یک کشور بیگانه، هرگز الزامی و اجباری نیست و کاملاً اختیاری و آزاد است، زیرا ترک

تابعیت‌کننده، خود نیز درخواست‌کننده است و وفاداری خویش را به کشور بیگانه با سوگند، پیمان می‌بندد و از میهن خویش بریده و به مملکت دیگری پیوسته و تعهد سپرده است. بدینسان، ترک تابعیت‌کردگان، نمی‌توانند ملیت خویش را ترک کرده و در بدترین رویه بی‌مهری و بی‌علاقگی به میهن، از آن سود ناسالم برند و گاه به سود منافع کشور تبعیت‌پذیر، به منافع ملی زیان رسانند. از این روی، ترک تابعیت‌کردگان و ملیت خویش به بیگانه‌دادگان، نمی‌توانند برای ورود به نهادهای نه‌گانه نامنویسی‌کنند ولی می‌توانند در جایگاه دیگر، که بیش از یکصد جایگاه شغلی است، بی‌دشواری، پیشه و کار داشته باشند.

۲۴۱. ترک تابعیت‌کردگان، نمی‌توانند برای ورود به نهادهای نه‌گانه حکومت رایستانی «پارلمانی» برگزیده شوند ولی می‌توانند برگزینند.

۲۴۲. بیرون‌شدگان و بیرون‌آمدگان از کشور، برای نامنویسی نهادهای نه‌گانه، باید کارت اقامت خود را که در پاره‌ای از کشورها ده سال و در پاره‌ای کشورها کمتر است، به پیوست دیگر پیشینه خود، به فرمانداری بسپارند تا از دارندگان ملیت بیگانه، تفکیک شوند و دشواری نامنویسی برای دیگر نامزدها پیش نیاید.

۲۴۳. زاده‌شدگان در ممالک بیگانه که ملیت ایرانی دریافت‌کنند، برای نامزدی هیچیک از نهادهای نه‌گانه حکومت رایستانی «پارلمانی» دشواری ندارند، زیرا مکان زاده‌شدن بر پایه‌گزینش و اختیار نوزاد، نیست.

۲۴۴. راه‌یابی به نهادهای نه‌گانه حکومت رایستانی «پارلمانی» به ضابطه و شرایط آن نهاد بستگی دارد و باید نامزد و یا درخواست‌کننده از دون پایه تا بلندترین جایگاه، آگاهی آن داشته باشد که برای چه، به آن نهاد وارد می‌شود، بدین معنی باید شرایط ورود را داشته باشد که پایه آن شغل، تجربه، پیشینه و دانش آن است تا از

پایمال شدن حق و حقوق دیگران پیشگیری شود، زیرا کاربرد این بند «اصل» برای پیشگیری از کاستی ارج و جایگاه دانش و پیشگیری از رابطه نادرست حق کشی، جایگزینی ضابطه، بر پایه دانش، تجربه و کارآمدی آن است.

۲۴۵. پیشگیری از تبعید مخالفان دولت و نیز پیشگیری از انتقال ناخرسندانه کارکنان دولت.

۲۴۶. تضمین امنیت جان و مال و کار و پیشه سیاستمداران و رقبا و مخالفان دولت، به همراه ارج معنوی آنان، از سوی هر گروه که قدرت سیاسی جامعه را به نام دولت بدست می گیرند.

۲۴۷. بر پایه بند «اصل» ۳۲ کارکرد جبهه و حزب با وزارت کشور، کارکرد انجمن و کانون با وزارت فرهنگ، کارکرد سندیکا با وزارت کار، اتحادیه با وزارت کشاورزی و صنف با وزارت دارایی بخش بازرگانی است و هر کدام پروانه نامنویسی خود را، از آن وزارتخانه ها دریافت می دارند، تظاهرات آنان با موافقت وزارت کشور است. ماده ۱: «هیچ کدام از آن سازمان ها، نباید دولتی باشند».

۲۴۸. بر پایه بندهای «اصول» ۳۲ و ۲۴۷ بنیاد جبهه، حزب، سازمان، انجمن، کانون، اتحادیه، سندیکا، صنف و هر بنیاد اجتماعی و سیاسی آزاد است و همگی باید بار اخلاقی، انسانی و میهنی داشته باشند. قانونی بودن آنان، بر پایه جدایی از دین و مذهب است و دولت، نباید موجب برچیدن آنان شود، مگر لایحه‌ای از سوی وزارتخانه ویژه آن بنیاد، که به تأیید رییس دولت و به تصویب رایستان «پارلمان» برسد.

۲۴۹. جدایی دین و مذهب از حکومت و دولت، که کاربرد علمی جامعه شناسی آن، واژه انگلیسی سکولار «SECULAR» = حکومت دنیوی است، که بیشتر مفهوم

آنگلوساکسونی دارد و آن، مناسبات آزاد ادیان و مذاهب و آزادی مناسک و شیوه دینی، در نیایشگاه‌ها و مدارس دینی و مذهبی و آئین و مراسم آن است. آنچه‌آنکه دوری جستن رهبران دینی از حکومت و دولت، حرمت و ارجمندی دین و رهبران دینی را نگه می‌دارد و رهبران دینی، پایگاه معنوی خود را از دست نمی‌دهند و از آلوده گشتن و تباه شدن دین، هم پیشگیری می‌شود. از این روی، حکومتگران، دولتمردان، فرمانروایان و قانونگذاران، نباید آیین و روشی از دین و مذهب را «با نگرش به حرمت دین و مذهب» در حکومت و دولت و نهادهای نه‌گانه حکومت رایستانی «پارلمانی» و قوانین اجتماعی راه دهند. تبصره ۱: «دین پروران بی‌آنکه بار دینی خود را به نهادی وارد کنند، با احترام به باور دینی و مرام و مسلک آنان، راه یابی آنها به هر نهادی، بدون مانع است».

۲۵۰. نبودن دین و مذهب رسمی و پیشگیری از آن، در ساختار حکومتی و فرمانروایی کشور، در شوند حکومت عرفی لائیک «LAÏQUE» که نهادهای نه‌گانه حکومت رایستانی «پارلمانی» هستند و نیز حکومت، دولت و فرمانروایی، بر پایه جدایی دین و مذهب، به انگیزه پیشگیری از دیکتاتوری مذهبی و پی‌آمد تبعیدی بودن آن، مبتنی بر داده‌های انسانی است که جامعه درگزینش، تغییر و بی‌دینی، در مفهوم علمی جامعه شناسی آن، واژه فرانسه لائیسیته «LAÏCITÉ» در مفهوم غیرمذهبی، با نگرش به حرمت باور دینی و مرام و مسلک مذهبی، می‌باشد. زیرا دین و مذهب، پاسخگوی نیازهای گیتایی و این جهانی نیست.

۲۵۱. پیشگیری از امتیاز و برتری و تبعیض دینی، مذهبی، قومی، نژادی، طایفه‌ای، گروهی، مرامی و مسلکی، برای مردم و یکسانی جامعه در برابر قانون، که کاربرد علمی جامعه شناسی آن، واژه فرانسه اگالیته «ÉGALITÉ» به مفهوم برابری و مساوات، است.

۲۵۲. قوانین دادرسی قضایی، ناشی از بندها «اصول» ۲۴۹، ۲۵۰ و ۲۵۱ با تکیه به ارزش‌های اخلاقی، ملی و فرهنگی، از سوی حقوقدانان خصوصی و عمومی و جامعه‌شناسان، تدوین و به تصویب رایستان «پارلمان» و سنا می‌رسد. ماده ۱: «بُن مایه تدریس دانش آموزان و دانشجویان، ناشی از همین بند «اصل» خواهد بود».

۲۵۳. آموزش در آموزشگاه‌های دینی و مذهبی، پس از سن و سال بلوغ از ۱۶ سالگی به بالا است، تا گزینش برای نوآموزان دینی با آزادی و اختیار باشد و آنگاه پوشش اختیاری و آزاد مذهبی. ماده ۱: «واعظین، پند دهندگان، اندرزگویان و سخنرانان مذهبی، در مکان و مجامع مذهبی و معابد، مانعی برای نیایش و وعظ و خطابه و سخنرانی ندارند».

۲۵۴. بر پایه بند «اصل» ۲۵۰ بی دینی، دینداری و یا پذیرش هر دینی، آزاد است.

۲۵۵. آزادی گفتن، نوشتن و انتقاد در هر زمینه و در هر ابزار ارتباطی «دولتی یا خصوصی» مانند روزنامه، مجله، رادیو، تلویزیون، رادیو تلفنی، سایت اینترنتی، کنفرانس، اعلامیه، بیانیه و ... با نگهداشت ارزش انسان و حرمت اصول اخلاقی جامعه روا است. این آزادی، نمی‌تواند و نباید آسیب رسان و گزند به شخصیت معنوی، اجتماعی و سیاسی افراد باشد. تبصره ۱: «تاوان و پادافره تخریب شخصیت افراد و آسیب رسانی حیثیت و آبروی هرکس، بدون بُن مایه، سند و مأخذ، جزای سنگین کیفری دارد، که مفتریان و تهمت زنان، مسوولیت کار خویش را باید در، بندهای «اصول» ۲۰۳ و ۲۰۶ جستجوکنند».

۲۵۶. کانون نویسندگان، نباید حزبی عمل‌کند و نباید در آن ایدئولوژی ویژه‌ای روا باشد. کانون نویسندگان مکانی است آزاد، برای همه نویسندگان. ریاست

کانون دوره‌ای و با رأی بیشین، برای دو سال می‌باشد که گزینش دور دوم هموار است. هموندی در آن، نوشتن یک کتاب ثبت شده در کتابخانه ملی است و وزارت فرهنگ، بودجه کانون نویسندگان را می‌پردازد و چاپ نوشته نیز باید به تأیید کانون و شورای فرهنگی وزارت فرهنگ برسد. ماده ۱: «پژوهشگری دانشگاهی در بخش تحقیقات و پژوهش دانشگاه است». تبصره ۱: «چاپ نوشته و کتاب برای همه نویسندگان، در انتشاراتی گوناگون، آزاد است و حق چاپ برای آنان، تا پایان زندگانی و بر پایه سفارش رسمی به هر کس، پا برجا است». تبصره ۲: «پرداخت هزینه چاپ، از سوی وزارت فرهنگ، برای نویسندگان رُمان، داستان، شعر و ترجمه ۲۵ درصد و برای پژوهندگان ۵۰ درصد می‌باشد». تبصره ۳: «مترجم، در برگردان هر نوشته یا گفتار، باید امانت داری کند، بی‌سوی و جهت باشد و تفسیر نکند و آنچه هست، برگردان کند. در نادرستی برگردان، پادافره و کیفر جزایی و حقوقی پی‌آمد آن است».

۲۵۷. روزنامه، مجله، هفته‌نامه، ماهنامه، فصلنامه، سالنامه و ... در نوشتن مطالب آزاد است، تخریب شخصیت افراد، مانند: بهتان، تهمت و افترا بدون بُن‌مایه، سند و مأخذ از سوی نویسنده یا مترجم، پادافره و کیفر حقوقی و جزایی دارد و برای چاپخانه و پخش‌کننده، تاوان آن، کیفر حقوقی است، زیرا مطبوعات که زبان دل جامعه می‌باشد، نباید وسیله و ابزاری برای دارندگان موقعیت و دارایی قرار گیرد. از این روی، دو وظیفه پایه ای مطبوعات، نخست آنست که: وقایع و رویداد را آنچنانکه هست به آگاهی جامعه برساند و خبر، با برشمردن منبع، بی‌آنکه تفسیر و تحلیل و گمان‌پردازی شود، هرچه هست گزارش گردد. دوم وظیفه آنست که: به انگیزه پیشبرد اندیشه و بینش جامعه، به نشر و گسترش اندیشه بینشوران، متفکران اجتماعی، سیاستمداران و رهبران سیاسی، پردازد، زیرا مطبوعات در سازماندهی دولتی جای دارند که تا بازنشستگی و پایان زندگانی نویسندگان و کارکنان مطبوعات، از کارکنان دولت به شمار می‌آیند و در پایگاه وزارت فرهنگ به شمار می‌روند، که وزارت کشور با آن همکاری دارد. ماده ۱: «ابزار ارتباطی در بخش دولتی آن، برای

همگان است و به یک سازمان یا یک فرد یا دسته و گروه خاص و ویژه ای، بستگی ندارد، مگر ارگان رسمی یک سازمان یا جبهه یا حزب و گروه و دسته ای باشد». ماده ۲: «تخریب شخصیت افراد، بدون بن مایه و سند، تاوان سنگین حقوقی و جزایی آن، بر پایه بندهای «اصول» ۲۰۳، ۲۰۶ و ۲۵۵ می‌باشد».

۲۵۸. آزادی، ارج گذاری و گسترش فرهنگ بومی «گوش، موسیقی، آواز، لباس، سنت‌های بومی، محلی و...» پشتیبانی و یاری رسانی دولت از آن، در سوی مالی و اجرایی.

۲۵۹. گسترش زبان فارسی که زبان رسمی، ملی، همگانی، نماد وحدت ملی و یگانگی کشور است. سره گردانی و پالایش درست و منطقی و بهنجار آن، که دور از ذهن نماند، بسان نوشته نخستین سره گردان «جلال الدین میرزا قاجار» از وظایف وزارت فرهنگ و فرهنگستان کشور، با همکاری استادان ادبیات فارسی دانشگاه و نیز انجمن و کانون فرهنگی می‌باشد و همچنین، ارج گذاری گوش گوناگون بومی، مانند سده‌های پیشین رواج خود را باید داشته باشد. ماده ۱: «نگارش به فارسی کتابی است و نیز، پیشگیری از نوشتن گوش و لهجه گوناگون بومی، پیوسته باید در دستور دولت باشد، زیرا آنان که دانشی تا آنسوی تر از زادگاه خود ندارند و به گونه ای جویای نام در زادگاه خود می‌باشند، یا ناخواسته از سر به فرمانان مزد ناچیز فدرالیزم قومی و تجزیه طلبی هستند، بدین کار می‌پردازند که زیانباری جبران ناپذیر فرهنگی و میهنی دارد و چون آوا و اعراب حروف و نشان واژه‌ها، مانند: زبر، زیر، پیش و سکون، در نوشته رایج نیست، تلفظ و گوش در نوشتن، دگرگون بکار می‌رود و در کوتاه زمان، گوش‌ها و لهجه‌ها، از ریشه خود بدور می‌شوند و گسست و شکاف فرهنگی پدید می‌آورد و بافت کشور که از هزاران سال پیش، از تیره‌های گوناگون پدید آمده است و هر کدام گوش و لهجه خود را داشته و دودمان بر دودمان و سینه به سینه و نانوخته، به همان گونه گفته می‌شده‌اند، پیوستگی فرهنگی، اجتماعی و ملی از هم

گسیخته می‌گردد و شکاف فرهنگی پدیدار می‌شود و زبان ملی و مرکزی و اداری «فارسی» که ساروج و پیوند ملی همه ایرانیان است، روی به سستی می‌نهد و همه مفاخر ملی از هم می‌پاشد و هر گوشه کشور، تجزیه می‌گردد. با آنکه در هر جای جهان، بومیان هر کرانه‌ای، پیوسته به گویش بومی خود، سخن گفته‌اند و در درازای تاریخ، هیچ حکومتی هم، مانع گویش گوناگون بومی، نبوده است. از آن سوی، تفاهم همگانی، با زبان مرکزی که زبان رسمی بوده، پیوستگی داشته است. بدین سان، تیره‌های ایرانی، شناسه خود را با زبان فارسی شناسایی کرده‌اند و مفاخر تمدن و شکوه فرهنگ ایرانی، با همان زبان فارسی بوده است. نوشتن به لهجه‌ها و گویش‌های بومی، که الفبای نوشتن آن، نیز الفبایی است ناشناخته، برای غیر بومیان به مترجم نیازمند است و در دیدار و سفر، از شهری به شهر دیگر و گاه دهی به ده دیگر، بدون مترجم، تفاهم رخ نمی‌گیرد. از سویی، نمی‌توان، فیزیک، شیمی، ادبیات، علوم اجتماعی... را به گویش بومی هر ده، روستا، بخش و شهر، که در یک استان هم با هم متفاوت هستند، نوشت. از آن سوی، ادبیات ژرف و گرانبار فارسی و متون ادبی، منابع و بن‌مایه تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، هنر بویژه موسیقی ژرف ایرانی و مهمتر آنکه، زیرساخت فرهنگی کشور، بی پایه و سست و متزلزل می‌شود و دانش ژرف کهن، به فرهنگ قبیله‌ای و تیره و طایفه‌ای بدل می‌گردد و سرانجام، هر گویش، به همراه فرهنگ بومی خود، در همان محل، درجا می‌زند و محدود می‌گردد و نیز، بریدگی سرتا‌بن از دانش و داده‌های آن پدید می‌آید و بیگانگی و شکاف فرهنگی رخ می‌نماید و پایه و مایه جدایی خواهی و تجزیه طلبی را فراهم می‌سازد و سرانجام، کشور، روی به تجزیه و جدایی می‌نهد. از این روی، با نگرش به آزادی نوشتن در، بند «اصل» ۲۰۰- دولت، نوشتن گویش‌های بومی و لهجه‌های محلی را، باید به گونه جدی و استوار، پیشگیری کند و پشتیبان گویش‌های بومی چند هزار ساله کشور، هم باشد».

۲۶۰. بنیاد و برپایی فرهنگستان ملی و نیز بنیاد و برپایی انجمن آثار ملی، با همکاری دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده هنرهای زیبا و دانشکده علوم

اجتماعی دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌ها، که با هموندی ادبا، مورخین، عالمان علوم اجتماعی، باستان‌شناسان، زبان‌شناسان و هنرمندان کشور، از سوی وزارت فرهنگ، خواهد بود که مهمترین وظیفه آن دو بنیاد، جلب همکاری کتابخانه ملی و نشر دانشگاهی، برای چاپ، بی‌کم و کاست، از روی نخستین نسخه خطی، بی‌آنکه دستکاری و یا تصحیح شود، بسان نخستین نوشته سعیدی، خط نسخ احمد بن علی بن احمد شیرازی - ۷۵۸ قمری.

۲۶۱. پیشگیری از بیگانه‌فرهنگی و رخنه و نفوذ آن بخش از فرهنگ ناسالم غرب و جلوگیری از گسترش چیره‌فرهنگی عرب، از کارکرد و وظیفه وزارت فرهنگ و فرهنگستان کشور است و کاربرد این کارکرد، نباید از پیوند فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی سالم، پیشگیری کند.

۲۶۲. نظم و آراستن و سامان دادن زمان و ساعت، که یک بخش از ۲۴ بخش شب و روز است و از آثار طبیعت می‌باشد و زمین که از آثار کوچک طبیعت به شمار می‌رود و انسان هم یکی از هزاران جاندار آنست، نمی‌تواند در دوری یا نزدیکی زمین با ماه و خورشید و دیگر منظومه شمسی و کهکشان و کیهان و فراآمدن روز و پدیدار شدن شب، اثرگذار باشد. از این روی، کوشش در دگرگونی آثار آن، به نظم روحی و روانی مردم آسیب می‌رساند. بدینسان، ساعت که نمای گردش زمان است، به گونه طبیعی، ناظم روحی و روانی و سامان نظم خلق و خوی آدمیان می‌باشد. بر این پایه، ساعت باید پیش از زمانی که نخستین بار، در آن دستکاری شد، بر مدار محور استوا، سامان داده شود و پایا و برجا بماند، مانند بسیاری از کشورهای جهان، بویژه همسایگان که در آن، دگرگونی ایجاد نکرده‌اند، درست بسان نوروز، که از آغاز، در یک زمان روشن، سر سال نو، یکم فروردین، آغاز بهار، برابری روز و شب و گرد محور استوا... پدیدار شده است و راز ماندگاری آن، افزوده بر شوند ملی و فرهنگی، همین شوند علمی آن است، که در آن دستکاری نگشته است.

۲۶۳. گاه شماری: هیچ کشوری در جهان نمی‌توان یافت که برسر، گاه شمار آن کشمکش بوده و دستخوش هوی و هوس درخواستگاه سیاسی و ایده آلیستی و ایدئولوژی‌گرایی حکومتگران خویشتن خواه، خودکامه و رایزنان چاپلوس باشد. برای رهایی از این آشفتگی‌ها، کشوری که در شمار چهار تمدن کهن بشری است، سال رسمی آن، به زمان چاپ این قانون اساسی ۴۸۶۱ برابر ۲۰۱۱ مسیحی می‌باشد که مبداء و پایه آغازین آن، بر بنیاد نخستین سال تاریخ مدون، حکومت ایلامی که از مردم کشور، این حکومت برخاسته است و نه قوم مهاجم، یورشگر، غارتگر و ویرانگر آریا، نه یورش درد آور اندوه زای عرب و نه تکیه بر سال مسیحی.

۲۶۴. رسمیت نام کشور «ایرانویج، ایلام، انزان، انشان، پارس، ایران» یا نام دیگری، با بررسی انجمن فرهنگستان و نیز دانشکده ادبیات و علوم انسانی و دانشکده علوم اجتماعی و دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌ها، با تصویب کمیسیون‌های اجتماعی و فرهنگی رایستان «پارلمان» و سنا خواهد بود، تا دگرگونی نام کشور، از پارس به ایران «یکم فروردین ۱۳۱۵ شمسی = ۱۲ مارس ۱۹۳۶ مسیحی» که ناشی‌گری اندیشه‌ای، آنرا پدید آورد و خلیج فارس را یتیم کرد. با دگرگونی نام ایران، بتوان بهانه مدعیان ساحلی و عرب را، فرو نشانند و از به‌کارگیری واژه توهین‌آمیز «ایرون» هم، پیشگیری کرد.

۲۶۵. سرود ملی، شور میهن دوستی و غرور ملی را بسیج می‌کند و برمی‌انگیزاند و آن شور را، در روح و روان پایا می‌سازد. تقلید، اقتباس، شبیه‌خوانی و بازخوانی آن، ممنوع است. این سرود، که سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم که کشور در چنگ بیگانگان بود، در ۲۷ مهر ۱۳۲۳ شمسی، به انگیزه برانگیختن احساسات ملی، سروده شد، که در پاسداشت آن، سرود ملی و رسمی کشور است. ماده ۱: «سروده دکتر حسین گل‌گلاب جامعه‌شناس، آهنگساز استاد روح‌اله خالقی، آواز استاد غلامحسین بنان، با نام: ای ایران، ای مرز پر گهر... که با دگرگونی نام کشور در

تصویب بند «اصل» ۲۶۴ نام کشور در سرود و نیز خنیاگر و آوازخوان، تغییر می‌کند و نام جدید کشور با آوای خنیاگر دیگری، خوانده می‌شود».

۲۶۶. پرچم کشور، هیچگاه و هرگز، ملی نبوده است و پیوسته فرمانروایان حکومتی، آن را پدید آورده‌اند، که پس از واژگون شدن حکومت‌های پیشین، حکومت‌های پسین، به نشانه فتح و پیروزی خود، در آن دگرگونی پدید آورده، یا از نو، پرچمی پرداخته و برافراشته‌اند. از این روی، پرچم، نباید دولتی یا شبه مذهبی باشد و در آن، ایدئولوژی ویژه‌ای راه یابد، که دولت‌ها، یکی پس از دیگری، با آن سر دشمنی روا کنند و در دگرگونی حکومت، ساختار آن دگرگون شود، و علمداران جدید، بیرق داران حکومت پیشین را به بهانه پرچم، قلع و قمع کنند. بدین گونه، پرچم ملی، از سوی فرهنگستان کشور و استادان دانشکده ادبیات، هنرهای زیبا، علوم اجتماعی دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌ها، درفش کاویانی یا سه رنگ شیر و خورشید نشان، بدون شمشیر، یا پرچم دیگری خواهد بود که به تصویب رایستان «پارلمان» برسد. ماده ۱: «شیر نمی‌تواند شمشیر در پنجه داشته باشد. از آنسوی شمشیر در دست شیر، از شجاعت و هیبت و شکوه او می‌کاهد، و از دیگر سو، بزرگی، در ابزار قتاله و کُشدگی نیست».

۲۶۷. پول کشور، از ریال، که واحد پول عربستان بوده است، به واحد دیگری، به تصویب انجمن فرهنگستان و کارشناسان مالی دولت، به تصویب رایستان است و ضرب سکه و چاپ و نشر اسکناس، بر پایه ارزش گذاری ملی، تاریخی و فرهنگی بدون عکس و بدون نام رییس حکومت، به تصویب انجمن فرهنگستان، از بزرگان اندیشه و هنرمندان برجسته و سرداران ملی، خواهد بود و پشتوانه آن، ذخیره طلای کشور می‌باشد. ماده ۱: «چاپ تمبر نیز با رأی و نظر انجمن فرهنگستان از هنرمندان، بینشوران، سرداران و سپهداران ملی و ... است و فروش تمبر، بنیه مالی چاپ آنست». ماده ۲: «دولت می‌تواند با خرید طلا، بر ذخیره آن بیفزاید و نمی‌تواند

بفروشد، مگر به زمان نیاز، با تصویب رایستان «پارلمان» آنهم کمتر از یک تن، که باید ده سال از زمان آخرین فروش آن، گذشته باشد».

۲۶۸. گسترش ارزش فرهنگی، بر پایه تاریخ ایران و ناسیونالیزم ملی و نگهداشت و بازسازی و نگاهبانی آثار باستانی و میراث نیاکان و کوشش در بازگرداندن و گردآوری آنها که در پاره ای از کشورها پراکنده شده اند. بازرگانان، جهانگردان، باستان شناسان بیگانه و ایرانی و هر کس دیگری از هر مقام و جایگاه، نمی تواند اموال غیرمنقول مانند: زمین، ساختمان، باغ و نیز دارایی منقول میراث فرهنگی و تاریخی را خریداری کند یا اگر سال ها پیش، در نزد خود دارد، آن را بفروشد، زیرا همگی، اموال و دارایی کشور و برترین شکوه ورجاوند هویت ملی هستند و دولت وظیفه گردآوری و نگاهبانی و میراث داری آنها را دارد. ماده ۱: «وزارت فرهنگ با پرداخت هزینه، مسوولیت برگرداندن دارایی منقول میراث فرهنگی و تاریخی و آثار ملی را دارد». تبصره ۱: «کوشندگان بازیابی و نگاهداشت آثار باستانی و میراث ملی، به انگیزه ورجاوندی شکوه ملی، جایگاه ارزشمند فرهنگی، اداری و سیاسی دارند». تبصره ۲: «آسیب رسانی و تخریب هر بنا و ساختمان بیش از یک سده، از سوی هر جایگاه و مقام و هر کس، قدغن می باشد و دستبرد از آثار باستانی، پادافره و کیفر جزایی و حقوقی دارد».

۲۶۹. گسترش هنر «موسیقی، ساز و آواز ملی، سنتی، بومی، افسانه ای و عامیانه = فُلکلور» و بنیاد هنرکده های موسیقی، خانه رقص و پایکوبی، در سراسر کشور، برپا می شود. سازماندهی دولتی به گونه پیشه وکار هنرمند، که باید از زمان آغاز هنرآموزی تا پایان زندگانی هنرمند از کارکنان دولت به شمار آیند. گرامیداشت و ارج هنر و جایگاه والای آن و بهره وری مادی از پیشه و شغل هنر بی دغدغه برای هنرمند، از سوی وزارت فرهنگ، به انگیزه پیوند با داده های انسانی و تزکیه روح و یگانگی با ناسیونالیزم ملی و پیوستگی با ادبیات ژرف و پربار فارسی که پشتیبانی

دولت از هنر و هنرمند در پیشگیری از چیره فرهنگی بیگانگان و جبران حرمان تاریخی هنر و تجدید حیات موسیقی ملی و سنتی «خُنیا، آواز، نوا، سرود، آهنگ، ترانه و رامش» و بازآوری سی لحن از ۳۶۰ نغمه سرکش و باربد و هفت دستگاه نکیسا و رامتین، یا خسروانی زمان خسرو پرویز ساسانی و همچنین موسیقی اسحق موصلی، ابراهیم شیرازی و موسیقی زمان قاجاریه، از اسناد دوره ناصری، تا یک سال پیش از انقلاب، خواهد بود. بدانگونه که، موسیقی از مایه مذهبی و نیز خانقاهی و صوفیگری، رها شود و ساز و آواز در موسیقی، بار ادبی شعر، ارج و حرمت اجتماعی را بدوش کشد، بویژه آنکه غنای موسیقی پرمایه و ژرف ایران، بار هنری، تاریخی، ملی، اخلاقی و عاطفی خود را، دارا، باشد و شعر، موسیقی، آواز و دستگاه، با یکدیگر هماهنگی و همخوانی نشان دهند. تبصره ۱: «شعر، سرود و ترانه در آواز خواننده، باید بار اخلاقی، ادبی، عاطفی و احساسی آن، به نگر شورای موسیقی، برسد، تا شعر، در آواز خواننده، که باید آواز، بیش از دو دانگ، بی آنکه دِ کلمه باشد، پیوندگر شعر شاعر و شنونده گردد، تا رابطه شعری را، برقرار کند و آن را بازتاب دهد» .

۲۷۰. دنباله روی هنرمند از سیاست، هنر را از جلوه‌گری بی‌پیرایه و طبیعی خود، جدا می‌کند، زیرا هنر از جامعه بار می‌گیرد و در آن متجلی می‌شود. از این روی، هنر در خدمت سیاست، ممنوع است .

۲۷۱. آموزش موسیقی سنتی و ملی، در شمار درس دوره دبستان تا سال سوم دبیرستان، از دوره خسرو پرویز ساسانی و از دوره ناصری تا یک سال پیش از انقلاب.

۲۷۲. گسترش هنر معماری، در زنده نگاهداشت بناهای ملی و پشتیبانی دولت از آن و نیز گسترش هنر حجاری، نجاری، پیکرتراشی، مجسمه سازی، منبت کاری، مینیاتور، خاتم کاری، کاشی کاری، سفالگری و قالی بافی، گلیم و جاجیم بافی، نخ‌ریسی، پارچه بافی، نقاشی، خطاطی و تأثر ملی، تأثر خیابانی، تأثر کوچه و بازار،

سینما و هنر نقالی در سازماندهی دولتی، به عنوان کار و پیشه دولتی، از سوی وزارت فرهنگ تبصره ۱: «پشتیبانی دولت از معماری سنتی، به ویژه سبک بادگیر، مانند یزد، کاشان و ... در کاهش نیروی برق و سوخت، به انگیزه سالم سازی هوا و پیشگیری از بی‌رویی در برج سازی و آپارتمان های بساز و بفروشی».

۲۷۳. بنیاد انجمن آثار ملی، در هموندی مهندس معمار، مهندس شهرساز، باستان شناس، نژاد شناس و مورخ، از سوی وزارت فرهنگ بر پایه بند «اصل» ۲۶۰.

۲۷۴. به انگیزه آشنایی و شناخت پایه ای با فرهنگ ملی، همه دانشجویان، در دو سال نخست خود، باید دو واحد حقوق عمومی، چهار واحد جامعه شناسی «ایلی و روستایی و شهری» شش واحد تاریخ ایران، شش واحد ادبیات فارسی که چهار واحد آن، گلستان سعدی و دو واحد شاهنامه فردوسی در بخش اسطوره و پهلوانی باشد، بگذرانند.

۲۷۵. گسترش ورزش به گونه پیشه و کار و برپایی ورزشگاه، باشگاه و زورخانه ملی و باستانی در همه بخش ها و شهرهای کشور، به انگیزه آفرینندگی های قهرمانی در سالم سازی بدن و نیرومندی و گسترش خوی نیک از راستی، جوانمردی، گذشت، دلاوری و دوری از اعتیاد و افیون در سلامت نفس، که به انگیزه سالم سازی مناسبات روابط زندگانی اجتماعی و خانوادگی، پذیرش در جایگاه هرگونه پیشه و شغل، به گواهی مرکز بهداشت و درمان منطقه، در دوری از وابستگی اعتیاد افیونی، خواهد بود.

۲۷۶. در بالاترین شکوهمندی تاریخ و تمدن کشور که به پهناورترین سرزمین جغرافیایی جهان، به زمان خشایار شاه، پسر داریوش بزرگ «یکم» بود، یکی از سرداران مادی زمان داریوش یکم «داتیس» به تسخیر یونان که از فدراسیون پارس،

سرپیچی کرده بود، شتافت. در بهار ۴۹۰ پیش از مسیح، رویکرد جنگ در ۲۹ کیلومتری دشت «ماراتن» نرسیده به آتن، سپاه پارس شکست یافت. به نوشته «هرودوت» که به پدر تاریخ و نیز دروغ پرداز گزافه گوی تاریخ، آوازه است، این مسافت را، سربازی اسپارتی، که «فیلیپوس» نام داشت با دوندگی شتابان پیمود تا مردم شهر آتن را از شکست سپاه پارس آگاه سازد که از شهر نگریزند و پس از رسیدن به دروازه شهر و فریاد «ما پیروز شدیم» در دم، جان داد. پیک پرتوان مرگ نیز «داریوش» این با تدبیرترین پادشاه تاریخ را، در ربود، که ده سال پس از آن رخداد، پسرش خشایارشا، با سپاهی گران، سراسر آتن و اسپارت را به چنگ آورد و ۲۴۰۰ سال پس از آن، اروپائیان به انگیزه سروری بر جهانیان، دو ماراتن را سرآمد مسابقات جهانی المپیک نهادند و مسافت آن ۴۲ کیلومتر و ۱۹۵ متر، قرار نهاده شد. از این روی، که تپه ای روبروی کاخ پادشاهی انگلستان نماد آن باشد و درازای راه، بیشتر جلوه کند و نیز، میهن پرستی و پایداری اروپائیان در یادها زنده بماند. از آنجا که ارزش های میهنی، پایمال سیاست حکومت های نابکار است، پیش و پس از انقلاب، جوانان میهن را، به شرکت در این مسابقه می فرستادند. بدینسان، در نگهداشت غرور ملی و به انگیزه زدودن سیاست از ورزش، بی آنکه این مسابقه تحریم شده باشد، جوانان میهن، در بخش مسابقه دوندگی آن، شرکت نخواهند جست.

۲۷۷. تمرین فنون رزمی، یک روز از هر فصل سال، برای پدافند کشوری، از سوی همه مردان در هر پُست و جایگاه، میان ۲۰ تا ۶۰ سال خواهد بود، که وزارت جنگ و وزارت کشور، برگزار کننده آن هستند. ماده ۱: «با دو ماه تمرین متناوب در سال، میان جوانان ایلات و عشایر، که خواهان هموندی پدافند ملی باشند، به گونه پیشه رسمی خواهد بود».

۲۷۸. زمان سربازی همگانی از ۲۰ سالگی به بالا پیش از کار و شغل، برای پسران

یک سال و برای دختران شش ماه است، شش ماه نخست برای پسران و سه ماه نخست برای دختران، زمان آموزشی است که شامل فنون رزمی و داده های ناسیونالیستی است. ماده ۱: «تنها فرزند خانواده و نیز دو فرزند دختر یا پسر، مشمول معافیت سربازی هستند و نیز بالاتر از ۴۰ سال، شامل بخشودگی از خدمت سربازی است». ماده ۲: «در نگاهداشت غرور ملی سربازان، گماشته کردن آنان، قدغن است».

۲۷۹. سن همسرپذیری برای دختران از ۲۳ سالگی و پسران ۲۸ سال به بالا است و به ارج زندگی خانواده و نیز پیشگیری از فزونی جمعیت، همسرپذیری، تک همسری است. ماده ۱: «خرسندی زن، بیش از تک همسری مرد، به تأیید دادگاه است».

۲۸۰. گزینش رؤسای دانشگاه ها، بر پایه آراء بیشین رؤسای دانشکده ها و تأیید وزارت فرهنگ است، گزینش ریاست دانشکده ها، بر پایه آراء بیشین رؤسای بخش ها است و رؤسای بخش ها، بر پایه آراء بیشین استادان، دانشیاران، استادیاران و مربی ها و تأیید رییس دانشکده ها است و همگی برای یک دوره دو ساله برگزیده می شوند که دور دوم گزینش برای دو سال دیگر هموار است. «رأی و نظر مقدم الاساتید، دشواری را به همواری بدل می کند».

۲۸۱. جایگاه و مقام استادی به درجه دانش و دانشوری و درس خواندن در نوع دانشگاه پیوستگی می یابد، که پیمودن مراحل علمی از آن جمله: درجه دکتری، روش آموزش، سمینار، کنفرانس، کتاب، جزوه، ضوابط را معین می کند، که در آغاز، مربی گری «پروفیسوری» است و پس از هفت سال استادیاری و سپس هفت سال دانشیاری و آنگاه هفت سال دیگر، مقام استادی تا رسیدن به جایگاه بالاترین مرحله علمی، مقدم الاساتیدی است. گزینش مقدم الاساتید، به روش سنتی از میان

استادان علوم اجتماعی یا علوم انسانی است که پس از پیمودن مراحل علمی میان استادان، با رأی بیشین آنان است که دولت و رایستان «پارلمان» به هنگام دشواری بزرگ، از او یاری می جویند تا خردمندی او، دشواری مملکت را، از پیش پای رهبران سیاسی اجتماعی بردارد .

۲۸۲. آموزش رایگان و پرداخت هزینه دانش آموختگی تا پایان دوره دکتری و نهار رایگان برای کودکان تا دانشگاه و شام و همچنین خوابگاه، برای دانشجویان غیربومی. ماده ۱: «در همه سازمانهای دولتی از وزارتخانه تا دورترین بخش، مهدکودک دایر و پابرجا است و کودکان به شمار دبستان در هر جا دایر است و هر دو رایگان می باشند». تبصره ۱: «آموزش رسمی، دبستان است، که از هفت سالگی و پس از آن، آغاز می شود» .

۲۸۳. ورود به دانشگاه برای همگان و در هر سن و سال، آزاد است، که به حسب گنجایش، به روش رقابت و مسابقه سالانه کنکور سراسری با ده گزینش آزاد، درجه بندی نمره، بر پایه ضابطه نوع دیپلم دبیرستان «ادبی، ریاضی، طبیعی» است که با این روش از سهمیه بندی، بورس بازی، سفارش و حق کشی پیشگیری می شود و جز کنکور، هر روش دیگری برای ورود به دانشگاه ممنوع است. ماده ۱: «کنکور رشته های هنر، نیز یک بار در سال و چند هفته پس از کنکور سراسری است» .
 ماده ۲: «دانشگاه بی آنکه به شبانه و روزانه تفکیک شود، دو سوم از ساعت شبانه روز، باز خواهد بود، تا دارندگان پیشه و کار، بتوانند از کلاس درس بهره مند شوند» .
 ماده ۳: «اجبار حضور دانشجو در کلاس درس و امتحان از دانشجو در هر ترم درسی و پیمودن مراحل تحصیلی بالاتر، در همان رشته یکم یا دوم «اصلی - فرعی» یا همسان و مشابه دوره لیسانس، که درس خوانده است و نه رشته ناهمگون» .
 ماده ۴: «هر نوع بورس بازی، سهمیه بندی، خصوصی سازی، سفارش، تبعیض و حق کشی ممنوع است و بورس بر پایه رتبه درسی، به میزان پذیرش هزینه از سوی

وزارت فرهنگ، خواهد بود». ماده ۵: «دانشجو می‌تواند برای رشته دیگری، کنکور دهد و واحدهای همگون درسی او که با رشته جدید، هماهنگ باشد، به شمار آید و برای فوق لیسانس و بالاتر، باید رشته ای را ادامه دهد، که لیسانس گرفته است و یا رشته دوم تحصیلی و یا همسان با آن باشد».

۲۸۴. دکتری افتخاری آسیب رسان ارزش دانش و دانشگاه است، از این روی، دانش، که خرید فروشی و نیز، بخشیدنی نیست، پاره ای از سردمداران حکومت، در مناسبات سیاسی اقتصادی، دکتری افتخاری دریافت می‌کنند که دوران دبیرستان را هم نپیموده اند و در برابر دریافت آن، هزینه مالی سنگینی، به بهانه قرارداد علمی، آبادانی و انسانی، هنری، تجاری... با کشور ارمغان دهنده دکتری افتخاری، به بیت‌المال ملت، زیان رسانده‌اند. از این روی، در پاسداشت داده‌های انسانی، که دانش، سرنامه آن است، دکتری افتخاری و هر عنوان دیگری از درجه دانش، بدون پیمودن مراحل دانش آموختگی، هیچ‌گونه ارزش علمی، اداری، سیاسی و فرهنگی ندارد.

۲۸۵. درس برای دانشجو، از نوع مکاتبه ای و اینترنتی، هیچ‌گونه ارج و اعتبار علمی، فرهنگی، اداری ندارد. نمی‌توان در شهری در اداره ای پیشه ور و شاغل بود و از شهر دیگری یا کشوری که یک سفر دو روزه یا هرگز بدانجا نرفته، دانشنامه گرفت. این شیوه پس از حکومت انقلاب، به انگیزه بی‌ارج ساختن علم و دانش و بالا بردن مدارس مذهبی و نیز برای سرسپردگان حکومت، به جایگاه اداری، سیاسی و... پدید آمد، که گواهینامه یک سمینار چند هفته ای را، به نام دکترای تَرَدُدی «آمد و رفت» در تبلیغ انتخاباتی خود، قلمداد کرده و گروهی به نام نماینده ملت، به مجلس اسلامی رفته و گروهی نیز، به جایگاه سیاسی و اداری دست یافته‌اند.

۲۸۶. دانشجویانی که در کشورهای بیگانه، در رشته های ادبیات فارسی، زبان فارسی، ایران شناسی، در هر درجه دانش باشند، دانشنامه آنان، هیچ‌گونه ارزش

علمی ندارد، زیرا استادان این رشته‌ها که فارسی زبان نیستند، زبان فارسی را برابر یک دانش آموز پایان دبیرستان در ایران، نمی‌دانند و این خودگسترش بی‌دانشی است، که انگیزه‌گشایش این رشته‌ها در ممالک بیگانه، به کار گرفتن جوانان ایرانی برای تربیت جاسوسی است، آنچنانکه نمی‌شود در یکی از شهرهای ایران، ایتالیا شناسی، فرانسه شناسی، مکزیکی شناسی و ... آموخت و نیز نمی‌توان، ادبیات فارسی را، از اروپا و ایالات متحده آمریکا و هر سرزمین بیگانه دیگری، به ایران برد. از این روی، دانشجوی ایرانی، نباید به انگیزه گرفتن گواهینامه یا کارنامه، به هدف نادرست گام نهد. ماده ۱: «ادبیات و زبان و شناخت هر کشور، در همان کشور آموزش داده می‌شود». ماده ۲: «رساله شیلات را نباید دانشجویان فنی در کشورهای بیگانه بگذرانند، زیرا چگونگی آموزش تهیه شیلات به بیگانگان، از رونق بازار شیلات ایران، می‌کاهد، همانگونه که گسیل و صدور بی رویه قالی و جاجیم و گلیم به بازار جهانی، از ارزش گرانبار هنری آن کاست و روی به کاستی و کم‌ارجی نهاد».

۲۸۷. ارزشیابی کارنامه دانشگاهی، پیش از آغاز پیشه و کار و نامزدی و نامنویسی برای نهادهای نه‌گانه، از سوی وزارت فرهنگ با دانشگاه‌های کشور و جهان، برای همگان، به انگیزه پیشگیری از ورود شخصیت‌های کاذب، دغل و فریبکار در نهادهای نه‌گانه. تبصره ۱: «به انگیزه پیشگیری از کم‌دانشی و جلوگیری از دستبرد در رساله دکتری و پایان‌نامه دیپلم مطالعات عمیق، فوق لیسانس و لیسانس، بر پایه پیمان با وزارت فرهنگ همه دانشگاه‌های جهان، بیرون بردن از کتابخانه، بایگانی یا آرشیو و کپی از آنان، از سوی هر دانشجوی ایرانی یا بیگانه، قدغن است و آن دانشنامه مردود شناخته می‌شود».

۲۸۸. پرداخت هزینه از سوی وزارت فرهنگ با هماهنگی وزارت دارایی، برای از میان بردن کاستی خوراک و پوشاک دانش آموز دبستان و دبیرستان که بدون سرپرست هستند و یاپدر و مادر آنان، توانایی مالی ندارند.

۲۸۹. اعتصاب دانشجویی در زمینه دانشگاه و مناسبات آن، در دانشگاه، مجاز و آزاد است و در زمینه های دیگر ممنوع می باشد، زیرا دانشجویی برای خواندن درس و بهره مندی پس از درس، برای مملکت خویش به دانشگاه آمده و میهن و خانواده در انتظار او است و دولت از بودجه مملکت، برای او هزینه کرده است و هم آنکه دانشجویی، به سن گزینش نرسیده و در علوم اجتماعی پس از لیسانس، با الفبای سیاست آشنا شده است و در رشته های دیگر، مملکتداری و سیاست تدریس نمی شود و احساسات تند نوجوانی و غرور جوانی، کسی را هم سیاستمدار نکرده است و به بهانه اعتصاب، نباید از درس و مشق گریخت و پایان سال کارنامه قبولی از استاد و دانشگاه خواستار شد. هدف سر بلندی مملکت و خوشبختی مردم آن است و نیز پدران و مادران دانشجویی، از همان مردمند. از این روی، اعتصاب دانشجویی در کار سیاست مجاز نیست، زیرا به تقدس علم و دانشگاه آسیب فراوان می رساند و دانشجویی نباید ابزار کار سیاست پیشگان و گروه های سیاسی و دسته بندی پشت پرده آنان و گروه های فرقه ای و ایدئولوژیکی و نیز ایدئولوژی های زشت و خطرناک، قرار گیرد، که سرانجام، پشیمان شود. از آن سوی، دانشگاه، نباید پایگاه سنتی مخالفت های احساساتی دانشجویی و ابزار گروه های حزبی و سیاسی باشد و دبیرخانه ای برای جبهه ای یا حزبی گردد، زیرا دانش در سوی و جهت بی طرفی است.

۲۹۰. دانش آموز دوره دوم دبیرستان «سال دهم و یازدهم» هر سال یک بار، یک هفته آموزش فنی، یک هفته کشاورزی و باغبانی و نیز سه روز دامداری و یک هفته بازدید از آثار ملی «باستانی و میراث فرهنگی» باید داشته باشد که در شمار درس کلاس، به شمار خواهد آمد، تاشکوه ورجاوند میراث باستانی، که بر ارزش ملی است، سمبل ذهنی او گردد.

۲۹۱. در متون درسی کتاب های تاریخ و فارسی از چهارم دبستان تا پایان دبیرستان، بازشناسی کوی و برزن قدیمی شهرهای کشور، گنجانده می شود و دانش آموز دبیرستان

از آغاز تا دیپلم، در هر یک از سه رشته «ادبی، ریاضی، طبیعی» افزوده بر درس فارسی، درس گلستان سعدی و نیز بخش اسطوره و پهلوانی شاهنامه را، خواهد داشت و افزوده بر آن، یک زبان بیگانه، در شمار درس شش سال دبیرستان، به گزینش دانش آموز، خواهد بود. ماده ۱: «از آغاز تا پایان سال های دبیرستان، باید یک ورزش اختصاصی که در شمار درس به شمار می آید، برگزیند».

۲۹۲. آموزش علمی و ملی برای دانشگاهیان دولتی پس از انقلاب و از میان بردن کاستی درس دانش آموختگان دانشگاه های آزاد، با ورود دوباره آنان به دانشگاه های دولتی، با نگهداشت پیشه و پیشینه و حقوق و مزایا، به انگیزه آشنایی با داده های علمی و پیوند با ناسیونالیزم ملی و نیز، پاکسازی بیهوده ها و خرافه ها.

۲۹۳. آموزش در کودکانستان، دبستان، دبیرستان و دانشگاه، برشوند علمی و ملی است که در آن، داده های دینی و مذهبی راه ندارد و پایه بر، بندهای «اصول» ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱ و ماده ۱، از بند «اصل» ۲۵۲ می باشد.

۲۹۴. برچیده شدن همه بنیادهای آموزشی دانشگاه های آزاد و دانشگاه هایی که روش و پایگاه علمی نداشته اند و جلوگیری از درس مکاتبه ای و اینترنتی و نیز کاستن هر چه بیشتر، از آموزش تئوری دانشجویان لیسانس فنی و بالاتر، در تربیت کادر فنی مهندسی، بسان اروپا، در مدرسه فنی و کارگاه «پلی تکنیک». ماده ۱: «بر پایی دانشگاه های ملی که خصوصی هستند و با نظام آموزشی دانشگاه های دولتی همسان باشند، دشواری ندارد و دولت یاری رسان مالی آنان می باشد، مانند: دانشگاه ملی پیشین».

۲۹۵. نوشته های محلی پس از انقلاب، پیرامون تذکره پاره ای از خاندان های بومی که بر پایه کثرتی، ناراستی و دسته بندی های محلی، رقابت و دشمنی خانوادگی، به

انگیزه تخریب پاره ای دودمان ها، ناشی از قلم به مزدی نویسندگان محلی است و نیز قهرمان ملی قلمداد کردن دزدان دام و چهارپایان، تاراجگران جُل و پلاس مردم نادار، راهزنان قافله کاروانیان، غافلگیرانه شیخون زدن و تُرکتازی به کودکان و زنان و مردان خفته در خواب و زشتکاری آنان، که سراسر تاریخ ایالات و ولایات ایران، تا دهه‌ای پیش از انقلاب، پر است از اینگونه رخدادها. با این داده ها، دانسته یا نادانسته، آنرا به بارزه های اخلاقی جلوه دادن و دیگرگونه نشان دادن واقعیت‌ها، وارونه اخلاق نیک و بدآموزی است، که بازنگری در نگارش درست رخدادها، از سوی بخش پژوهش اجتماعی اداره فرهنگ نواحی، خواهد بود.

۲۹۶. برچیده شدن بنیادهای مالی پس از انقلاب «بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، بنیاد ۱۵ خرداد، بنیاد نور، حساب صدامام و ...» به سود دولت و جذب مدیران آن، در وزارت دارایی .

۲۹۷. برچیده شدن نهادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پس از انقلاب «ثارالله، انصار، زینب، ایثارگران، جانبازان و ...» به کارگماردن کارکنان آن نهادها، در پیشه و کار دولتی یا غیردولتی. ماده ۱: «قشر مذهبی که آموزش گیتایی دارند، بی آنکه هدف و روش مذهبی خود را به نهادی راه دهند، مانند دیگران، دارای مناصب، تا بالاترین جایگاه دولتی خواهند بود» .

۲۹۸. لغو همه قراردادهای زیانبخش حکومت جمهوری اسلامی با بیگانگان، به پیشنهاد دولت و تصویب رایستان «پارلمان» .

۲۹۹. بازگرداندن زیان مادی انقلاب زدگان و برآورد خسارت پیشه و شغل آنان، از آغاز انقلاب تا جایگزینی حکومت رایستانی «پارلمانی» .

۳۰۰. کارکنان کشوری و لشکری حکومت جمهوری اسلامی در جایگاه همسانی با پیشه خود، به حکومت رایستانی «پارلمانی» منتقل می‌شوند و از مدیرکل و سرهنگ به بالا، بازنشسته خواهند شد.

۳۰۱. جابجایی کار و پیشه نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی، با همان درجه «پاسدار، بسیج، کمیته، ساوا و...» بویژه به ارزش پدافندی دلاورانه میهن، در جنگ با عراق، در جایگاه ارتش، ژاندارمری، پلیس و پدافند، بر پایه پیشینه کار، با برشمردن زمان کار، تا هنگام بازنشستگی و آموزش ناسیونالیستی بدانان، در زمان کار و شغل و دریافت همه مزایای شغلی، به زمان آموزش.

۳۰۲. رسیدگی به ستمگری کارگردانان رژیم جمهوری اسلامی، به درخواست دادخواهان در دادگاههای حقوقی، جزایی. تبصره ۱: «ایمن ساختن و در پناه آوردن آرامش و آسودگی کارکنان حکومت اسلامی، در همه زمینه‌ها، پیرامون کسانی که دادخواهی در میان ندارند و به کار گیری آنان، در پیشه و کار نهادهای حکومت رایستانی «پارلمانی» به میزان ضابطه کار و پیشه و پیشینه آنان».

۳۰۳. برپایی نیروگاه انرژی پاک، در بهره‌وری از انرژی خورشیدی، باد، گاز و نفت را، دولت پشتیبان است و نیروگاه هسته‌ای در سراسر کشور، بیش از سه پایگاه مجاز نیست، که تا شعاع و چهار سوی ۱۲ فرسنگ یا ۷۲ کیلومتری محل و جایگاه سکونت، آزاد نمی‌باشد. ماده ۱: «زمین، باغ و ساختمان مالکان، تا همان شعاع، از سوی دولت، به ارزش و نرخ دادگرانه، به مالکان پرداخت می‌شود».

۳۰۴. برچیده شدن پایگاههای انرژی هسته‌ای، به انگیزه پیشگیری از تلفات انسانی ناشی از انفجار اتمی، همراهی با کشورهایی است که خواستار برچیدن پایگاههای انرژی هسته‌ای خود هستند.

۳۰۵. ریاست دولت موقت پس از حکومت جمهوری اسلامی، فرمان برپایی انجمن بومی «ایالتی و ولایتی = محلی و منطقه‌ای» را در همه شهرستان‌ها، به وزارت کشور می‌دهد، که تا شش ماهه نخست، باید برقرار شده باشد. سپس ریاست دولت، گزینش و برگزاری انتخابات آزاد نمایندگان رایستان «پارلمان» را به آگاهی وزارت کشور می‌رساند که آغاز و انجام آن، سه ماه تا ورود نمایندگان به رایستان «پارلمان» است. پیش از استقرار و جای‌گیری یک ماهه نمایندگان در رایستان، دولت لایحه‌ای برای برپایی مؤسسان «خبرگان» به رایستان می‌فرستد و رایستان، پیش از دو هفته برپایی مؤسسان را به دولت، ابلاغ می‌کند و دولت در هفته نخست، فرمان برقراری مؤسسان را به وزارت کشور، برای گزینش و برگزاری انتخابات آزاد مؤسسان «خبرگان» می‌دهد، که آغاز و انجام کار گزینش سه ماه است و پس از یک ماه از استقرار و پابرجایی مؤسسان، پیش از پایان شش ماهه نخست، رایستان وظیفه تاریخی خود را که گزینش یکی از دو نظام (پادشاهی رایستانی یا جمهوری رایستانی «پارلمانی») است، به دولت ابلاغ می‌کند. سپس رایستان، به همان دولت موقت، که خود رایستانی است رأی اعتماد می‌دهد، اگر برکناری روی دهد، گزینش دولت رایستانی دیگری را به همان دولت موقت، آگهی می‌دهد. از آن پس، همه نهادهای حکومت رایستانی، سامان طبیعی خود را، در شوند رایستانی می‌پیمایند که ملزم و پایا، به نگاهبانی و اجرای قانون اساسی حکومت رایستانی «پارلمانی» می‌باشند.

«پایان» .